

بررسی و تحلیل نرخ مشارکت نیروی کار و عرضه نیروی کار در ایران و استان‌های کشور

مجری

نعمت فلیحی

همکاران طرح

حسین رازقی - محمد یوسفی

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده‌ی آمار

زمستان ۱۳۸۷

به نام خداوند جان و خرد

پیش‌گفتار

سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن یکی از عمده‌ترین راه‌های شناخت کشورها از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی برای برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی خدمات و فعالیت‌های ملی و منطقه‌ای است. امروزه در اغلب کشورها سرشماری‌های نفوس به فاصله‌ی ۵ یا ۱۰ سال یک بار به مرحله‌ی اجرا در می‌آید. در جمهوری اسلامی ایران نیز سرشماری عمومی نفوس و مسکن مطابق ماده‌ی ۴ قانون مرکز آمار ایران، هر ده سال یک بار با فرمان رئیس جمهوری اجرا می‌شود. این سرشماری در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ منطبق با جدیدترین روش‌های علمی به مرحله اجرا درآمده است.

از آنجایی که در این سرشماری‌ها، جمعیت به‌عنوان محور و هدف توسعه، از ابعاد مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد و اطلاعات به تفصیل گردآوری می‌شود، لذا از منابع بسیار غنی در شناخت ویژگی‌های جمعیتی کشور محسوب می‌شوند.

اگرچه داده‌های خام سرشماری فی‌نفسه نمادهای گویایی از خصیصه‌های مختلف جمعیت یک جامعه‌اند، اما ارزش واقعی آن‌ها زمانی پدیدار می‌شود که توسط اهل فن با رویکرد به پیوندهای متقابل پدیده‌ها تحلیل و تفسیر شوند. به منظور حصول به این گونه تحلیل‌ها، پژوهشکده‌ی آمار برای اولین بار با کمک پژوهشگران و صاحب‌نظران اجتماعی، اقتصادی و آماری اقدام به انجام طرح‌های پژوهشی در ابعاد گسترده در زمینه تحلیل ویژگی‌های جمعیتی (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی)، مسکن، امکانات و تسهیلات، مهاجرت (داخلی، خارجی) نموده است.

مجموعه حاضر یکی از طرح‌های انجام شده در زمینه تحلیل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ می‌باشد که امید است پاسخگوی بخشی از نیاز کاربران باشد.

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات	۱
۱-۱- مقدمه	۱
۲-۱- بیان مسئله	۱
۳-۱- اهداف تحقیق	۲
۴-۱- ضرورت انجام طرح	۳
۵-۱- فرضیات تحقیق	۴
۶-۱- سئوالات تحقیق	۴
۷-۱- متدولوژی تحقیق	۵
۸-۱- داده‌ها و اطلاعات موردنیاز و روش جمع‌آوری آنها	۵
۹-۱- مشکلات تحقیق	۶
فصل دوم: مبانی عرضه نیروی کار	۷
۱-۲- مقدمه	۷
۲-۲- الگوی استاندارد عرضه نیروی کار	۸
۳-۲- الگوهای عرضه نیروی کار خانوار	۱۱
۴-۲- الگوی تخصیص زمان	۱۳
۵-۲- الگوی عرضه نیروی کار در طول زمان	۱۳
۶-۲- عرضه نیروی کار و بیکاری	۱۴
۷-۲- عرضه نیروی کار و مخارج دولت	۱۷
۸-۲- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۱۸
فصل سوم: مروری بر مطالعات انجام شده	۲۱
۱-۳- مقدمه	۲۱
۲-۳- مطالعات انجام شده در زمینه عرضه نیروی کار در خارج از کشور	۲۳
۳-۳- مطالعات انجام شده در زمینه عرضه نیروی کار در داخل کشور	۳۳
۴-۳- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۳۹

فصل چهارم: بررسی روند عرضه نیروی کار و نرخ مشارکت نیروی کار ۳۹

۳۹-۱-۴ مقدمه ۳۹

۴۰-۲-۴ بررسی روند جمعیت در طی دوره ۸۵-۱۳۵۵ ۴۰

۴۲-۳-۴ بررسی روند جمعیت ده ساله و بیش تر در طی دوره ۸۵-۱۳۵۵ ۴۲

۴۳-۴-۴ بررسی روند جمعیت فعال در طی دوره ۸۵-۱۳۵۵ ۴۳

۴۴-۵-۴ بررسی روند جمعیت فعال زنان و مردان در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ ۴۴

۴۶-۶-۴ بررسی روند جمعیت فعال شهری و روستایی در طی دوره ۸۵-۱۳۵۵ ۴۶

۴۷-۷-۴ بررسی روند بیکاران و نرخ بیکاری در طی دوره ۸۵-۱۳۵۵ ۴۷

۴۸-۸-۴ بررسی وضعیت بازار کار در استان‌های کشور ۴۸

۴۹-۹-۴ تعامل بین جمعیت فعال و غیرفعال در استان‌های کشور ۴۹

۴-۱۰- عرضه نیروی کار جدید و فرصت‌های شغلی ایجاد شده

۵۰ در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵

۴-۱۱- بررسی نرخ مشارکت نیروی کار برحسب گروه‌های سنی و

۵۰ جنسی و شهری و روستایی

۴-۱۲- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فصل پنجم: تصریح الگو، تخمین و تحلیل نتایج ۸۳

۸۳-۱-۵ مقدمه ۸۳

۸۳-۲-۵ تصریح الگوی نرخ مشارکت نیروی کار ۸۳

۸۵-۳-۵ داده‌های آماری و روش تخمین الگوها ۸۵

۸۶-۴-۵ روش شناسی تحقیق ۸۶

۸۷-۵-۵ تخمین الگوی نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۸۷

۹۷-۶-۵ تخمین الگوی نرخ مشارکت نیروی کار در استان‌ها ۹۷

۹۸-۷-۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۹۸

فصل ششم: خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ۱۰۳

۱۱۱ منابع

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

در این فصل، کلیات شامل بیان مسئله، اهداف تحقیق و ضرورت انجام آن و نیز متدولوژی تحقیق ارائه می‌شود و یک دیدگاه کلی از موضوع و نحوه انجام تحقیق را مشخص خواهد کرد.

۱-۲- بیان مسئله

عرضه نیروی کار مبنای محاسبه نرخ مشارکت نیروی کار می‌باشد. نرخ مشارکت نیروی کار که از نسبت جمعیت فعال به جمعیت ده ساله و بیشتر به دست می‌آید. در واقع معیار رفاه اقتصادی نیز می‌باشد به طوری که با ثابت بودن و یکسان بودن تمامی متغیرها در دو کشور و یا دو منطقه، رفاه در کشوری که از نرخ مشارکت بالاتری برخوردار است، بیش‌تر است.

عرضه نیروی کار در دو حالت ایستا و پویا، بر اساس حداکثرسازی تابع مطلوبیت نسبت به محدودیت بودجه به دست می‌آید. که تابعی از سطح دستمزد و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. این شکل از معادله در مطالعات مینسر^۱ در سال ۱۹۶۳، بیکر (۱۹۶۵)، اشنفلتر و هکمن^۲ در سال ۱۹۷۴ دیده می‌شود.

شاید مهم‌ترین مطالعه در خصوص نرخ مشارکت نیروی کار توسط اشنفلتر در سال ۱۹۸۰ دیده می‌شود. وی معتقد است که نرخ مشارکت باید به تفکیک زن و مرد و گروه‌های سنی بررسی گردد. معمولاً در اغلب کشورها، نرخ مشارکت مردان بالاتر از نرخ مشارکت زنان بوده، ولی نرخ مشارکت زنان در طول زمان در حال افزایش است. وی نرخ مشارکت نیروی کار را در گروه‌های سنی

^۱. Mincer

^۲. Ashenfelter and Heckman

مختلف به دو دسته "ادواری" و نیز "روندی کلی" تقسیم می‌کند. یک روش ساده تشخیص این دو نوع تغییرات، مقایسه نرخ مشارکت گروه‌های سنی مختلف با نرخ مشارکت گروه سنی مرجع است. برای مقایسه این دو اثر، نرخ مشارکت تابعی از نرخ بیکاری گروه‌های سنی مختلف در نظر گرفته می‌شود. حال سؤال این است که آیا نرخ مشارکت گروه‌های سنی مختلف، به صورت یکسان تغییر می‌کند یا خیر؟

در این مطالعه نیز برای تحلیل روند و جداسازی دو اثر ادواری و اثر روندی از روش‌شناسی اشنفلتر استفاده می‌گردد. همچنین در یک الگوی ساده، تأثیر پوشش تحصیلی (نسبت جمعیت در حال تحصیل به جمعیت گروه سنی مورد نظر) و افراد دارای تحصیلات عالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از بررسی روند نرخ مشارکت نیروی کار در گروه‌های سنی مختلف و در بین زنان و مردان، تحلیل مشارکت نیروی کار در استان‌های کشور مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. مقایسه تطبیقی نرخ مشارکت نیروی کار به تفکیک شهری و روستایی در سال ۱۳۸۵ و مقایسه آن با دوره‌های گذشته، از مهم‌ترین مراحل مطالعه است.

۱-۳- اهداف تحقیق

- ۱- بررسی و تحلیل روند نرخ مشارکت نیروی کار و عرضه نیروی کار در کشور و استان‌ها.
- ۲- بررسی نرخ مشارکت نیروی کار و عرضه نیروی کار به تفکیک گروه‌های سنی در کشور و استان‌ها.
- ۳- بررسی نرخ مشارکت نیروی کار و عرضه نیروی کار به تفکیک شهری و روستایی در کشور و استان‌ها.
- ۴- بررسی نرخ مشارکت نیروی کار و عرضه نیروی کار به تفکیک جنسیت در کشور و استان‌ها.
- ۵- تحلیل عوامل اثرگذار به ویژه پوشش تحصیلی و تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها با الگوی اقتصادسنجی.

۱-۴- ضرورت انجام طرح

این تحقیق با توجه به نقش نیروی کار و اشتغال در اجرای سیاست‌های برنامه‌های سوم و چهارم توسعه بسیار حائز اهمیت است. شناسایی میزان مشارکت نیروی کار در بازار کار از مهم‌ترین مباحث برنامه‌ریزی می‌باشد و فرصت‌های شغلی مورد نیاز در کشور با استفاده از میزان مشارکت نیروی کار امکان‌پذیر خواهد بود. لذا نقش نرخ مشارکت در برنامه‌ریزی، اهمیت مسئله را نشان می‌دهد.

با توجه به رشد قابل ملاحظه عرضه نیروی کار در دوره ۸۵-۱۳۷۵ (به طور متوسط سالانه ۳/۹ درصد) که بیش‌ترین رشد جمعیت فعال در سال‌های گذشته بوده است و لزوم برنامه‌ریزی برای ایجاد اشتغال برای این افراد در سال‌های آتی اهمیت موضوع کاملاً مشخص می‌شود. این مهم با توجه به افزایش نرخ بیکاری کشور در سال ۸۵ به ۱۲/۷۵ درصد و به ویژه نرخ بیکاری زنان به بیش از ۲۳ درصد (به خصوص زنان دارای تحصیلات عالی) اهمیت موضوع را دو چندان می‌کند. بررسی علل و عوامل رشد عرضه نیروی کار و نرخ مشارکت در دوره مورد بررسی می‌تواند به اتخاذ تصمیم و سیاست مناسب برای این افراد منجر شود.

همچنین با توجه به این‌که استان‌های کشور دارای پتانسیل‌های متفاوتی برای توسعه و تولید هستند نتایج این تحقیق که عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت را در استان‌ها نیز بررسی می‌کند، می‌تواند برای استان‌ها و همچنین طرح‌های توسعه منطقه‌ای و آمایش سرزمین مفید واقع شود. هم‌اکنون عدم تعادل‌های منطقه‌ای در بین استان‌ها و حتی در خود استان‌ها و بین شهرستان‌های هر استان، یکی از مشکلات اساسی توسعه کشور است. ایجاد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری بدون شناسایی دلایل و عوامل افزایش عرضه و تقاضای نیروی کار به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست. نرخ مشارکت یکی از شاخص‌های عمده طرف عرضه نیروی کار است که به شناسایی روند رشد عرضه نیروی کار و عوامل مؤثر به آن کمک شایانی می‌نماید تا با اتخاذ تصمیم و سیاست مناسب در جهت ساماندهی،

هدایت و ایجاد اشتغال برای نیروی کار کشور، گام‌های توسعه، دقیق و محکم برداشته شده و از اثرات منفی افزایش نرخ بیکاری بکاهد.

۱-۵- فرضیات تحقیق

- ۱- نرخ مشارکت زنان در سال‌های اخیر از شدت افزایش بیش‌تری برخوردار بوده است.
- ۲- مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت زنان، سطح تحصیلات و به ویژه افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است.
- ۳- نرخ مشارکت در استان‌های برخوردار و محروم تفاوت اساسی با هم دارند.
- ۴- تغییر ساختار سنی جمعیت از عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت است.
- ۵- تغییرات نرخ بیکاری متناسب با تغییرات نرخ مشارکت است.

۱-۶- سئوالات تحقیق

- ۱- افزایش سطح تحصیلات اثر مثبت بر نرخ مشارکت داشته است؟
- ۲- افزایش نرخ بیکاری باعث افزایش نرخ مشارکت می‌گردد یا خیر؟
- ۳- اثر افزایش جمعیت گروه سنی جوان (۲۹ - ۱۵ ساله) بر نرخ مشارکت چگونه است؟
- ۴- آیا استان‌های توسعه یافته نرخ مشارکت بیش‌تری نسبت به استان‌های کم‌تر توسعه یافته دارند؟

۱-۷- متدولوژی تحقیق

روش تحقیق مبتنی بر رفتار مصرف کننده بر اساس حداکثرسازی تابع مطلوبیت نسبت به محدودیت بودجه خواهد بود. از آنجایی که امکان آزمون کاربردی آن در عمل وجود ندارد برای آزمون علمی آن، از روش اشفلر استفاده می‌شود در این روش نرخ مشارکت در گروه‌های سنی مورد بررسی و عوامل مؤثر بر آن شناسایی خواهد شد.

در این تحقیق علاوه بر آزمون علمی برای شناسایی عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت از مقایسه تطبیقی روند نرخ مشارکت و بیکاری در دوره‌های مختلف در گروه‌های مختلف سنی و به ویژه

گروه سنی جوانان (۲۹-۱۵ ساله) و همچنین مقایسه تطبیقی به تفکیک جنسیت (زن و مرد) و نیز برحسب مناطق شهری و روستایی خواهد پرداخت.

مقایسه این شاخص‌ها برای دوره‌های مختلف در گروه‌های همسان و با در نظر گرفتن سایر عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت هم‌چون نرخ بیکاری، جمعیت، پوشش تحصیلی، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، می‌تواند به شناسایی دقیق‌تر عوامل تأثیرگذار بر نرخ مشارکت کمک مؤثری نماید.

مقایسه تطبیقی بین دوره‌ها برای استان‌های مختلف کشور نیز تا جایی که داده‌ها و اطلاعات موجود باشد بررسی و تحلیل می‌گردد. باتوجه به وجود فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوت در کشور و با لحاظ این مهم که یکی از عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت، عوامل فرهنگی (مثل دیدگاه جامعه نسبت به کار زنان خارج از خانه) است بررسی عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت در استان‌ها می‌تواند حائز اهمیت باشد. هرچند که نتوان عوامل فرهنگی را دقیقاً آزمون نمود.

۱-۸- داده‌ها و اطلاعات موردنیاز و روش جمع‌آوری آن‌ها

داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز این تحقیق از منابع مرکز آمار ایران و به طور اخص از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های مورد نیاز جمع‌آوری، پردازش و تحلیل می‌گردد. با توجه به این‌که تقسیم‌بندی کشوری برحسب تعداد استان و شهرستان‌های آن در سال‌هایی که سرشماری صورت گرفته متفاوت بوده است سعی می‌شود، آمارها و داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس آخرین تقسیم‌بندی کشوری در سال ۱۳۸۵ که برحسب تعداد ۳۰ استان بوده است، بازسازی و پردازش گردد. و برای انجام این کار به اطلاعات مربوط به شهرستان‌های استان‌های تازه ایجاد شده نیز مورد نیاز است. اما نوع داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز برای این تحقیق به طور عمده شامل موارد زیر است.

- جمعیت بر حسب گروه‌های سنی، جنس و مناطق شهری و روستایی در کل کشور و استان‌ها.
- جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر برحسب نوع فعالیت (فعال، غیرفعال و ...) بر حسب گروه‌های سنی، جنس و مناطق شهری و روستایی در کل کشور و استان‌ها.

- نرخ بیکاری برحسب گروه‌های سنی، جنس، مناطق شهری و روستایی در کل کشور و استان‌ها.

- نرخ مشارکت برحسب گروه‌های سنی، جنس، مناطق شهری و روستایی در کل کشور و استان‌ها.

- جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر برحسب سطح تحصیلات در گروه‌های سنی، جنس، مناطق شهری و روستایی در کل کشور و استان‌ها.

- فارغ‌التحصیلان دانشگاهی برحسب گروه‌های سنی، جنس، مناطق شهری و روستایی در کل کشور و استان‌ها.

- جمعیت در حال تحصیل برحسب گروه‌های سنی، جنس، مناطق شهری و روستایی در کل کشور و استان‌ها.

- و سایر داده‌های مورد نیاز که در حین تحقیق مورد نیاز باشد.

۹-۱- مشکلات تحقیق

با توجه به این‌که نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ هنوز به طور کامل استخراج نگردیده است دسترسی به برخی از نتایج این سرشماری می‌تواند یکی از مشکلات عمده این تحقیق باشد. همچنین بازسازی و پردازش اطلاعات برحسب آخرین تقسیم‌بندی کشوری برای ۳۰ استان از دیگر مشکلات تحقیق به شمار می‌رود.

فصل دوم

مبانی نظری عرضه نیروی کار

۲-۱- مقدمه

برای شناسایی عوامل موثر بر عرضه، ابتدا لازم است که چهارچوب نظری آن‌ها ارائه شود. تابع عرضه نیروی کار با توجه به حداکثر کردن مطلوبیت نسبت به قید بودجه استخراج می‌گردد و نحوه انتخاب فرد بین کار و فراغت، این تابع را مشخص می‌سازد. این روش‌ها عوامل اساسی موثر بر عرضه را معرفی می‌کنند و با توجه به مطالعات پیشین در این زمینه، امکان برآورد الگوهای عرضه نیروی کار فراهم خواهد شد. در این فصل ابتدا ضمن ارائه مبانی نظری عرضه نیروی کار، الگوی استاندارد عرضه نیروی کار، الگوی عرضه نیروی کار خانوار، الگوی تخصیص زمان و سپس الگوی عرضه نیروی کار در طول زمان نیز ارائه می‌شوند.

عرضه نیروی کار^۱ یکی از مهم‌ترین موضوعات در علم اقتصاد است زیرا میزان عرضه نیروی کار، بسیاری از سیاست‌های دولت از جمله سیاست‌های مالیاتی و برنامه‌های فقرزدایی و ... را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

عرضه نیروی کار نشان‌دهنده تعداد افرادی است که در دستمزدهای متعارف وارد بازار کار می‌شوند که به آن جمعیت فعال^۲ نیز اطلاق می‌شود. جمعیت فعال از مجموع جمعیت شاغل و جمعیت بیکار جویای کار به دست می‌آید. از آنجا که ساعات کار افراد با یکدیگر متفاوت می‌باشد، در ادبیات اقتصادی بازار کار، مجموع ساعات کار افراد به عنوان میزان عرضه نیروی کار در نظر گرفته می‌شود. در واقع هر فرد در خصوص ورود یا عدم ورود به بازار کار تصمیم‌گیری می‌نماید. زمانی که فرد وارد بازار کار شد، در مورد این‌که چند ساعت از وقت خود را به کار

¹ Labor Supply

² Active Population

اختصاص دهد می‌بایست تصمیم‌گیری نماید. الگوهای عرضه نیروی کار به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که انگیزه‌های تصمیم به کار و ورود به بازار کار چیست؟ چرا بعضی از افراد وارد بازار کار می‌شوند و بعضی از آنها وارد بازار کار نمی‌شوند؟ چرا یک فرد در طول هفته ساعات بیش‌تری را نسبت به فرد دیگر به کار اختصاص می‌دهد؟

مطالعات انجام شده در زمینه عرضه نیروی کار، تحت چهارچوب نظریه الگوهای نئوکلاسیک در انتخاب کار- فراغت^۱ قرار می‌گیرد. این الگوها بر مبنای نظریه تقاضای مصرف کننده هیکس^۲ قرار دارد. طبق این نظریه، تابع عرضه نیروی کار از یک الگوی کلی تقاضای مصرف کننده استخراج می‌شود که در آن مقدار ثابتی از یک کالای موجود، بین مصرف شخصی و فروش در بازار تقسیم می‌شود. در این تابع، کالای موجود زمان است و باید بین کار در بازار و فراغت تقسیم شود. افراد عقلایی سعی می‌کنند که زمان را به گونه‌ای بین کار و فراغت تقسیم کنند که مطلوبیت آنها حداکثر شود. فرد به این دلیل کار می‌کند تا از طریق درآمد ناشی از آن بتواند کالاهای مورد نیاز خود را خریداری کند. بنابر این اگر فرد کار نکند و تمام وقت خود را به فراغت اختصاص دهد، در این صورت مصرف کالاهای دارای مطلوبیت نیز امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین فرد مجبور است که زمان خود را بین کار و فراغت تقسیم نماید. چگونگی تخصیص این زمان در الگوهای عرضه نیروی کار بحث می‌شود. در این قسمت به بعضی از الگوهای مهم عرضه نیروی کار، به صورت ایستا یا پویا، اشاره می‌شود و از این الگوها برای طراحی و تخمین الگوهای عرضه نیروی کار ایران استفاده می‌گردد.

۲-۲- الگوی استاندارد عرضه نیروی کار

الگوی استاندارد^۳ عرضه نیروی کار، نحوه انتخاب فرد بین کار و فراغت را نشان می‌دهد. این تابع از طریق حداکثر کردن تابع مطلوبیت نسبت به یک یا چند محدودیت بودجه و زمان به دست

^۱ The Neoclassical Models of labor -Leisure Choice

^۲ Hicks (1946)

^۳ The Canonical Model

می‌آید. تابع مطلوبیت از نوع خوشرفتار^۱ (به طور واقعی ارزش گذاری شده- پیوسته- شبه مقعر)^۲ بوده و به صورت زیر تعریف می‌شود:^۳

$$U = U(X, h, A, \varepsilon) \quad \frac{\partial u}{\partial X} > 0 \quad \frac{\partial u}{\partial h} < 0 \quad (1-2)$$

که در آن U مطلوبیت، x میزان مصرف کالا، h ساعات فراغت، A ویژگی‌های فردی مانند سن، سطح تحصیلات و ε نشان دهنده نوع سلیقه فرد در ارتباط با کار بوده و غیر قابل مشاهده است. مشتق جزئی تابع فوق نسبت به x مثبت و نسبت به h منفی است. اگر قیمت‌های نسبی کالاهای مختلف تغییر نکند، x نشان‌دهنده کالاهای ترکیبی هیکس است.

افراد خدمات خود را چه به صورت مستقیم (وقتی که خود اشتغال هستند) و چه به صورت غیرمستقیم (وقتی که فرد به عنوان نیروی کار برای یک بنگاه کار می‌کند) در بازار کالا به فروش می‌رسانند. در هر دو مورد میزان پرداختی به نیروی کار (C)، به کل زمان تخصیص داده شده به کار بستگی دارد:

$$C = c(h) \quad (2-2)$$

در ساده‌ترین حالت اگر نرخ دستمزد ساعتی برابر w باشد، در این صورت:

$$c(h) = wh \quad (3-2)$$

تحت این شرایط پرداخت متوسط و پرداخت نهایی با یکدیگر برابر هستند. اگر P نشان‌دهنده قیمت هر واحد سبد کالای x باشد و y نشان دهنده درآمد غیرکاری باشد، سپس محدودیت بودجه فرد خطی و همگن از درجه صفر در P, W, Y خواهد بود:

$$px = wh + y \quad (4-2)$$

حال تابع مطلوبیت را با توجه به قید بودجه حداکثر می‌نماییم. معادله لاگرانژ و مشتقات موردنظر به قرار زیر خواهد بود:

¹ Well- behaved

² Real- valued, Continuous, quasi- concave

³ مأخذ: در کتاب (Ashenfelter and Lyard Pencavel (1986)

$$L = U(x, h, A, \varepsilon) - \lambda[y + wh - px] \quad (5-2)$$

$$\frac{\partial L}{\partial X} = \frac{\partial U}{\partial X} + \lambda P = 0 \quad (6-2)$$

$$\frac{\partial L}{\partial h} = \frac{\partial U}{\partial h} - \lambda w = 0 \quad (7-2)$$

$$\frac{\partial L}{\partial \lambda} = px - y - wh = 0 \quad (8-2)$$

با توجه به معادلات فوق، تابع تقاضای کالا و تابع عرضه نیروی کار به صورت زیر قابل استخراج است:

$$x = x(p, w, A, \varepsilon) \quad (9-2)$$

$$h = h(p, w, A, \varepsilon) \quad (10-2)$$

میزان ساعات کار را می‌توان با استفاده از مفهوم دیگری تحت عنوان دستمزد مشروط^۱ توضیح داد. دستمزد مشروط (w^*)، دستمزدی است که بر اساس آن فرد، بین کار کردن و کار نکردن بی‌تفاوت است. دستمزد مشروط تابعی از درآمد غیرکاری، ویژگی‌های فردی و سلیقه می‌باشد. اگر دستمزد بازاری کم‌تر یا مساوی دستمزد مشروط باشد، عرضه نیروی کار برابر با صفر است. در غیر این صورت عرضه نیروی کار منطبق با تابع عرضه نیروی کار معرفی شده خواهد بود. بنابراین:

$$W > W^* , h = h(p, w, y; A, \varepsilon) > 0 \quad (11-2)$$

$$W \leq W^* , h = 0 \quad (12-2)$$

لازم به ذکر است که اثرات جانشینی و درآمدی نیز به این سؤال که، آیا فرد کار می‌کند یا نمی‌کند، پاسخ می‌دهند بر اساس معادله اسلاتسکی اثرات جانشینی و درآمدی به صورت زیر جدا می‌شوند:

$$\frac{\partial h}{\partial w} = S + h \frac{\partial h}{\partial y} \quad (13-2)$$

¹ Reservation Wage

که در آن S ، اثر جانشینی و $\frac{\partial h}{\partial y}$ ، اثر درآمدی است. با یک افزایش در دستمزد، فرد بر اساس اثر جانشینی، کار را جایگزین فراغت می‌کند. به عبارت دیگر با افزایش نرخ دستمزد، قیمت هر ساعت فراغت (زمان غیرکاری) بالا می‌رود و در همان سطح مطلوبیت، فرد زمان کاری را جایگزین زمان غیرکاری می‌کند. در همان زمان یک افزایش در نرخ دستمزد، موجب افزایش ثروت شده و فرد می‌تواند کالا و فراغت بیشتری را خریداری کند.

عبارت $\frac{\partial h}{\partial y}$ منفی است و این مطلب بیانگر نرمال بودن زمان غیرکاری است. بنابراین علامت نهایی $\frac{\partial h}{\partial w}$ بستگی به اهمیت نسبی اثر درآمدی و اثر جانشینی دارد. در این تحقیق از این چهارچوب تئوریک برای شناسایی عوامل مؤثر بر عرضه نیروی کار مردان و زنان استفاده می‌شود.

۲-۳- الگوهای عرضه نیروی کار خانوار

الگوی استاندارد عرضه نیروی کار، تخصیص زمان بین کار و فراغت، برای یک فرد نمونه، را بررسی می‌کند. برای این که بتوانیم تصمیم‌گیری این فرد را به کل جامعه تعمیم دهیم، باید تلویحاً این فرض را بپذیریم که تصمیم‌گیری افراد مستقل از یکدیگر صورت می‌گیرد در حالی که می‌دانیم تصمیم‌گیری افراد معمولاً مستقل از یکدیگر انجام نمی‌شود.

اشنفلتر و هکمن^۱ الگوی عرضه نیروی کار خانوار را در سال ۱۹۷۴ ارائه می‌دهند. فرض کنید خانوار نمونه شامل دو فرد (زن f و مرد m) باشد که دارای یک تابع مطلوبیت مشترک به صورت زیر هستند:

$$U = U(L_m, L_f, X) \quad (۲-۱۴)$$

در این تابع X ارزش کالای مصرف شده توسط خانوار، L_m ساعات فراغت مرد و L_f ساعات فراغت زن می‌باشد. این خانوار با محدودیت بودجه‌ای به صورت زیر مواجه خواهد بود:

^۱ Ashenfelter & Heckman, 1974

$$W_m H_m + W_f H_f + Y = W_m L_m + W_f L_f + PX \quad (15-2)$$

که در آن W_m و W_f به ترتیب دستمزد یک ساعت کار مرد و زن در مقیاس واقعی، Y درآمد غیرکاری^۱ و P قیمت کالای مصرفی، H_m و H_f به ترتیب تعداد ساعات کار مرد و زن است. خط بودجه را می‌توان به صورت زیر نیز نوشت:

$$W_m (T - L_m) + W_f (T - L_f) + Y = PX \quad (16-2)$$

که در آن T نشان‌دهنده کل زمان در اختیار زن و مرد می‌باشد که می‌تواند به کار در بازار و یا فراغت اختصاص یابد. سمت چپ معادله نشان دهنده کل درآمد و سمت راست بیانگر کل مخارج است.

خانوار نمونه سعی می‌کند مطلوبیت خود را با توجه به محدودیت بودجه موجود، حداکثر نماید. در این حالت با حل مسئله بهینه‌سازی ساعاتی که هر یک از دو عضو خانوار به کار و به درآمد اختصاص می‌دهند، به دست خواهد آمد. به این ترتیب تابع تقاضای فراغت به صورت زیر خواهد بود:

$$L_i = L_i(W_m, W_f, P, Y) \quad (i = m, f) \quad (17-2)$$

چنانچه $H_i = T - L_i$ برابر با عرضه نیروی کار یک خانوار باشد داریم:

$$H = H_i(W_m, W_f, P, Y) \quad (i = m, f) \quad (18-2)$$

که علامت‌های مشتق جزئی دو معادله فوق عکس یکدیگر هستند به طوری که $dH_i = -dL_i$ است. عرضه نیروی کار خانوار تابعی از نرخ دستمزد مرد، نرخ دستمزد زن، قیمت کالا و درآمد غیرکاری می‌باشد. در الگوی عرضه نیروی کار خانوار نیز مانند الگوی عرضه نیروی کار فردی، اثرات جانشینی و درآمدی مطرح است ولی در بحث دستمزد فردی، مجموع دستمزد خانوار مطرح می‌باشد. لازم به ذکر است که گری بکر^۲ در سال ۱۹۷۴ نیز عرضه نیروی کار را مطرح می‌کند ولی تابع مطلوبیت هر یک از اعضاء خانوار را به صورت جداگانه ارائه می‌دهد که مطلوبیت هر فرد تابعی از مطلوبیت فرد دیگر می‌باشد که در این قسمت از ارائه الگو خودداری می‌شود.

¹ Non-Labour Income

² Becker

۲-۴- الگوی تخصیص زمان

الگوی تخصیص زمان^۱ بر اساس کار بکر در سال ۱۹۶۵ است.^۲ در روش وی، هدف‌های اساسی، انتخاب کالاهای بازاری^۳ و زمان فراغت نیستند، بلکه کالاهای ترکیبی^۴ (Z_i)، با به کارگیری کالاهای بازاری (C_i) و زمان به عنوان داده، تولید می‌شوند. برای نمونه زنان با خرید بعضی از کالاها از بازار (مواد غذایی) و صرف زمان روی آن، کالاهای ترکیبی (غذاهای جدید) پدید می‌آورند. تابع مطلوبیت خانوار با به کارگیری کالاهای ترکیبی، به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$U = U(Z_1, \dots, Z_n) \quad (19-2)$$

که Z_i به وسیله تابع تولید خانوار به شکل زیر ارائه می‌شود:

$$Z_i = f(C_{1i}, \dots, C_{ci}, \dots, C_{zi}, L_{1i}, \dots, L_{ki}, \dots, L_{mi}) \quad (20-2)$$

که در آن C_{ci} مقدار کالای بازاری C تخصیص داده شده برای تولید کالای ترکیبی Z_i و L_{ki} مقدار زمان تخصیص داده شده عضو k م خانوار به تولید Z_i است. با جایگذاری Z_i در تابع مطلوبیت و ماکزیمم کردن آن نسبت به محدودیت بودجه، معادله عرضه نیروی کار زنان به دست می‌آید.

البته باید توجه داشت که در الگوی تخصیص زمان، به علت پیشرفت فن‌آوری در به کارگیری کالاهای با دوام در خانه، شیوه تخصیص زمان به وسیله زنان، با گذشت زمان پیوسته در حال تغییر است و این مطلب، یکی از دلایل بالا رفتن نرخ مشارکت زنان در بازار کار به شمار می‌آید.

۲-۵- الگوی عرضه نیروی کار در طول زمان

الگوهای اشاره شده فوق در شرایط ایستا بوده است که در آن رفتار در یک دوره توضیح داده می‌شود. پیشرفتی مهم که در پژوهش‌های عرضه نیروی کار در دو دهه گذشته دیده می‌شود، ارائه و

¹ Allocation Time

^۲ الگوی تخصیص زمان برای توضیح عرضه نیروی کار زنان مناسب‌تر است.

³ Goods

⁴ Commodities

برآورد الگوی چرخه زندگی^۱ است. در این الگو، تصمیم برای مصرف و عرضه نیروی کار در یک دوره، بر اساس قیمت و دستمزد در تمامی دوره‌ها در نظر گرفته می‌شود. در این حالت، مطلوبیت فرد تابعی از مصرف و ساعات کار در طول عمر است. باتوجه به اینکه تخمین چنین الگویی در حوزه این مطالعه نیست از ارائه الگوهای آن خودداری می‌شود.^۲

۶-۲- عرضه نیروی کار و بیکاری

اگر عرضه نیروی کار را از حالت فردی خارج نموده و عرضه نیروی کار خانوار را در نظر بگیریم، در این صورت نرخ بیکاری می‌تواند از نظر تئوریک با عرضه نیروی کار مرتبط گردد. رد^۳ در سال ۱۹۶۹ و دورینجر و پیور^۴ در سال ۱۹۷۱ مطرح کردند که یک ارتباط منفی بین نرخ بیکاری و نرخ مشارکت نیروی کار وجود دارد. این ارتباط به "اثر عدم تشویق نیروی کار"^۵ معروف است. وقتی که اقتصاد وارد رکود می‌شود و تقاضای نیروی کار کاهش می‌یابد، بعضی از کارگران (عمدتاً با مهارت پایین) بیکار می‌شوند. با افزایش بیکاری، نرخ مشارکت نیروی کار، بدلیل نرخ پایین دستمزد و سطح پایین تحصیلات، آموزش و مهارت، کاهش خواهد یافت. این کارگران بدلیل بالا بودن بیکاری، از پیدا کردن شغل مأیوس شده و از جستجوی شغل منصرف می‌شوند و نتیجه این اقدام، خروج فرد از بازار کار است.

در مقابل اثر دیگری تحت عنوان "اثر کارگر اضافی"^۱ نیز وجود دارد. اگر سرپرست خانوار شغل خود را از دست بدهد، ممکن است سایر اعضای خانواده (مانند همسر و فرزندان) به منظور تقلیل خسارت درآمدی خانوار به جستجوی شغل بپردازند. این اثر مثبت بیکاری بر نرخ مشارکت نیروی کار، "اثر کارگر اضافی" مشهور است. تحت این شرایط دستمزد انتظاری به صورت زیر تعریف می‌شود:

^۱ Life-cycle model

^۲ برای توضیح بیش‌تر به اشفلتر و لیارد مراجعه شود.

^۳ Reder

^۴ Paver

^۵ discouraged worker effect

$$E(w) = \pi \cdot w \quad (21-2)$$

که در آن $E(w)$ دستمزد انتظاری، π احتمال پیدا کردن شغل بعد از بیکار شدن و w نرخ دستمزد نیروی کار می‌باشد. در شرایط رکودی π و w پایین است و در نتیجه دستمزد انتظاری پایین خواهد بود. پایین بودن π ممکن است منجر به بروز اثر عدم تشویق نیروی کار شود و همچنین پایین بودن دستمزد انتظاری، ممکن است موجب بروز اثر کارگر اضافی گردد. اگر اثر کارگر اضافی بزرگ‌تر از اثر عدم تشویق نیروی کار باشد، نرخ مشارکت نیروی کار افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین در حالتی که سیستم بیمه بیکاری وجود داشته باشد، اثر کارگر اضافی کوچک خواهد بود. در مجموع علامت متغیر نرخ بیکاری در تابع نرخ مشارکت نیروی کار از نظر تئوریک مبهم است و در مطالعات تجربی می‌توان درباره علامت آن بحث کرد.

اشنفلتر در سال ۱۹۸۰، برای توضیح ارتباط بین بیکاری و عرضه نیروی کار، توابع عرضه نیروی کار خانوار و تقاضای کالای خانوار را به صورت زیر تعریف می‌کند:

$$h_i = h_i(w, p, y) \quad (22-2)$$

$$x_i = x_i(w, p, y) \quad (23-2)$$

که در آن h_i عرضه نیروی کار خانوار، x_i تقاضای کالای خانوار، w دستمزد، p قیمت کالا و y درآمد غیرکاری خانوار می‌باشد. همچنین h_i برابر است با:

$$h_i = T - L_i \quad (24-2)$$

که در آن T کل زمان در دسترس خانوار می‌باشد که می‌تواند به کار یا فراغت اختصاص یابد و L_i زمان فراغت است. این توابع براساس حداکثر سازی مطلوبیت $U = U(x, h)$ نسبت به محدودیت بودجه $y + \sum w_i h_i = p \cdot x$ استخراج شده است. اگر h_i و x_i را در تابع مطلوبیت قرار دهیم تابع مطلوبیت غیرمستقیم (V) به دست می‌آید:

$$V = V(w, p, y) \quad (25-2)$$

¹ added worker effect

اگر این تابع را برحسب درآمد غیرکاری حل نماییم تابع مخارج به صورت زیر استخراج می‌شود:

$$y = E(w, p, y) \quad (26-2)$$

تابع مخارج، نشان‌دهنده حداقل درآمد موردنیاز برای به دست آوردن سطح مطلوبیت V در سطوح w و p می‌باشد. هدف هر خانوار آن است که حداقل ساعات کار را در بازار کار داشته باشد (\bar{h}) تا حداقل مخارج خانوار تأمین شود. تحت این شرایط عرضه نیروی کار خانوار بزرگ‌تر یا مساوی \bar{h} خواهد بود:

$$h_i(w, p, y) \geq \bar{h} \quad (27-2)$$

این ساعات کار حداقل می‌تواند حداقل مخارج خانوار را برای حداکثر سازی مطلوبیت خانوار به همراه داشته باشد. اگر در یک خانوار چند نفره، ساعات کار اولین عضو، سطح حداقل کار مورد نیاز را پوشش دهد، در نتیجه فرد دوم و سوم و ... وارد بازار کار نخواهد شد. به طوری که:

$$U = U(T - \bar{h}_1, L_2, \dots, L_m, X) \quad (28-2)$$

$$y + w_1 \bar{h}_1 + \sum w_i h_i = p'x \quad (29-2)$$

بنابراین عرضه نیروی کار سایر اعضاء خانوار به صورت زیر به دست می‌آید:

$$\tilde{h}_i = \tilde{h}_i(\bar{h}, w, p, y + w_1 \bar{h}_1) \quad i = 2, \dots, m \quad (30-2)$$

یعنی عرضه نیروی کار سایر اعضاء خانوار بستگی به عرضه نیروی کار اولین فرد دارد. اگر فرد اول بیکار شده و درآمد کاری فرد اول به صفر تقلیل یابد قطعاً عرضه نیروی کار سایر اعضاء خانوار برای رسیدن به حداقل ساعات کار مورد نیاز افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر با افزایش نرخ بیکاری (به دلیل بیکار شدن اولین عضو خانوار)، عرضه نیروی کار سایر اعضاء خانوار افزایش می‌یابد.

البته در این جا دو حالت متصور است. حالت اول آن است که فرد دیگری (یا چند فرد) از خانوار جایگزین فرد اول شود. حالت دوم آن است که فرد دوم به همراه فرد اول جویای کار باشند (مکمل). این تغییرات و شرایط می تواند با استفاده از معادله اسلاتسکی توضیح داده شود.^۱

۷-۲- عرضه نیروی کار و مخارج دولت

در مطالعات تئوریکی اخیر، اهمیت تأثیر مالیات و مخارج دولت بر عرضه نیروی کار مورد تأکید قرار گرفته است. این تأثیرات می تواند در بین مردان و زنان متفاوت باشد. به ویژه تأثیر مخارج دولت مانند مخارج رفاهی و تأمین اجتماعی، آموزشی و کالاهای عمومی مورد توجه می باشد. اگرچه مخارج دولت عمدتاً از طریق درآمدهای مالیاتی کشورها تأمین می شود ولی تأثیر مالیات و مخارج دولت بر عرضه نیروی کار می تواند متفاوت باشد. تأثیر مالیات بر عرضه نیروی کار از طریق مالیات بر نرخ دستمزد مطرح می باشد که در مطالعات خرد اقتصادی مورد بررسی قرار می گیرند و بررسی تأثیر مخارج دولت بر عرضه نیروی کار، نسبت به مطالعات مالیات و عرضه نیروی کار، جدید است. گاورتنی و استورب در سال ۱۹۸۳ نشان می دهند که مخارج دولت، تأثیر منفی بر عرضه نیروی کار دارند. اتکینسون و استرن در سال ۱۹۷۴ مطرح می کنند که هزینه اجتماعی نهایی مخارج عمومی (که بوسیله مالیاتها تأمین مالی شود) بستگی به تأثیر این مخارج بر عرضه نیروی کار دارد.

کان وی در سال ۱۹۹۷ تابع مطلوبیت و محدودیت بودجه را به صورت زیر ارائه می دهد:

$$\max : U = U(C, T - h, g) \quad (۳۱-۲)$$

$$\text{sto} : w(1-t)h + y = C \quad (۳۲-۲)$$

که در آن U مطلوبیت کل جامعه، T کل زمان در دسترس، h ساعات کار، g مخارج دولت، t نرخ مالیات، w نرخ دستمزد، y درآمد غیرکاری و C مصرف خصوصی می باشد. با حداکثر کردن مطلوبیت نسبت به محدودیت بودجه، تابع عرضه نیروی کار به صورت زیر به دست می آید:

^۱ برای توضیح بیشتر تر به اشنفلتر (۱۹۸۰) مراجعه شود.

$$h = h(w(1-t), y, g) = h(w, y, g) \quad (۳۳-۲)$$

وی مطرح می‌کند که در مطالعات مختلف فرض می‌شود که $\frac{\partial h}{\partial g} = 0$ است. اما این تأثیر

مخارج دولت روی عرضه نیروی کار می‌تواند در معادله‌ای شبیه معادله اسلاتسکی بررسی شود:

$$\frac{\partial h}{\partial g} = \frac{\partial h}{\partial g} \Big|_v + (Ug/Uy)(\partial h/\partial y) \quad (۳۴-۲)$$

که اولین عبارت اثر جانشینی و دومین عبارت اثر درآمدی است. در مطالعات تجربی، تأثیر مخارج دولت بر عرضه نیروی کار می‌تواند برای محاسبه هزینه اجتماعی نهایی مخارج عمومی به کار رود که این مطلب خارج از حوزه این تحقیق است.

۲-۸- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در فصل دوم، مبانی تئوریک عرضه نیروی کار ارائه می‌گردد. عرضه نیروی کار یکی از اجزای بازار کار بوده و در اقتصاد کلان مورد تحلیل قرار گرفته ولی عرضه نیروی کار مبتنی بر پایه‌های اقتصاد خرد^۱ می‌باشد. چارچوب نظری مذکور می‌تواند طراحی الگوی تجربی را پایه‌گذاری نماید. در این راستا، چند الگوی نظری ارائه شده است.

الگوی اول، الگوی استاندارد عرضه نیروی کار است که براساس حداکثرسازی مطلوبیت یک فرد نسبت به محدودیت بودجه و محدودیت زمان حاصل می‌شود و نتیجه آن استخراج تابع عرضه نیروی کار می‌باشد. متغیر اصلی تابع عرضه نیروی کار شامل دستمزد واقعی و ویژگی‌های اجتماعی فرد (مانند تحصیلات، سن و جنس) می‌باشد. الگوی دوم، عرضه نیروی کار خانوار را در نظر می‌گیرد که در آن عرضه نیروی کار یک عضو خانوار متأثر از عرضه نیروی کار سایر اعضای خانوار است. الگوی سوم، الگوی تخصیص زمان است که در آن تابع تولید خانوار و تخصیص زمان بین کار در منزل و کار در بیرون از منزل تقسیم می‌شود که توسط گری بیکر ارائه شد. الگوی چهارم، عرضه نیروی کار در طول زمان است که یک الگوی بین نسلی را ارائه می‌دهد. تحت این شرایط، فرد برای مصرف آینده، در حال حاضر به کار یا تحصیل مشغول می‌شود. همچنین تصمیم

برای مصرف و عرضه نیروی کار در یک دوره، براساس قیمت و دستمزد در تمامی دوره‌ها است. الگوی پنجم، ارتباط بین عرضه نیروی کار و بیکاری را بررسی کرده و دو اثر مهم عدم تشویق نیروی کار و اثر کارگر اضافی را مطرح می‌کند. در صورتی که اثر کارگر اضافی بزرگ‌تر از اثر عدم تشویق نیروی کار باشد، ارتباط مستقیم بین نرخ بیکاری و عرضه نیروی کار وجود دارد. در صورتی که اثر عدم تشویق نیروی کار بزرگ‌تر از اثر کارگر اضافی باشد، ارتباط معکوس بین نرخ بیکاری و عرضه نیروی کار وجود دارد. نهایتاً در الگوی نهایی، تأثیر مخارج دولت بر عرضه نیروی کار بررسی می‌شود. مخارج دولت از دو جنبه بر عرضه نیروی کار مؤثر است. در حالت اول، مخارج دولت به ویژه مخارج رفاهی و تأمین اجتماعی، آموزش و کالاهای عمومی تأثیر منفی بر عرضه نیروی کار دارد. جنبه دوم آن است که مخارج دولت از طریق مالیات‌ها تأمین می‌شود و در این حالت ارتباط بین مالیات و عرضه نیروی کار مطرح می‌شود که علامت آن مبهم است.

¹ Microfoundation

فصل سوم

مروری بر مطالعات انجام شده

۳-۱- مقدمه

مطالعات تجربی بازار کار از دهه ۱۹۳۰ شروع شد. داگلاس^۱ در سال ۱۹۳۴، با استفاده از آمارهای صنعتی، وضعیت اشتغال آمریکا را به تفکیک جنس، قومیت و گروه‌های سنی، مورد بررسی قرار داد و کشش هر گروه را نسبت به دستمزد ساعتی آنان بدست آورد. مطالعات بعدی در دو حوزه مطالعه مشارکت نیروی انسانی در بازار کار و مطالعه ساعات کار هفتگی شاغلان ادامه یافت. در حوزه نخست می‌توان به مطالعه شونبرگ و داگلاس^۲ (۱۹۳۷)، دوراند^۳ (۱۹۴۸) و بانکرافت^۴ (۱۹۵۸) اشاره کرد. در حوزه دوم، مطالعات بری^۵ در سال (۱۹۵۹) و فینگان^۶ (۱۹۶۲) قابل ذکر هستند. از ابتدای دهه ۱۹۶۰ میلادی، دوران نوین مطالعه عرضه نیروی کار شروع شد. مینسر در سال ۱۹۶۲، نرخ مشارکت نیروی کار و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار داد که در آن اثرات جانشینی و درآمدی تغییر دستمزد، مورد تأکید وی بوده است.^۷ گری بیکر در سال ۱۹۶۵، الگوی تخصیص زمان را برای بررسی عرضه نیروی کار ارائه کرد. برجلینگ در سال ۱۹۶۵، ارتباط بین تولید و اشتغال را در صنایع کارخان‌های انگلستان مورد بررسی قرار داد.

^۱ Douglas

^۲ Schoenberg and Douglas

^۳ Dourand

^۴ Bancraft

^۵ Bry

^۶ Finegan

^۷ فرجادی، غلامعلی، ۱۳۷۹.

همچنین هلت در سال ۱۹۶۹، جریان و انباشت مشاغل و نیروی کار را مطرح می‌کند. این مطالعه، جریان نیروی کار را در بین انباره بیکاران و مشاغل توضیح می‌دهد که می‌توان ساختار بازار کار را نیز براساس آن تشریح نمود.

در مجموع، مطالعات قابل توجهی در سایر کشورها، برای توضیح عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای نیروی کار، بیکاری و استراتژیهای ایجاد اشتغال ارائه نشده است. با توجه به تغییرات نرخ بیکاری در ایران در دوره زمانی ۸۳-۱۳۷۵، توجه ویژه‌ای به مطالعات بازار کار صورت گرفته است که برخی از این مطالعات و تجارب مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مطالعات به چند دسته تقسیم می‌شود. دسته اول، مطالعات انجام شده در زمینه عرضه نیروی کار می‌باشد. این مطالعات عمدتاً به بررسی عوامل مؤثر بر عرضه نیروی کار و نرخ مشارکت نیروی کار می‌پردازند. دسته دوم، مطالعات انجام شده در زمینه تقاضای نیروی کار و عدم تعادل بازار کار می‌باشد. عمده تأکید این مطالعات، بررسی نوسانات اشتغال یا تقاضای نیروی کار بوده و همچنین عوامل مؤثر بر اشتغال مورد تحلیل قرار می‌گیرد. دسته سوم، مطالعات انجام شده با استفاده از روش الگوی داده ستانده می‌باشد. در این مطالعات تأثیر سرمایه‌گذاری و صادرات بر اشتغال مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. دسته چهارم، مطالعات مربوط به استراتژی‌های ایجاد اشتغال در سایر کشورها می‌باشد که عمدتاً بر اساس دیدگاه سیاست‌های فعال بازار کار به بررسی موضوع می‌پردازد. این تجارب می‌تواند نقش بسیار مهمی در اتخاذ سیاست‌های فعال بازار کار کشور ایفا کند. لازم به ذکر است که الگوی توضیح دهنده بیکاری و عدم تعادل بازار کار نیز در این قسمت ارائه می‌شود.

با این مقدمه به توضیح هر یک از مطالعات و تجارب کشورها در این زمینه می‌پردازیم.

۳-۲- مطالعات انجام شده در زمینه عرضه نیروی کار در خارج از کشور

۳-۲-۱- اولندروف (۲۰۰۷)

هان و اولندروف^۱ در سال ۲۰۰۷ در مقاله‌ای تحت عنوان "عرضه نیروی کار بین زمانی و بیکاری غیراختیاری" به تخمین الگوی عرضه نیروی کار در آلمان می‌پردازد. هدف این الگو بررسی عرضه نیروی کار در حاشیه تصمیم به مشارکت و حاشیه تصمیم به تعیین میزان ساعات کار است. در این چارچوب بین عدم مشارکت اختیاری^۲ و بیکاری غیراختیاری^۳ اختلاف وجود دارد. در این مطالعه از داده‌های مقطعی آلمان استفاده می‌شود و عوامل مؤثر بر عرضه نیروی کار تابعی از سن، مجرد، تعداد بچه‌های زیر ۴ سال سن، تعداد بچه‌های بین ۴ تا ۶ سال سن، جمعیت در حین دوره آموزش عالی، در حین دوره آموزش متوسطه، نسبت بیکاری، سهم جوانان بیکار، سهم بیکاری بلندمدت می‌باشد که ضریب متغیرهای مجرد، نسبت بیکاری و سهم جوانان بیکار مثبت و سایر متغیرها منفی بوده است.

۳-۲-۲- بلاک و دیگران (۲۰۰۷)

بلاک و دیگران^۴ در سال ۲۰۰۷، در مقاله‌ای تحت عنوان "عرضه نیروی کار زنان متأهل: چرا نرخ مشارکت در شهرهای مختلف، متفاوت است" به تخمین الگوی عرضه نیروی کار می‌پردازند. آن‌ها در اقتصاد آمریکا نشان می‌دهند که نرخ مشارکت زنان متأهل در شهرهای شلوغ متفاوت از شهرهای آرام و کم ترافیک است. براساس این تحقیق زنان به زمان رفت و آمد حساس هستند و هرچقدر زمان رفت و آمد بیشتر باشد، مشارکت زنان در بازار کار کم‌تر است. این بررسی برای زنانی که دارای سطح آموزش یکسان بوده، صورت می‌گیرد. بعبارت دیگر این بررسی، باید در دو شهر یا دو منطقه که دارای شرایط یکسان فرصت‌های شغلی هستند، مورد بررسی قرار گیرد. نتایج نشان می‌دهد که کشش عرضه نیروی کار زنان متأهل نسبت به زمان رفت و آمد، در بین شهرهای

¹ Hann and Unlendorff

² Voluntary nonparticipation

³ involuntary unemployment

⁴ Black, et al

مختلف آمریکا بین ۰/۴۹- و ۰/۸- می‌باشد. همچنین کشش مذکور درحالی که زنان دارای فرزند باشند یا نباشند نیز متفاوت خواهد بود.

۳-۲-۳- هان (۲۰۰۴)

هان^۱ در سال ۲۰۰۴ در مقاله‌ای تحت عنوان "عرضه نیروی کار انتخاب مجزا"^۲ به بررسی نحوه الگوسازی عرضه نیروی کار می‌پردازد. عرضه نیروی کار براساس حداکثرسازی تابع مطلوبیت نسبت به محدودیت‌های بودجه حاصل می‌گردد. حال سؤال مقاله آن است که این توابع چگونه باید تعریف شوند؟ دو روش در مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد. روش اول، الگوی لاجیت شرطی^۳ است که یک الگوی انتخاب مجزا می‌باشد. الگوی دوم، الگوی ضرایب تصادفی^۴ است. تابع مطلوبیت دارای دو جزء قابل مشاهده و جزء تصادفی می‌باشد. اگر تابع مطلوبیت را به صورت زیر تعریف کنیم:

$$u_{ij} = X_{ij} \beta_i + \varepsilon_{ij} \quad (1-3)$$

که در آن بردار متغیرهای مستقل، ε_{ij} جمله پسماند تصادفی و u_{ij} مطلوبیت، β_i ضریب الگو می‌باشد. بصورت زیر تعریف می‌گردد:

$$\beta_i = \beta + M_i \quad (2-3)$$

که در آن β جزء ثابت پارامتر و M_i جزء تصادفی پارامتر می‌باشد. این الگوها مبتنی بر داده‌های مقطعی کشور آلمان می‌باشد. در این مطالعه سه الگوی تصادفی و یک الگوی لاجیت برآورد می‌گردد و از آنجا که معیار آکایک^۵ در الگوی تصادفی کم‌تر از الگوی لاجیت است، الگوی تصادفی تأیید می‌گردد. در این مطالعه، متغیرهای درآمد، توان دوم درآمد، فراغت مردان، فراغت زنان، سن، حاصل ضرب درآمد و سن، استفاده شده است. همچنین الگویی برای زنان و مردان ازدواج کرده نیز طراحی و تحلیل شده است.

¹ Hann

² discrete choice labor supply

³ Conditional Logit Model

⁴ random coefficient Model

⁵ Akaike Criterion

۳-۲-۴- دفتر آمار نیروی کار آمریکا (۲۰۰۰)

دفتر آمار نیروی کار آمریکا^۱ در سال ۲۰۰۰ در مقاله‌ای تحت عنوان مسائل در آمار نیروی کار موضوع عرضه نیروی کار را در یک بازار چسبنده^۲ بررسی می‌کند. عرضه نیروی کار از جمع جمعیت شاغل و بیکار جویای کار به دست می‌آید. در این مقاله چند نکته اساسی وجود دارد که عبارتند از:

۱- در این روش، بیکارانی که در زمان آمارگیری جویای کار بوده‌اند، لحاظ می‌گردد ولی افرادی که بصورت بالقوه جویای کار هستند لحاظ نمی‌گردد. در آمریکا، حدود ۶۳/۰۰۰/۰۰۰ نفر، هیچ شغلی نمی‌خواهند و ۴/۵۶۸/۰۰۰ نفر خواهان شغل هستند اما در زمان آمارگیری، در جستجوی شغل نبوده و لذا بیکار محسوب نمی‌شوند. ۳/۳۶۷/۰۰۰ نفر از ۴/۵۶۸/۰۰۰ نفر یک شغل می‌خواهند ولی در جستجوی شغل نبوده‌اند. ۱/۲۰۱/۰۰۰ نفر از ۴/۵۶۸/۰۰۰ نفر کارگرانی هستند که دفعتهاً و به صورت ناگهانی به شغل می‌رسند، بدون آنکه هیچ دوره‌ای را صرف جستجو کنند. ۲۷۳/۰۰۰ نفر از کل ۴/۵۶۸/۰۰۰ نفر، افرادی هستند که از پیدا کردن شغل ناامید شده‌اند. این بررسی نشان می‌دهد که باید عرضه نیروی کار بالقوه^۳ مورد توجه قرار گیرد.

۲- در حدود ۶۳/۰۰۰/۰۰۰ نفر نمی‌خواهند شغلی داشته باشند. ولی سؤال این است که چه تعهدی برای عدم ورود این افراد به بازار کار وجود دارد. در هر لحظه ممکن است تعدادی از این ۶۳/۰۰۰/۰۰۰ نفر به دلیل تغییر سلیقه و یا تغییر شرایط خانواده، وارد بازار کار شوند و این تحلیل، موجب تغییر عرضه نیروی کار بالقوه می‌گردد.

۳- رشد جمعیت همواره باید به عنوان یکی از پارامترهای اصلی عرضه نیروی کار مورد توجه قرار گیرد. افزایش جمعیت در سن کار موجب افزایش عرضه نیروی کار می‌گردد.

¹ U.S.Bureau of Labor Statistics

² tight

³ Potential Labor Supply

بلومن الگوی عرضه نیروی کار همراه با محدودیت پیشنهاد شغل را معرفی کرده است. یکی از مزیت‌های این الگو آن است که تصمیم‌گیری افراد مبنی بر عدم عرضه نیروی کار در آن دیده شده است. تعداد شغل‌های پیشنهادی به افراد به ویژگی‌های فردی مانند سطح تحصیلات و سوابق کاری بستگی دارد.

ال هورست به بررسی "نرخ مشارکت نیروی کار مردان و زنان در ۱۲ کشور عضو اتحادیه اروپا" می‌پردازد. وی نرخ مشارکت نیروی کار را تابعی از نرخ بیکاری، درصد جمعیت زیر ۲۵ سال، درصد جمعیت ۲۵ تا ۴۴ سال، سهم اشتغال در بخش خدمات، متوسط دستمزد ساعتی و پیشرفت تحصیلی جمعیت بزرگسال در سنین کار در نظر می‌گیرد. بر اساس برآوردهای اقتصادسنجی ضریب متغیر نرخ بیکاری منفی است که موافق با انتظارات نظری است. همچنین با توجه به این که بخش خدمات منبع مسلط رشد اشتغال در طی دهه گذشته بوده است، سهم شاغلین این بخش به عنوان متغیر مستقل مورد استفاده قرار گرفته است که انتظار می‌رود دارای علامت مثبت باشد. البته ممکن است یک ارتباط منفی بین سهم شاغلین بخش خدمات و نرخ مشارکت نیروی کار وجود داشته باشد. متغیر بعدی، پیشرفت تحصیلی جمعیت بزرگسال است که ضریب آن مثبت و معنی‌دار است که مطابق انتظار است. همچنین ضریب متغیر متوسط دستمزد ساعتی مثبت و از نظر آماری معنی‌دار است. در پایان ال هورست نتیجه می‌گیرد که این الگو با نظریات نئوکلاسیک‌ها تطابق دارد.

^۱ Bloemen, H. (2000).

^۲ Elhorest 1996

بریسکو و ویلسون در مقاله‌ای تحت عنوان "پیش‌بینی نرخ‌های فعالیت"، سری جدیدی از الگوهای پیش‌بینی نرخ‌های فعالیت بازار کار را معرفی کرده‌اند. هدف از این مقاله بهبود روش‌های پیش‌بینی اشتغال بوده است. بدین منظور سعی شده است تا از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی به طور وسیعی استفاده شود.

در این تحقیق برای بررسی رابطه بلندمدت بین نرخ مشارکت و متغیرهای اقتصادی- اجتماعی توضیح دهنده از روش همگرایی^۲ استفاده شده است. البته ابتدا یک مجموعه گسترده از متغیرها در نظر گرفته شده که در مرحله بعد از تعداد آن‌ها کاسته شده است.

الگوی نرخ مشارکت افراد به شکل زیر تصریح شده است:

$$A_i = f(w_i, GDP_i, u_i, x_i, D_i) \quad (3-3)$$

که در آن w دستمزد بازاری، GDP تولید ناخالص داخلی (به عنوان متغیری که درآمدهای غیرکاری را نشان می‌دهد)، u نرخ بیکاری، x بردار سایر متغیرهای توضیحی، که در بر گیرنده تمامی متغیرهای موثر دیگر بر نرخ مشارکت افراد که برای هر یک از گروه‌ها متفاوت می‌باشد و D متغیر مجازی و A_i نرخ مشارکت افراد در دوره $t-1$ ام را نشان می‌دهد.

الگوی مذکور برای گروه‌های سنی مختلف به تفکیک مردان و زنان برآورد گردیده است. نتایج حاصل از برآورد الگوها نشان می‌دهد که ضریب نرخ دستمزد برای بیش‌تر گروه‌های سنی زنان مثبت، ولی در مورد جوان‌ترین و مسن‌ترین گروه سنی زنان منفی بوده است. ضریب GDP همواره مثبت بوده است که نشان‌دهنده وجود اثر درآمدی مثبت می‌باشد. البته ممکن است که این ضریب مثبت، بیان‌کننده اثر مثبت سایر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی باشد که همراه با GDP افزایش می‌یابند. ضریب نرخ بیکاری منفی بوده که بیانگر اثر منصرف کننده بیکاری بر مشارکت زنان در بازار کار بوده است.

¹ Brisco and Wilson

² Cointegration

کوتیس در سال ۱۹۹۰ به بررسی "نرخ‌های مشارکت نیروی کار زنان در کشور یونان" می‌پردازد. وی با استفاده از داده‌های مقطعی و با توجه به ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه الگوی خود را ارائه می‌دهد. وی مطرح می‌کند که علی‌رغم افزایش نرخ مشارکت زنان در کشورهای پیشرفته، نرخ مشارکت نیروی کار زنان در کشور یونان کاهش یافته است که با توجه به افزایش سطح آموزش زنان و تغییر فرهنگ جامعه نسبت به کار زنان، تعجب‌آور است. وی یکی از دلایل کاهش نرخ مشارکت نیروی کار زنان را تغییرات اساسی ایجاد شده در ساختار صنعت این کشور می‌داند. به طوری که با روند توسعه اقتصادی، شاغلین در بخش کشاورزی که قسمت قابل توجهی از آن‌ها به زنان اختصاص داشته است، کاهش یافته است، بر این اساس نرخ مشارکت زنان کاهش یافته است. از طرف دیگر همراه با توسعه بخش صنعت، تقاضا برای نیروی کار زنان در این بخش چندان افزایش نیافته و در مجموع نرخ مشارکت زنان کاهش یافته است.

وی برای بررسی عوامل موثر بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان، الگوی نرخ مشارکت زنان را تابعی از نرخ مشارکت نیروی کار زنان، نرخ بیکاری مردان، نرخ بیکاری زنان، درصد شاغلین بخش کشاورزی، نرخ شهرنشینی، نرخ رشد جمعیت، درصد زنان ۱۰ ساله و بالاتر که تحصیلات ابتدایی ندارند، نسبت زنان ۱۰ ساله و بالاتر به کل جمعیت، درصد جمعیت زیر ۱۰ سال به کل جمعیت، درصد زنان ۱۰ ساله و بالاتر بدون شوهر، درصد مردان ۱۰ ساله و بیش‌تر که جزء نیروی کار می‌باشند در نظر می‌گیرد.

وی نتیجه می‌گیرد که با افزایش نرخ بیکاری زنان و نرخ بیکاری مردان، نرخ مشارکت نیروی کار زنان کاهش می‌یابد زیرا اثر عدم تشویقی نیروی کار بر اثر کارگر اضافی غالب است. همچنین رشد سهم شاغلین بخش کشاورزی تاثیر مثبتی بر روی نرخ مشارکت نیروی کار زنان دارد. به عبارت دیگر در این کشور بخش کشاورزی به عنوان بخش مسلط می‌باشد. همچنین با افزایش نرخ شهرنشینی، نرخ رشد جمعیت، درصد زنان ۱۰ ساله و بالاتر، نسبت زنان ده ساله و بالاتر به کل

¹ Kottis

جمعیت، درصد زنان ده ساله و بالاتر بدون شوهر و درصد مردان ۱۰ ساله و بیش تر که جزء نیروی کار می باشند، نرخ مشارکت نیروی کار زنان افزایش می یابد و در مقابل با افزایش درصد جمعیت زیر ده سال به کل جمعیت، نرخ مشارکت نیروی کار زنان کاهش می یابد.

۳-۲-۹- کلارک و آنکر (۱۹۹۰)^۱

کلارک و آنکر در سال ۱۹۹۰ با ارائه مقاله ای به بررسی نرخ های مشارکت نیروی کار مردان و زنان مسن در سطح بین المللی می پردازند. در این مطالعه آن ها نرخ مشارکت نیروی کار را تابعی از نرخ مشارکت نیروی کار، تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ شهرنشینی، نسبت مردان (زنان) ۶۵ ساله و بالاتر به مردان (زنان) ۱۵-۶۴ ساله، نسبت زنان مسن به مردان مسن منهای یک می باشد. کلارک و آنکر با توجه به اثرات جانشینی و درآمدی مطرح می کنند که درآمد سرانه بالاتر می تواند منجر به کاهش نرخ مشارکت افراد مسن شود. این نتیجه در الگوی نرخ مشارکت نیروی کار زنان و مردان تأیید می شود. همچنین آن ها مطرح می کنند که بخش کشاورزی فرصت های شغلی بیش تری را برای افراد مسن ایجاد می کند و در صورت افزایش شهرنشینی و افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها، نرخ مشارکت نیروی کار افراد مسن کاهش می یابد. بر این اساس با افزایش نرخ شهرنشینی، نرخ مشارکت گروه های مسن کاهش می یابد. متغیرهای دیگر متغیرهای جمعیتی هستند که روی نرخ مشارکت نیروی کار موثر می باشند.

۳-۲-۱۰- اسپراگ (۱۹۸۸)^۲

اسپراگ به بررسی "نرخ مشارکت زنان و همچنین نرخ باروری در کشور انگلستان" می پردازد. وی مطرح می کند که بررسی نرخ مشارکت زنان و نرخ باروری آن ها، باید همزمان صورت گیرد و برای این منظور نرخ مشارکت نیروی کار و نرخ باروری آن ها را در گروه های سنی مختلف مورد بررسی قرار می دهد. نرخ مشارکت نیروی کار زنان تابعی از متوسط درآمد خالص واقعی زنان (به

¹ Clark & Anker

² Sprague

طور ساعتی)، متوسط درآمد خالص واقعی مردان (به طور ساعتی) نرخ پست خالی^۱، آموزش، نرخ بهره واقعی، تعداد فرزندان ۱ تا ۵ ساله، تعداد فرزندان ۶ تا ۱۰ ساله، تعداد فرزندان ۱۱ تا ۱۵ ساله می‌باشد. وی با توجه به اثرات درآمدی و اثرات جانشینی در مورد دستمزدها به این نتیجه می‌رسد که با افزایش متوسط درآمد مردان، نرخ مشارکت زنان کاهش و نرخ باروری افزایش می‌یابد. ولی با افزایش متوسط درآمد زنان، نرخ مشارکت افزایش و نرخ باروری کاهش می‌یابد. البته وی خاطرنشان می‌کند که با افزایش درآمد مردان ممکن است کیفیت فرزندان (برای نمونه از نظر سطح آموزش) نسبت به تعداد فرزندان افزایش یابد. همچنین وی نتیجه می‌گیرد که در دوره‌هایی که دستمزد زنان نسبت به مردان افزایش می‌یابد نرخ مشارکت افزایش و نرخ باروری کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش نرخ پست خالی، نرخ مشارکت نیروی کار افزایش می‌یابد. از طرف دیگر با افزایش تعداد فرزندان در سنین مختلف نرخ مشارکت نیروی کار کاهش می‌یابد.

در پایان اسپراگ نتیجه می‌گیرد که نرخ مشارکت نیروی کار زنان تابعی از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی می‌باشد و همچنین به منظور بررسی مشارکت نیروی کار زنان به نرخ باروری آنان نیز باید توجه شود.

۳-۲-۱۱ موفیت^۲ (۱۹۸۴)

موفیت نیز با ارایه مقاله‌ای، باروری زنان و رفتار عرضه نیروی کار آنها را بررسی کرده که در آن ارتباط بین نرخ مشارکت و نرخ باروری زنان در نظر گرفته شده است. وی نتیجه می‌گیرد که افزایش میزان تحصیلات باعث افزایش اشتغال زنان و دستمزد بازاری آنها می‌شود و از طرفی احتمال باروری را کاهش می‌دهد. به طور کلی افزایش تعداد فرزندان باعث کاهش اشتغال زنان می‌شود. اما اسپراگ^۳ در الگوی عرضه نیروی کار زنان (نرخ مشارکت)، تعداد فرزندان را به تفکیک گروه‌های سنی در نظر گرفته است که از این لحاظ بررسی دقیق‌تری می‌باشد.

^۱ Vacancy Rate

^۲ Moffit, R., (1984).

^۳ Sprague, A. (1988).

۳-۲-۱۲- هکمن و مکاردی^۱ (۱۹۸۰)

هکمن و مکاردی مدل دوران زندگی بازار کار زنان را بررسی کرده‌اند. در الگوسازی این مطالعه از تصمیم‌گیری خانوارها برای عرضه نیروی کار استفاده شده است که در آن تابع مطلوبیت نقش اساسی دارد. در این الگو سرمایه اولیه و نرخ سود آن و نرخ ترجیح زمانی اثر منفی بر عرضه نیروی کار و سطح دستمزد تاثیر مثبت بر آن دارد.

۳-۲-۱۳- روزن و کوانت^۲ (۱۹۷۷)

روزن و کوانت "عرضه و تقاضای نیروی کار را در شرایط عدم تعادل" مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها مطرح می‌کنند که امروزه علم اقتصاد با این سؤال اساسی مواجه است که آیا دستمزد واقعی قادر به تسویه بازار نیروی کار می‌باشد؟ اما به نظر می‌رسد که نسبت به جواب این پرسش، اتفاق نظری وجود ندارد. هدف آن‌ها انجام یک آزمون اقتصادسنجی به منظور پی بردن به مطلب مذکور می‌باشد.

در این مطالعه عنوان شده است که اگر چه الگوی طراحی شده، به دلیل کلی بودن آن نمی‌تواند به عنوان یک اساس برای سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد، لیکن این الگو می‌تواند اولین قدم در کاربردی کردن ادبیات تئوریک الگوهای عدم تعادل را، فراهم نماید. بحث "عدم تعادل" مربوط به حالتی است که "قیمت" قادر به برقراری تعادل عرضه و تقاضای کل نیست. بنابراین "قیمت عدم تعادل" قیمتی است که در آن بازار تسویه نمی‌گردد. بدین منظور آن‌ها الگویی را ارائه کرده‌اند که شامل معادلات تقاضای نیروی کار، عرضه نیروی کار، تعداد مشاهده شده نیروی کار و دستمزد واقعی می‌باشد. به طور خلاصه الگوی برآوردی آن‌ها به شرح زیر است:

معادله بهره‌وری نهایی نیروی کار (تقاضای نیروی کار)

$$\ln L_t D = \alpha_0 + \alpha_1 \ln w_t + \alpha_2 \ln Q_t + \alpha_{3t} + \varepsilon_{1t} \quad (۳-۴)$$

^۱ Heckman, J. & T. E. MaCurdy (1980).

^۲ Rosen & Quandt

معادله عرضه نیروی کار:

$$\ln L_t S = \beta_0 + \beta_1 \ln w_t + \beta_2 \ln A_t + \beta_3 \ln P_t + \varepsilon_{2t} \quad (5-3)$$

معادله تعداد مشاهده شده نیروی کار:

$$\ln L_t = \min(\ln L_t S, \ln L_t D) \quad (6-3)$$

معادله تعدیل دستمزد واقعی:

$$\ln w_t - \ln w_{t-1} = \gamma_1 (\ln L_t D - \ln L_t S) + \gamma_2 V_t + \varepsilon_{3t} \quad (7-3)$$

که در آن w_t دستمزد واقعی، Q_t مقدار تولید، t متغیر روند، w_t دستمزد خالص، A_t درآمد خالص غیرکاری، P_t تعداد بالقوه ساعت کار و V_t نرخ عضویت کارگران در اتحادیه‌ها را نشان می‌دهد.

روزن و کوانت با استفاده از داده‌های آماری سالانه در دوره ۷۳-۱۹۳۰، بازار کار آمریکا را مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها با توجه به نتایج برآوردی اظهار داشته‌اند که کشش‌های تقاضای نیروی کار نسبت به دستمزد واقعی و تولید حدود یک (از نظر قدر مطلق) می‌باشد. کشش عرضه نیروی کار نسبت به دستمزد خالص واقعی از نظر قدر مطلق کوچک و البته از نظر آماری معنی‌دار نیست، که این نتیجه در اکثر مطالعات یک امر طبیعی تلقی می‌شود. چرا که اثرات جانشینی و درآمدی ناشی از تغییرات دستمزد واقعی به طور تقریبی همدیگر را جبران نموده‌اند. همچنین ضریب نرخ عضویت کارگران در اتحادیه‌ها در معادله تعدیل دستمزد واقعی حاکی از آن است که هر چه درصد افراد عضو اتحادیه بیش‌تر شود، دستمزد واقعی، با ثابت بودن سایر عوامل، افزایش خواهد یافت. به طور کلی آن‌ها نتیجه گرفته‌اند که کشش‌های مربوط به عرضه و تقاضای نیروی کار با مطالعات گذشته مطابقت دارد و شواهد حاکی از آن است که حرکت سیستم به سوی تعادل به کندی صورت می‌گیرد.

۳-۳- مطالعات انجام شده در زمینه عرضه نیروی کار در داخل کشور

۳-۳-۱- امینی، اسکندری و خالصی^۱ (۱۳۸۵)

آن‌ها در تحقیقی عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت و پیش بینی آن در برنامه چهارم توسعه را در استان بوشهر بررسی کرده‌اند. در این مطالعه تصویری از بازار کار استان مذکور ارائه شده است. سپس بر اساس مبانی نظری و تجربی عرضه نیروی کار، الگوهای نرخ مشارکت به تفکیک سن و بر حسب جنس تصریح شده است. الگوها با استفاده از روش اتو رگرسیون با وقفه توزیعی (ARDL) برآورد شده است. در پایان با پیش‌بینی نرخ‌های مشارکت و عرضه نیروی کار جدید، فرصت‌های شغلی مورد نیاز برای کاهش بیکاری استان بوشهر در برنامه چهارم توسعه محاسبه شده است. در این تحقیق متغیرهایی مانند پوشش تحصیلی، جمعیت دارای تحصیلات عالی، نرخ بیکاری، سهم اشتغال زنان در بخش صنعت، سهم اشتغال مردان در بخش صنعت، بعد خانوار، جبران خدمات سرانه مزد و حقوق بگیران بخش عمومی و جبران خدمات سرانه مزد و حقوق بگیران کل کشور از عوامل مؤثر بر نرخ‌های مشارکت زنان و مردان در گروه‌های سنی مختلف می‌باشد.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که: ۱- پوشش تحصیلی اثر منفی بر نرخ مشارکت دارد. ۲- درصد جمعیت دارای تحصیلات عالی به غیر از مردان در گروه سنی ۳۵ ساله و بیشتر، اثر مثبت بر نرخ‌های مشارکت دارد. ۳- نرخ بیکاری در بعضی از گروه‌های سنی اثر مثبت و در برخی دیگر اثر منفی بر نرخ‌های مشارکت دارد که به ترتیب بیانگر تسلط اثر کارگر اضافی و اثر ناامیدی است. ۴- بعد خانوار در گروه سنی ۳۵ ساله و بیشتر مردان و در گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله زنان اثر مثبت بر نرخ‌های مشارکت گروه‌های سنی مذکور دارد. ۵- دستمزدهای واقعی در بخش عمومی و کل اقتصاد اثر مثبت بر نرخ مشارکت دارد. ۶- افزایش سهم اشتغال مردان در بخش صنعت بر نرخ مشارکت مردان تاثیر مثبت دارد. ۷- نرخ مشارکت کل نیروی کار ۱۵ ساله و بیشتر استان بوشهر از

^۱ امینی، علیرضا، آتوسا اسکندری و امیر خالصی (۱۳۸۵).

۴۰/۴ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۴۱/۸ درصد در سال ۱۳۸۸ افزایش خواهد یافت و کل جمعیت فعال به طور متوسط سالانه ۳/۸ درصد افزایش و متوسط سالانه عرضه جدید نیروی کار ۱۰۳۶۸ نفر خواهد بود. ۸- برای این که نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیش تر استان بوشهر از ۱۰/۸ درصد در سال ۱۳۸۳ به حدود ۶ درصد در پایان برنامه چهارم توسعه کاهش یابد، لازم است به طور متوسط سالانه ۱۲۱۶۹ فرصت شغلی جدید ایجاد شود.

۳-۲-۳- نوروژی^۱ (۱۳۸۰)

نوروژی اثر تحصیلات عالی بر نرخ مشارکت و عرضه نیروی کار زنان در ایران را بررسی کرده است. در این تحقیق ابتدا با توجه به داده‌های آماری در دسترس، متغیرهایی نظیر نرخ مشارکت، نرخ اشتغال و نرخ بیکاری، سطوح تحصیلی و وضعیت زناشویی در طی سال‌های متوالی تحلیل شده است. پس از آن با استفاده از روش اقتصادسنجی تأثیر هم‌زمان متغیرهای مورد نظر بر احتمال مشارکت زنان مورد بررسی قرار گرفته است. در الگوی مزبور، شرکت یا عدم شرکت زنان در بازار کار به عنوان متغیر وابسته و عواملی نظیر سن، تحصیلات، وضعیت زناشویی، درآمد سایر اعضای خانوار و تعداد فرزندان به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند.

برخی از فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر است:

- افزایش سطح تحصیلات زنان به ویژه در سطوح آموزش عالی، احتمال نرخ مشارکت زنان را افزایش می‌دهد.
- وضعیت زناشویی زنان بر نرخ مشارکت آنان اثر دارد.
- سن زنان بر نرخ مشارکت آن‌ها اثرگذار است.
- افزایش درآمد سایر اعضای خانوار موجب کاهش نرخ مشارکت زنان می‌شود.
- افزایش تعداد فرزندان احتمال مشارکت زنان در بازار کار را کاهش می‌دهد.

^۱ نوروژی، لادن (۱۳۸۰)

وی به منظور آزمون فرضیات فوق و برآورد ضرایب الگو از روش حداکثر درست‌نمایی (MLE) استفاده نموده و مهم‌ترین نتایج بدست آمده عبارتند از:

- سطح تحصیلات از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت زنان به شمار می‌آید. لذا در سال‌های آتی با افزایش سطح تحصیلات زنان، نرخ مشارکت آنان افزایش خواهد یافت.
- تأهل بر نرخ مشارکت زنان در بازار کار تأثیر منفی دارد، یعنی ازدواج زنان اثری منفی بر نرخ مشارکت آنها دارد.
- کاهش قدرت خرید درآمد سایر اعضای خانوار سبب افزایش نرخ مشارکت زنان شده است.
- ساختار سنی زنان و کاهش میزان باروری موجب افزایش نرخ مشارکت زنان شده است.
- افزایش تعداد فرزندان و افزایش پوشش تحصیلی در کاهش نرخ مشارکت زنان اثر داشته است.

نتیجه‌گیری کلی این تحقیق باتوجه به برآیند متغیرهای مؤثر بر نرخ مشارکت زنان، نشان می‌دهد که نرخ مشارکت زنان در سال ۱۳۸۵ به ۱۳ درصد بالغ می‌شود که به طور متوسط سالانه حدود ۱۳۷ هزار نفر به عرضه نیروی کار زنان شهری در کشور افزوده خواهد شد.

۳-۳-۳- فرجادی و فلیحی (۱۳۷۷)

فرجادی و فلیحی "طرف عرضه نیروی کار" را به عنوان یکی از دو مولفه مهم بازار کار مورد بررسی قرار داده است. آنها بیان می‌کنند که آیا می‌توان برای شناسایی عوامل مؤثر بر عرضه نیروی کار در ایران، فقط از یک الگوی عمومی استفاده کرد؟ مطالعات سایر کشورها و نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که الگوی عرضه نیروی کار زنان با مردان و به تبع آن عوامل مؤثر بر هر یک و نرخ مشارکت نیروی کار در گروه‌های سنی مختلف یکسان نیستند.

یکی از اهداف مهم این مطالعه پیش‌بینی عرضه نیروی کار و نرخ‌های مشارکت نیروی کار می‌باشد. بدین منظور هشت نوع الگو ارائه شده که در آنها متغیرهای وابسته عرضه نیروی کار یا نرخ‌های مشارکت نیروی کار مدنظر قرار گرفته‌اند. عرضه یا نرخ مشارکت نیروی کار تابعی از

متغیرهای تولید ناخالص داخلی، دستمزد واقعی، نرخ بیکاری، جمعیت، آموزش، نظام تامین اجتماعی، چسبندگی بازار کار و وضعیت تاهل در نظر گرفته شده است.

نتیجه‌گیری کلی این مطالعه بدین صورت است که عرضه نیروی کار تابعی از متغیرهای جمعیتی، آموزشی و اقتصادی بوده و نمی‌توان آن را به طور مجزا از سایر بازارها مورد مطالعه قرار داد.

بر اساس نتایج اقتصادسنجی، متغیر پوشش تحصیلی یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش نرخ مشارکت نیروی کار در گروه‌های سنی ۱۰-۱۴ ساله، ۱۹-۱۵ ساله و ۲۰-۲۴ می‌باشد. از طرف دیگر درصد دارندگان مدارک تحصیلی عالی در گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ ساله و ۲۵ ساله و بیش‌تر از عوامل مهم تعیین‌کننده نرخ‌های مشارکت نیروی کار می‌باشد. از این رو نقش آموزش در عرضه نیروی کار در سال‌های آتی بسیار تعیین‌کننده خواهد بود.

نتایج نشان می‌دهد که با افزایش رشد اقتصادی، عرضه نیروی کار زنان افزایش می‌یابد. لیکن، در دوران رکود و کاهش رشد اقتصادی، به دلیل کاهش ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، انگیزه زنان برای ورود به بازار کار کاهش می‌یابد. اما این نتیجه در اغلب گروه‌های سنی مردان برقرار نیست.

نرخ دستمزد واقعی در تمام الگوها تاثیر مثبتی بر عرضه نیروی کار دارد و بالاخره، عرضه نیروی کار در برنامه سوم توسعه براساس گزینه اول در سال ۱۳۸۳ حدود ۲۱/۸ میلیون نفر و نرخ مشارکت حدود ۳۹ درصد پیش‌بینی شده است. به عبارت دیگر، به طور متوسط در هر سال ۷۴۳ هزار نفر به جمعیت فعال اقتصادی افزوده می‌شود. عرضه نیروی کار در گزینه دوم، براساس رشد اقتصادی متوسط ۶ درصد، در سال ۱۳۸۳ حدود ۲۳ میلیون و نرخ مشارکت حدود ۴۱/۶ درصد پیش‌بینی شده است که نسبت به گزینه اول مطلوب‌تر می‌باشد.

آن‌ها وضعیت موجود بازار کار استان هرمزگان را بررسی کرده‌اند. در این مطالعه بر اساس داده‌های آماری موجود، الگوهای عرضه نیروی کار را به تفکیک زنان و مردان برآورد کرده‌اند. از آنجایی که تفاوت بسیاری بین نرخ‌های مشارکت نیروی کار زنان و مردان وجود دارد، لذا این الگوها به صورت جداگانه برآورد و بررسی شده است.

در الگوهای مذکور، متغیرهای وضعیت تأهل، دارندگان مدارک دانشگاهی، پوشش تحصیلی، نرخ بیکاری و شاخص قیمت خرده‌فروشی در استان هرمزگان به عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عرضه نیروی کار در نظر گرفته شده‌اند. معادلات مذکور به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برآورد شده است. ضمن این که معادلات عرضه نیروی کار در گروه‌های سنی مختلف و به تفکیک جنس تصریح شده‌اند.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در الگوهای عرضه نیروی کار زنان به غیر از گروه سنی ۳۰ ساله و بالاتر، بر نرخ مشارکت آنان اثر مثبت دارد که اثر کارگر اضافی را تأیید می‌نماید. متغیر دارندگان مدارک دانشگاهی در گروه سنی ۱۹ ساله و بالاتر اثر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در گروه سنی مذکور دارد. متغیرهای پوشش تحصیلی و شاخص قیمت‌ها در الگوهای عرضه نیروی کار زنان در گروه‌های سنی مختلف نتایج متفاوتی را داشته است به طوری که پوشش تحصیلی در گروه‌های سنی کم‌تر از ۱۹ سال با نرخ مشارکت نیروی کار زنان رابطه منفی دارد که درست می‌باشد.

نتایج دیگر این مطالعه در رابطه با برآورد الگوهای نرخ مشارکت مردان در گروه‌های سنی مختلف بیانگر آن است که متغیر نرخ بیکاری در گروه‌های سنی ۱۴-۱۰، ۱۹-۱۵، ۲۴-۲۰ سال (به طور کلی کم‌تر از ۲۵ سال) بر نرخ مشارکت مردان در گروه‌های سنی مذکور اثر منفی دارد که همان اثر عدم تشویقی نیروی کار است.

^۱ امینی، علیرضا و نعمت فلیحی (۱۳۷۷)

همچنین متغیر دارندگان مدارک دانشگاهی مردان بر نرخ مشارکت نیروی کار مردان در گروه‌های سنی ۱۹ سال و بالاتر اثر مثبت و معنی‌داری دارد. یعنی با افزایش دارندگان مدارک دانشگاهی، نرخ مشارکت نیروی کار مردان افزایش می‌یابد. متغیر پوشش تحصیلی مردان با نرخ مشارکت نیروی کار مردان در گروه‌های سنی کم‌تر از ۱۹ سال رابطه منفی دارد.

همچنین بررسی متغیر شاخص قیمت‌ها نشان می‌دهد که بین این متغیر و نرخ مشارکت نیروی کار مردان در گروه‌های سنی کم‌تر از ۲۴ سال رابطه مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش شاخص قیمت‌ها به واسطه جبران هزینه‌های خانوارها، مشارکت نیروی کار مردان در بازار کار بیش‌تر می‌شود.

پست‌های جدید مشاغل همچنین به طور مداوم از طریق ترک کار و بازنشستگی افراد ایجاد می‌گردد.

۳-۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فصل سوم، به مروری بر مطالعات اختصاص دارد. در این فصل مروری بر مطالعات تجربی عرضه نیروی کار در سایر کشورها و ایران ارائه شده است. در این مطالعات، از دو دسته اطلاعات آماری استفاده می‌شود. دسته اول اطلاعات سری زمانی کشورها و دسته دوم اطلاعات مقطعی است. در این مطالعات، معمولاً یک الگوی کلی برای عرضه نیروی کار ارائه نشده است و بین عرضه نیروی کار مردان و زنان و همچنین گروه‌های سنی اختلاف قائل می‌شوند. در این مطالعات متغیر دستمزد واقعی، دستمزد اسمی، تولید ناخالص ملی سرانه، پوشش تحصیلی، هزینه‌های دولت، نرخ بیکاری، نرخ تورم، افراد دارای تحصیلات عالی مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج اغلب مطالعات اختلاف ماهیت عرضه نیروی کار گروه‌های سنی مختلف و مردان و زنان را تأیید می‌کنند.

فصل چهارم

بررسی روند عرضه نیروی کار و نرخ مشارکت نیروی کار

۴-۱- مقدمه

همان‌گونه که در فصول قبلی اشاره شد، عرضه نیروی کار یا جمعیت فعال، از مجموع جمعیت شاغل و جمعیت بیکار به دست می‌آید. جمعیت فعال نشان‌دهنده تعداد افرادی است که در دستمزدهای متعارف^۱ وارد بازار کار می‌شوند. در صورتی که تابع مطلوبیت افراد یا خانوار با توجه به قید بودجه و قید زمان حداکثر گردد، تابع عرضه نیروی کار بدست می‌آید.

نرخ مشارکت نیروی کار همان نسبت جمعیت فعال به جمعیت دو ساله و بیش‌تر بوده و با توجه به سایر مطالعات تابعی از دستمزد واقعی، پوشش تحصیلی، جمعیت دارای تحصیلات عالی، نرخ بیکاری، تولید ناخالص داخلی سرانه و ویژگی‌های اجتماعی می‌باشد.

در این راستا، در این فصل وضعیت جمعیت فعال و نرخ مشارکت نیروی کار در طی دوره‌های ۸۵-۱۳۵۵ مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. برای این منظور، نکات زیر مورد توجه قرار خواهد گرفت:

۱- نرخ مشارکت مردان بسیار بزرگتر از نرخ مشارکت زنان است و لذا عوامل مؤثر بر آن نیز می‌تواند متفاوت باشد. لذا تحلیل نرخ مشارکت نیروی کار به تفکیک مردان و زنان صورت می‌گیرد.

۲- نرخ مشارکت نیروی کار در گروه‌های سنی مختلف متفاوت است لذا در این فصل، این تفکیک مورد توجه خواهد بود.

¹ Conventional Wage

۳- نرخ مشارکت نیروی کار در مناطق شهری و روستایی نیز یکسان نبوده و لذا عرضه نیروی کار به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴- از آنجا که جمعیت و تحولات جمعیتی بر بازار کار مؤثر است لذا در این تحلیل، جمعیت نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

با این مقدمه به بررسی و تحلیل جمعیت فعال و نرخ مشارکت نیروی کار می‌پردازیم.

۴-۲- بررسی روند جمعیت در طی دوره ۸۵-۱۳۵۵

جمعیت و تغییرات آن در دهه‌های گذشته، بر میزان جمعیت فعال یا عرضه نیروی کار اثرگذار خواهد بود. این تأثیر با وقفه صورت می‌گیرد و رشد جمعیت در یک دهه، حداقل به یک وقفه ده ساله نیاز دارد تا بر جمعیت فعال اثرگذار باشد زیرا جمعیت فعال از بین جمعیت ده ساله و بیش‌تر تعیین می‌گردد.

جدول (۴-۱) جمعیت کل کشور را به تفکیک گروه‌های سنی نشان می‌دهد. جمعیت کل کشور از ۳۳۷۰۸ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۷۰۴۹۵ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. در طی دوره ۶۵-۱۳۵۵ رشد جمعیت سالانه به طور متوسط ۳/۹ درصد رشد داشته است. این رشد جمعیت بالا، موجبات رشد عرضه نیروی کار را در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ موجب شده است که در قسمت‌های بعدی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

در سال ۱۳۸۵، جمعیت ۲۹-۱۵ ساله، که می‌توان آن را به عنوان جمعیت جوان اطلاق کرد، معادل ۲۴۹۶۳ هزار نفر بوده که ۳۵/۴ درصد از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد. در گروه‌های سنی جوان، بیش‌ترین تحولات بازار کار اتفاق می‌افتد. قسمتی از این جمعیت در حال تحصیل در مدارس و دانشگاه‌ها می‌باشند و تا زمانی که به تحصیل اشتغال دارند، فشار بر بازار کار کاهش می‌یابد ولی پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه‌ها و مدارس، تمایل آن‌ها برای ورود به بازار کار افزایش یافته و عرضه نیروی کار نیز افزایش خواهد یافت.

متوسط رشد سالیانه جمعیت در طی دوره ۱۳۶۵-۷۵ و ۱۳۷۵-۸۵ نسبت به دوره ۱۳۵۵-۶۵ کاهش یافته است به طوری که به ترتیب در این دوره‌ها ۲ و ۱/۶ درصد بوده است. کاهش رشد جمعیت در دوره ۱۳۷۵-۸۵، بیانگر کاهش رشد عرضه نیروی کار در دو تا سه دهه آینده است.

در دوره ۱۳۷۵-۸۵، رشد سالانه جمعیت در گروه‌های سنی ۰-۴ ساله، ۵-۹ ساله و ۱۰-۱۴ ساله به ترتیب ۱/۲-، ۴/۲- و ۳- درصد است و در مقابل رشد جمعیت در کلیه گروه‌های سنی ۱۵ ساله و بیش‌تر مثبت است. بالاترین رشد جمعیت در گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۴۵-۴۹ ساله و ۵۰-۵۴ ساله می‌باشد.

متوسط رشد جمعیت زنان در طی دوره‌های ۱۳۵۵-۶۵ و ۱۳۶۵-۷۵ بیش‌تر از متوسط رشد جمعیت مردان است ولی در طی دوره ۱۳۷۵-۸۵، رشد جمعیت مردان با زنان برابر (۱/۶ درصد) بوده است (جداول ۴-۲ و ۴-۳). لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۵، جمعیت مردان و زنان به ترتیب ۳۵۸۶۶ هزار نفر و ۳۴۶۲۹ هزار نفر می‌باشد. در مجموع اختلاف بین جمعیت مردان و زنان، از نظر بازار کار قابل اغماض است. به عبارت دیگر، انتظار می‌رود که اگر جمعیت زنان نیمی از جمعیت کل کشور می‌باشد، عرضه نیروی کار زنان نیز نیمی از عرضه نیروی کار کل کشور باشد که این‌گونه نیست.

جمعیت مناطق شهری از ۱۵۸۵۴ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۴۸۲۵۹ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. متوسط سالیانه نرخ رشد شهری از ۵/۴ درصد در دوره ۱۳۵۵-۶۵ به ۲/۷ درصد در طی دوره ۱۳۷۵-۸۵ کاهش یافته است (جداول ۴-۴، ۴-۵ و ۴-۶). جمعیت روستایی از ۱۷۸۵۴ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲۲۲۳۵ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. متوسط رشد جمعیت روستایی در طی دوره ۱۳۵۵-۶۵ معادل ۲/۴ درصد و در طی دوره ۱۳۷۵-۸۵ معادل ۰/۴- درصد بوده است (جداول ۴-۷، ۴-۸ و ۴-۹). مشاهده می‌شود که رشد جمعیت روستایی از رشد جمعیت شهری بسیار کوچک‌تر است. در همین راستا نرخ شهرنشینی از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۶۸/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این تغییر در نرخ شهرنشینی متأثر از مهاجرت روستاییان به مناطق شهری و همچنین تبدیل مناطق روستایی به مناطق شهری می‌باشد. مایکل تودارو اقتصاددان بزرگ توسعه، دلیل اصلی مهاجرت، را دستمزد بالاتر مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی می‌داند. آرتور لوئیس، نیز

مهاجرت از مناطق روستایی را به دلیل محدودیت ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی و ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش صنعت می‌داند.^۱ در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، متوسط رشد جمعیت شهری در گروه‌های سنی ۱۴-۱۰ ساله و ۹-۵ ساله منفی بوده است ولی در مناطق روستایی، رشد جمعیت در گروه‌های سنی ۴-۰ ساله، ۹-۵ ساله و ۱۴-۱۰ ساله و ۶۴-۶۰ ساله منفی است. در مجموع مقایسه جمعیت شهری و روستایی نشان می‌دهد که فرصت‌های شغلی مورد نیاز در مناطق شهری بیش‌تر از مناطق روستایی است.

۴-۳- بررسی روند جمعیت ده ساله و بیش‌تر در طی دوره ۸۵-۱۳۵۵

جمعیت ده ساله و بیش‌تر مبنای محاسبه نرخ مشارکت نیروی کار است زیرا از نسبت جمعیت فعال به جمعیت ده ساله و بیش‌تر نرخ مشارکت به دست می‌آید. به جمعیت ده ساله و بیش‌تر، جمعیت فعال بالقوه نیز اطلاق می‌گردد.

جدول (۴-۱۰) وضعیت جمعیت ده ساله و بیش‌تر کل کشور را به تفکیک گروه‌های سنی نشان می‌دهد. جمعیت ده ساله و بیش‌تر کل کشور از ۲۳۰۰۲ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۵۹۵۲۲ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. متوسط رشد سالیانه جمعیت ده ساله و بیش‌تر در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ برابر ۲/۷ درصد بوده که بیش‌تر از متوسط رشد جمعیت کل کشور است. رشد جمعیت شهری کشور در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ معادل ۳/۷ درصد و در مناطق روستایی معادل ۰/۹ درصد بوده است. این نتایج نشان می‌دهد که رشد جمعیت فعال بالقوه^۲ شهری به مراتب بزرگتر از رشد جمعیت فعال بالقوه روستایی است.

جمعیت فعال بالقوه در مناطق شهری در سال ۱۳۸۵ معادل ۴۱۰۹۵ هزار نفر، در مناطق روستایی معادل ۱۸۴۲۷ هزار نفر بوده است.

^۱ تودارو، مایکل، اقتصاد توسعه، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، ۱۳۸۶.

^۲ Potential Active Population

۴-۴- بررسی روند جمعیت فعال در طی دوره ۸۵-۱۳۵۵

جمعیت فعال یا عرضه نیروی کار از ۹۷۹۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۲۸۲۰ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است و سالانه ۳۰۲ هزار نفر وارد بازار کار شده‌اند. عرضه نیروی کار در سال ۱۳۷۵ به ۱۶۰۲۷ هزار نفر افزایش یافته است و در طی دوره ۷۵-۱۳۶۵، سالانه ۳۲۰ هزار نفر وارد بازار کار شده‌اند. همچنین عرضه نیروی کار در سال ۱۳۸۵ به ۲۳۴۶۸ هزار نفر افزایش یافته و سالانه ۷۴۴ هزار نفر وارد بازار کار شده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که بیش‌ترین تغییرات عرضه نیروی کار به دوره ۸۵-۱۳۷۵ مربوط می‌شود و این امر به دلیل رشد جمعیت ۳/۹ درصدی در طی دوره ۶۵-۱۳۵۵ است. به عبارت دیگر در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ سالانه در حدود ۷۴۴ هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند که حداقل بیش از دو برابر دهه‌های گذشته است. این شرایط نشان می‌دهد که اگر سالانه به همین میزان شغل ایجاد شود، میزان بیکاری ثابت می‌ماند.

رشد سالانه عرضه نیروی کار ۱۴-۱۰ ساله، منفی است به طوری که عرضه نیروی کار این گروه سنی از ۳۶۸ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ به ۲۶۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است. کاهش عرضه نیروی کار در این گروه سنی از جهات مختلف قابل بررسی است. اول این که، طبق قانون کار، به کارگیری این گروه سنی از نظر قانونی امکان‌پذیر نبوده و لذا میزان تقاضای نیروی کار برای این گروه کاهش می‌یابد. دوم این که، پوشش تحصیلی (نسبت جمعیت درحال تحصیل ۱۴-۱۰ ساله به جمعیت ۱۴-۱۰ ساله) در طول زمان درحال افزایش می‌باشد. هم‌زمان با افزایش امکانات آموزشی در مناطق مختلف، درصد بیش‌تری از جمعیت ۱۴-۱۰ ساله به تحصیل مشغول شده و در نتیجه عرضه نیروی کار ۱۴-۱۰ ساله کاهشی بوده است (جدول ۴-۱۲).

عرضه نیروی کار ۱۹-۱۵ ساله از ۱۲۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۸۹۴ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، عرضه نیروی کار ۱۹-۱۵ ساله، سالانه ۲ درصد افزایش یافته است که از رشد عرضه نیروی کار متوسط کل کشور کم‌تر است. در این گروه سنی نیز، تحصیل

همچنان یکی از اهداف اصلی نوجوانان و جوانان در مدارس و دانشگاه‌ها است. سالانه در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، ۳۴ هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند.

عرضه نیروی کار ۲۴-۲۰ ساله از ۱۴۱۸ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۴۰۱۲ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است و در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ سالانه ۶ درصد رشد داشته است و سالانه به طور متوسط ۱۷۶ هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند. متوسط رشد عرضه نیروی کار در این گروه از دیگر گروه‌های سنی بیش‌تر است و دلیل اصلی آن به افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و جوان بودن جمعیت باز می‌گردد.

عرضه نیروی کار ۲۹-۲۵ ساله از ۱۱۴۴ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۴۰۷۶ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. متوسط رشد عرضه نیروی کار در این گروه در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ برابر ۵/۲ درصد بوده است و سالانه ۱۶۰ هزار نفر وارد بازار کار می‌شود. در مجموع در گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله (گروه جوان)، در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ سالانه ۴۴۳ هزار نفر وارد بازار کار شده که ۶۰ درصد از کل عرضه نیروی کار جدید را تشکیل می‌دهد. این نتیجه نشان می‌دهد که عمده فشار بر بازار کار، از طریق گروه سنی جوان می‌باشد. باتوجه به این که این گروه تازه از مدارس و دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شده و فاقد تجربه کاری می‌باشند، ایجاد اشتغال برای آن‌ها به سهولت امکان‌پذیر نیست.

جدول (۴-۱۱)، وضعیت عرضه نیروی کار را در گروه‌های سنی ۳۴-۳۰ ساله، ۳۹-۳۵ ساله، ۴۴-۴۰ ساله، ۴۹-۴۵ ساله، ۵۴-۵۰ ساله، ۵۹-۵۵ ساله نشان می‌دهد که در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ دارای رشد مثبت هستند. عرضه نیروی کار در گروه سنی ۶۴-۶۰ ساله، در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، با رشد منفی مواجه بوده که متفاوت از نتایج سرشماری دهه‌های گذشته است. این نتیجه نشان می‌دهد که افرادی که بازنشسته می‌شوند بتدریج در این گروه سنی از بازار کار خارج می‌شوند.

۴-۵- بررسی روند جمعیت فعال زنان و مردان در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵

اگرچه زنان و مردان، از نظر جمعیت اختلاف کمی با یکدیگر دارند ولی اختلاف بین جمعیت فعال مردان و زنان قابل توجه است. جمعیت فعال مردان از ۸۳۴۷ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۹۸۳۹ هزار

نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است و در طی دوره‌های ۶۵-۱۳۵۵، ۷۵-۱۳۶۵ و ۸۵-۱۳۷۵ سالانه به طور متوسط به ترتیب ۳/۳، ۲ و ۳/۶ درصد رشد داشته است. در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، سالانه به طور متوسط ۵۸۴ هزار نفر از مردان وارد بازار کار شده که ۷۸/۶ درصد از کل عرضه نیروی کار جدید را تشکیل می‌دهد (جدول ۴-۱۳).

عرضه نیروی کار زنان از ۱۴۴۹ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۳۶۲۹ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. رشد سالیانه عرضه نیروی کار زنان در طی دوره ۶۵-۱۳۵۵ برابر ۱- درصد بوده است که شرایط اولیه بعد از انقلاب اسلامی، شرایط فرهنگی آن زمان موجب شد که زنان کم‌تر به فعالیت‌های بیرون از منزل پردازند. اما بتدریج رشد سالیانه عرضه نیروی کار زنان افزایش یافته و در طی دوره ۷۵-۱۳۶۵ به ۴/۵ درصد و در دوره ۸۵-۱۳۷۵ به ۵/۹ درصد افزایش یافت. لازم به ذکر است که رشد عرضه نیروی کار زنان در دو دهه اخیر نسبت به رشد عرضه نیروی کار مردان بیش‌تر بوده است که بیانگر افزایش مشارکت زنان در بازار کار می‌باشد. در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ سالانه ۱۵۹ هزار زن وارد بازار کار شده‌اند که در حدود ۲۱/۴ درصد از عرضه جدید را تشکیل می‌دهد (جدول ۴-۱۴).

نکته قابل توجه، سهم عرضه نیروی کار زنان می‌باشد. سهم عرضه نیروی کار زنان از ۱۴/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۰/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافت ولی این سهم در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب برابر ۱۲/۷ و ۱۵/۴ درصد بوده است. پایین بودن سهم جمعیت فعال زنان در دهه ۱۳۸۵، نشان می‌دهد که هنوز بعضی از موانع در رشد اشتغال زنان وجود دارد و کارفرمایان علاقه بیش‌تری به جذب مردان نسبت به زنان دارند. در بعضی از مطالعات میدانی (در استان گیلان^۱ و یزد^۲)، کارفرمایان پایین بودن تخصص و مناسب نبودن محل کار و مرخصی‌های مختلف زنان در طی سال به عناوین مختلف و همچنین عدم ادامه کار در بعد از ساعات اداری و رسمی، سختی نوع کار را از دلایل عمده جذب پایین زنان عنوان می‌کنند (جدول ۴-۱۴).

^۱ شرکت تحقیقات اقتصادی دانش بنیان پیش‌نگر، طرح جامع اشتغال زنان استان گیلان، ۱۳۸۷.

^۲ فاضلی، حسین، طرح جامع اشتغال استان یزد، ۱۳۸۵.

بیشترین سهم جمعیت فعال زنان مربوط به گروه‌های سنی جوان (۱۵ تا ۲۹ ساله) می‌باشد. سهم جمعیت فعال زنان شهری (جدول ۴-۱۸)، از ۱۱/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۵/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. بالاترین سهم جمعیت فعال زنان شهری مربوط به گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که زنان جوان، سهم بیش‌تر از جمعیت فعال را به خود اختصاص می‌دهند.

سهم جمعیت فعال زنان روستایی (جدول ۴-۲۲)، از ۱۷/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۹/۷ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافته است ولی این سهم در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب معادل ۱۴/۱ درصد و ۱۴/۷ درصد بوده است. این نتیجه نشان می‌دهد که سهم جمعیت فعال زنان روستایی در سال ۱۳۷۵ بیش‌تر از زنان شهری بوده است ولی این نتیجه در سال ۱۳۸۵ عکس شده است. به عبارت دیگر سهم جمعیت فعال زنان روستایی نسبت به سهم جمعیت فعال زنان شهری کاهش یافته است. بخش عمده‌ای از این کاهش فعالیت، به عملکرد زنان روستایی در بخش کشاورزی برمی‌گردد که زنان در بعضی از استان‌ها، این نوع فعالیت‌ها را رها کرده‌اند. همچنین بروز خشکسالی و کم‌آبی در بعضی از مناطق نیز موجب کاهش فعالیت‌های روستایی شده است.

۴-۶- بررسی روند جمعیت فعال شهری و روستایی در طی دوره ۸۵-۱۳۵۵

جمعیت فعال شهری از ۴۳۳۵ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۵۹۳۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است و در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ سالانه به طور متوسط ۵/۱ درصد رشد داشته است. جمعیت فعال روستایی از ۵۴۶۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۷۵۳۸ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است و در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ سالانه به طور متوسط ۱/۷ درصد رشد داشته است. مشاهده می‌شود که رشد جمعیت فعال شهری بیش‌تر از رشد جمعیت فعال روستایی است. در مجموع کاهش جمعیت در روستا، یکی از دلایل اصلی کاهش جمعیت فعال در مناطق روستایی می‌باشد (جدول ۴-۱۵ الی ۴-۲۲).

در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، در مناطق شهری، سالانه ۶۲۷ هزار نفر وارد بازار کار شده‌اند که ۸۴ درصد از کل عرضه جدید کشور را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر ۱۶ درصد از عرضه جدید در مناطق روستایی می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که اهمیت ایجاد اشتغال در مناطق شهری، ۵ برابر مناطق روستایی است. بیش‌ترین عرضه جدید نیروی کار مربوط به گروه‌های سنی ۲۹-۱۵ ساله می‌باشد که در مناطق شهری و روستایی وجود دارند.

۴-۷- بررسی روند بیکاران و نرخ بیکاری در طی دوره ۸۵-۱۳۵۵

جمعیت فعال از دو جزء جمعیت شاغل و جمعیت بیکار تشکیل یافته است. در صورتی که افزایش جمعیت فعال از طریق جمعیت شاغل باشد، وضعیت مناسب و مطلوب است ولی اگر افزایش جمعیت بیکار، موجب افزایش جمعیت فعال شده باشد، وضعیت مطلوب و مناسب نیست.

نکته قابل توجه ارتباط بین نرخ بیکاری و نرخ مشارکت نیروی کار است. اگر با افزایش نرخ بیکاری، نرخ مشارکت نیروی کار کاهش یابد، اثر عدم تشویق نیروی کار بر اثر کارگر اضافی مسلط است زیرا افراد بیکار امید به پیدا کردن شغل را از دست داده و از ورود به بازار کار صرف‌نظر می‌کنند. اگر با افزایش نرخ بیکاری، نرخ مشارکت نیروی کار افزایش یابد، اثر کارگر اضافی بر اثر عدم تشویق نیروی کار مسلط می‌گردد.

جدول (۴-۲۳ الی ۴-۴۰)، وضعیت بیکاران را در طی دوره ۸۵-۱۳۵۵ نشان می‌دهد. تعداد بیکاران از ۹۹۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲۹۹۲ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. نرخ بیکاری کشور از ۱۰/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. جمعیت بیکار در سال ۱۳۷۵ معادل ۱۴۵۵ هزار نفر بوده و در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ سالانه به طور متوسط ۷/۵ درصد رشد داشته است.

جمعیت بیکار در گروه‌های سنی ۱۹-۱۵، ۲۴-۲۰ و ۲۹-۲۵ ساله معادل ۲۲۹۱ هزار نفر بوده که ۷۶ درصد از کل بیکاران را تشکیل می‌دهد. بیش‌ترین رشد تعداد بیکاران در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ مربوط به گروه‌های سنی ۲۴-۲۰ ساله و ۲۹-۲۵ ساله بوده است و در حدود ۱۱ درصد رشد داشته است. رشد

بیکاران در گروه‌های سنی ۵۵ ساله و بیش‌تر منفی بوده و این نتیجه نشان می‌دهد که تمایل بازنشستگان برای ورود مجدد به بازار کار کاهش یافته است.

بیکاران مرد از ۷۵۹ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲۱۴۵ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته و در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، ۶/۱ درصد رشد داشته است (جدول ۴-۲۴). بیکاران زن از ۲۳۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۸۴۷ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته و در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، سالانه ۱۲/۱ درصد رشد داشته است. این نتیجه نشان می‌دهد که رشد بیکاران زن از رشد بیکاران مرد بیش‌تر بوده است. رشد قابل توجه عرضه نیروی کار زنان (۵/۹ درصد) از یک سو و رشد ناچیز اشتغال زنان از سوی دیگر (۴/۷ درصد) موجب رشد بیکاری زنان گشته است.

در همین دوره نرخ بیکاری شهری در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۸/۹ و ۱۱/۸ درصد بوده است (جدول ۴-۳۵). همچنین نرخ بیکاری روستایی در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۹/۴ و ۱۴/۷ درصد بوده است (جدول ۴-۳۸).

۴-۸- بررسی وضعیت بازار کار در استان‌های کشور

جدول (۴-۴۱) وضعیت بازار کار کشور و استان‌ها را در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد. متوسط نرخ مشارکت نیروی کار معادل ۳۹/۴ درصد می‌باشد و نرخ مشارکت استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، کردستان، کرمان، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران و یزد بالاتر از میانگین کل کشور است. بالاترین نرخ مشارکت مربوط به استان خراسان جنوبی با ۴۴/۳ درصد و کم‌ترین نرخ مشارکت مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد با ۳۳/۳ درصد می‌باشد.

ملاحظه می‌شود که دامنه نوسان نرخ مشارکت در استان برابر است با:

$$۱۱ = ۴۴/۳ - ۳۳/۳ = \text{دامنه}$$

این اختلاف در حدود ۱۱ درصد است که بسیار قابل ملاحظه می‌باشد. اختلاف در نرخ مشارکت تابعی از عوامل اقتصادی و اجتماعی استان‌ها است که در فصل پنجم بررسی می‌گردد.

نرخ بیکاری استان‌ها نیز، اختلاف قابل توجهی با یکدیگر دارند. متوسط نرخ بیکاری در کل کشور معادل ۱۲/۸ درصد است. نرخ بیکاری استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، بوشهر، تهران، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، فارس، قزوین، قم، گلستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان و یزد کم‌تر از متوسط کل کشور می‌باشد. بالاترین نرخ بیکاری مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۳۱/۵ درصد و استان یزد با ۷/۹ درصد کم‌ترین بیکاری را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اختلاف بین حداکثر و حداقل در حدود ۲۵/۶ درصد می‌باشد که نشان‌دهنده عدم توازن منطقه‌ای در بین استان‌های کشور می‌باشد.

۹-۴- تعامل بین جمعیت فعال و غیرفعال در استان‌های کشور

مجموع جمعیت فعال (شامل شاغل و بیکار) و جمعیت غیرفعال (شامل خانه‌دار، محصل، افراد دارای درآمد بدون کار، سایر)، جمعیت ده ساله و بیش‌تر می‌باشد. در سال ۱۳۸۵، ۳۹/۴ درصد از جمعیت ده ساله و بیش‌تر، به عنوان جمعیت فعال بوده‌اند و ۶۰/۶ درصد از جمعیت ده ساله و بیش‌تر، به عنوان جمعیت غیرفعال بوده‌اند که ۲۲ درصد محصل، ۵ درصد افراد دارای درآمد بدون کار، ۲۷ درصد خانه‌دار و ۵/۷ درصد سایر بوده‌اند. در سایر کشورها، معمولاً نرخ مشارکت نیروی کار بالاتر از ایران است و عبارت دیگر، سهم جمعیت غیرفعال کم‌تر است. بالا بودن جمعیت غیرفعال، می‌تواند یک زنگ خطری برای بازار کشور باشد و در صورت حرکت این جمعیت به سمت بازار کار، بیکاری به شدت افزایش خواهد یافت.

جدول (۴-۴) وضعیت جمعیت فعال و غیرفعال را در کشور و استان‌های کشور نشان می‌دهد. بالاترین سهم جمعیت غیرفعال مربوط به استان‌های خوزستان، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، قم، فارس و قزوین می‌باشد. بالا بودن سهم جمعیت غیرفعال در بعضی از استان‌ها می‌تواند ناشی از افزایش جمعیت درحال تحصیل باشد.

۴-۱۰- عرضه نیروی کار جدید و فرصت‌های شغلی ایجاد شده در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵

در این قسمت ابتدا اشتغال سالانه یا اختلاف سالانه تقاضای نیروی کار در دوره ۸۵-۱۳۷۵ ارائه می‌شود. در طی دوره مذکور سالانه ۵۹۰۴۸۲ فرصت شغلی ایجاد شده است که استان تهران با ۱۶۱۱۶۶۶ فرصت شغلی، خراسان با ۶۴۴۰۱ فرصت شغلی، اصفهان با ۳۶۵۲۸ فرصت شغلی، فارس با ۳۳۴۳۱ فرصت شغلی، خوزستان با ۲۶۱۸۹ فرصت شغلی و مازندران با ۲۵۸۷۹ فرصت شغلی در رتبه‌های اول تا ششم قرار دارند (جدول ۴-۴۳). استان ایلام با ۳۹۳۵ فرصت شغلی در حداقل بوده است.

متوسط سالیانه عرضه جدید، در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ معادل ۷۴۴۱۴۷ نفر بوده که سالانه ۱۵۳۶۵ نفر به بیکاران اضافه شده است. این نتیجه نشان می‌دهد که سالانه ۷۴۴۱۴۷ نفر وارد بازار کار شده و لذا ایجاد فرصت‌های شغلی جدید بسیار حائز اهمیت است.

۴-۱۱- بررسی نرخ مشارکت نیروی کار برحسب گروه‌های سنی و جنسی و شهری و روستایی

نرخ مشارکت نیروی کار از نسبت جمعیت فعال به جمعیت ده‌ساله و بیش‌تر به دست می‌آید. در الگوهای اقتصادسنجی از متغیر نرخ مشارکت نیروی کار به جای متغیر جمعیت فعال استفاده می‌شود. جداول (۴-۴) الی (۴-۵۲) روند نرخ مشارکت نیروی کار را نشان می‌دهد. نرخ مشارکت نیروی کار بالاتر به معنی بار تکفل پایین‌تر بوده و در صورتی که نرخ مشارکت بالا همراه با نرخ بیکاری پایین باشد، وضعیت مناسب است و با ثابت بودن درآمد سرانه، هر چقدر نرخ مشارکت نیروی کار در جامعه‌ای بالاتر باشد رفاه بیش‌تر است.^۱

نرخ مشارکت نیروی کار از ۴۲/۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳۹ درصد در سال ۱۳۶۵ و سپس به ۳۵/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. این نرخ در سال ۱۳۸۵ معادل ۳۹/۴ درصد بوده است. بالاترین نرخ مشارکت نیروی کار مربوط به گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله، ۳۵-۳۹ ساله و ۲۵-۲۹ ساله می‌باشد.

^۱ فلیچی (۱۳۸۲)

در سال ۱۳۸۵ نرخ مشارکت مردان معادل ۶۵/۶ درصد و زنان معادل ۱۲/۴ درصد است. مشاهده می‌شود که نرخ مشارکت مردان تقریباً شش برابر نرخ مشارکت زنان است. بالاترین نرخ مشارکت نیروی کار زنان مربوط به گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله و سپس ۳۴-۳۰ ساله می‌باشد.

در سال ۱۳۸۵ نرخ مشارکت نیروی کار در مناطق شهری و روستایی نیز به ترتیب معادل ۳۸/۸ درصد و ۴۰/۹ درصد است.

۴-۱۲- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این فصل روند عرضه نیروی کار، اشتغال، نرخ مشارکت نیروی کار، نرخ بیکاری، تعداد بیکاران، عرضه نیروی کار جدید، تقاضای نیروی کار جدید و جمعیت غیرفعال مورد بررسی قرار گرفته است. باتوجه به سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، خلاصه نتایج به قرار زیر است:

۱- عرضه نیروی کار، متأثر از تغییرات جمعیت در حداقل یک دهه گذشته است لذا متوسط رشد جمعیت در طی دوره ۶۵-۱۳۵۵ (معادل ۳/۹ درصد)، دوره ۷۵-۱۳۶۵ (معادل ۲ درصد) روی عرضه نیروی کار سال‌های اخیر مؤثر بوده است. باتوجه به این که آهنگ رشد جمعیت در دوره ۸۵-۱۳۷۵ معادل ۱/۶ درصد بوده و کم‌تر از دهه‌های گذشته آن است لذا انتظار می‌رود که فشار به بازار کار از ناحیه جمعیت در آینده کاهش یابد. جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵ معادل ۷۰۴۹۵۷۸۲ نفر بوده است.

۲- متوسط رشد جمعیت در مناطق شهری به مراتب بزرگ‌تر از متوسط رشد جمعیت در مناطق روستایی است. به طوری که رشد مذکور در دوره ۷۵-۱۳۶۵ در مناطق شهری برابر ۳/۲ درصد و در مناطق روستایی ۰/۳ درصد بوده است و در دوره ۸۵-۱۳۷۵ این رشد در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۲/۷ و ۰/۴- درصد بوده است. این تحولات به دلیل مهاجرت جمعیت روستاها به شهرها و همچنین تبدیل مناطق روستایی به شهری بوده است. در مجموع این نتایج بیانگر، نیاز به ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر در مناطق شهری است که این مهاجرت‌ها می‌تواند مسائل اجتماعی را نیز به شدت افزایش دهد.

۳- جمعیت ده ساله و بیش‌تر مبنای محاسبه جمعیت فعال یا عرضه نیروی کار می‌باشد و در سال ۱۳۸۵ معادل ۵۹۵۲۲۷۴۷ نفر بوده است. رشد جمعیت ده ساله و بیش‌تر در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ معادل ۲/۷ درصد بوده که بیش‌تر از رشد جمعیت در همین دوره (۱/۶ درصد) است. دلیل افزایش جمعیت ده ساله و بیش‌تر، رشد جمعیت در دوره‌های ۶۵-۱۳۵۵ و ۷۵-۱۳۶۵ بوده است که اثرات خود را بر بازار کار با یک و دو دهه تأخیر نشان می‌دهد. جمعیت ده ساله و بیش‌تر به جمعیت فعال بالقوه نیز معروف است.

۴- رشد سالانه جمعیت ده ساله و بیش‌تر عمدتاً در گروه‌های سنی ۲۴-۲۰ ساله، ۲۹-۲۵ ساله، ۴۹-۴۵ ساله و ۵۴-۵۰ ساله بوده است.

۵- جمعیت فعال کشور از ۹۷۹۶۰۵۶ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲۳۴۶۸۶۹۳ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. متوسط رشد عرضه نیروی کار در طی دوره ۷۵-۱۳۶۵ معادل ۲/۳ درصد و در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ معادل ۳/۹ درصد می‌باشد. رشد ۳/۹ درصد عرضه نیروی کار در دوره اخیر، متأثر از تغییرات جمعیت دهه‌های گذشته بوده است.

۶- بالاترین رشد جمعیت فعال مربوط به گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله بوده که معادل ۶ درصد می‌باشد که این مسئله لزوم توجه به جوانان و ایجاد فرصت‌های شغلی را برای آن‌ها مورد تأکید قرار می‌دهد.

۷- رشد سالیانه جمعیت فعال مردان و زنان در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ به ترتیب ۳/۶ و ۳/۹ درصد است. این مطلب نشان می‌دهد که فشار بر بازار کار از ناحیه زنان بیش‌تر از ناحیه مردان است.

۸- سهم جمعیت فعال زنان معادل ۱۵/۵ درصد و مردان معادل ۸۴/۵ درصد است. این نتیجه نشان می‌دهد که مردان سهم غالب را در بازار کار را از آن خود کرده‌اند. اگرچه این سهم نسبت به سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ افزایش نشان می‌دهد.

۹- رشد جمعیت فعال شهری و روستایی در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ به ترتیب ۵/۱ و ۱/۷ درصد بوده است. این مطلب فشار بر بازار کار شهری را تأیید می‌کند.

۱۰- در دوره ۸۵-۱۳۷۵ بیش‌ترین رشد جمعیت فعال مربوط به گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۲۵-۲۹ ساله بوده است که اهمیت ایجاد اشتغال را برای جوانان تأیید می‌کند.

۱۱- در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، رشد جمعیت فعال زنان ۲۰-۲۴ ساله معادل ۸ درصد بوده که رقم مذکور برای مردان معادل ۵/۶ درصد است. این نتیجه نشان می‌دهد که زنان جوان، حرکت وسیعی را برای ورود به بازار کار آغاز کرده‌اند که این مطلب می‌تواند آغاز یک تحول در بازار کار به نفع زنان باشد. افزایش نرخ مشارکت نیروی کار می‌تواند همراه با افزایش جمعیت فعال باشد. جمعیت فعال نیز از مجموع جمعیت شاغل و جمعیت بیکار به دست می‌آید. حال سؤال این است که اگر افزایش جمعیت فعال با افزایش بیکاری همراه باشد، آیا وضعیت فوق‌الذکر، به نفع زنان خواهد بود؟ پاسخ مثبت است. همان‌گونه که بریسکو و ویلسون مطرح می‌کنند افزایش نرخ مشارکت ارتباط متقابلی با افزایش درآمد سرانه و رفاه دارد. بنابراین اگر زنان آماده ورود به بازار کار باشند، حتی اگر در کوتاه مدت به یک فرصت شغلی دست نیابند، به نفع بازار کار زنان است. شایان ذکر است که در بسیاری از استان‌ها در سال‌های بسیار دور، به زنان اجازه تحصیل و ورود به بازار کار داده نمی‌شد که مسائل فرهنگی درون خانواده‌ها از مهم‌ترین موانع ورود به بازار کار بوده است لذا امکان ورود به بازار کار، یک مزیت محسوب می‌شود ولی اگر زنان به شغل دست پیدا کنند وضعیت بهتر خواهد بود.

۱۲- نرخ بیکاری از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. افزایش بیکاری، علی‌رغم افزایش اشتغال، متأثر از رشد قابل توجه عرضه نیروی کار است.

۱۳- نرخ مشارکت نیروی کار یا سهم جمعیت فعال در سال ۱۳۸۵ معادل ۳۹/۴ درصد بوده و سهم جمعیت غیرفعال معادل ۶۰/۶ درصد می‌باشد، که ۲۷ درصد خانه‌دار، ۲۲ درصد محصل، ۵ درصد دارای درآمد بدون کار می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که سهم جمعیت غیرفعال در ایران بالا بوده و این امر می‌تواند پتانسیل بیکاری در ایران را توضیح دهد. به عبارت دیگر، در صورتی که قسمتی از افراد خانه‌دار و محصل به بازار کار وارد شوند، فشار بر بازار کار به شدت افزایش خواهد یافت.

۱۴- در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، سالانه ۷۴۴۱۴۷ نفر وارد بازار کار شده‌اند که ۵۹۰۴۸۲ نفر به شغل رسیده‌اند.

۱۵- نرخ بیکاری و نرخ مشارکت نیروی کار در استان‌ها، اختلاف قابل توجهی با هم دارند و این مطلب بیانگر عدم توازن منطقه‌ای است.

جدول ۴-۱- جمعیت کل کشور (مرد و زن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۱/۶	۲/۰	۳/۹	۷۰۴۹۵۷۸۲	۶۰۰۵۵۴۸۸	۴۹۴۴۵۰۱۰	۳۳۷۰۸۷۴۴	مردوزن
-۱/۲	-۳/۸	۵/۲	۵۴۳۳۹۷۸	۶۱۶۳۰۲۴	۹۰۴۴۸۲۳	۵۲۲۹۷۱۲	۱۴-۱۰ ساله
-۴/۲	۱/۲	۳/۶	۵۵۰۹۰۵۷	۸۴۸۱۸۴۵	۷۵۲۵۸۹۴	۵۲۷۶۵۳۳	۱۹-۱۵ ساله
-۳/۰	۴/۴	۳/۲	۶۷۰۸۵۹۴	۹۰۸۰۶۷۶	۵۹۰۳۳۰۰	۴۳۰۳۱۱۸	۲۴-۲۰ ساله
۲/۱	۳/۲	۳/۷	۸۷۲۶۷۶۱	۷۱۱۵۵۴۷	۵۱۹۲۲۰۲	۳۶۰۰۲۶۵	۲۹-۲۵ ساله
۵/۶	۲/۲	۴/۲	۹۰۱۱۴۲۲	۵۲۲۱۹۸۲	۴۱۹۳۷۲۴	۲۷۹۲۲۱۵	۳۴-۳۰ ساله
۴/۴	۲/۶	۵/۶	۷۲۲۴۹۵۲	۴۷۰۹۱۵۴	۳۶۵۲۲۹۷	۲۱۱۱۵۸۵	۳۹-۳۵ ساله
۳/۴	۳/۱	۵/۵	۵۵۵۳۵۳۱	۳۹۸۰۰۶۶	۲۹۲۷۹۸۳	۱۷۰۶۹۹۷	۴۴-۴۰ ساله
۳/۳	۵/۴	۲/۷	۴۹۲۱۱۲۴	۳۵۷۱۷۷۹	۲۱۱۷۲۱۱	۱۶۲۶۶۱۹	۴۹-۴۵ ساله
۳/۸	۵/۴	-۰/۱	۴۰۸۹۱۵۸	۲۸۱۲۰۸۶	۱۶۵۵۳۵۱	۱۶۶۸۶۸۵	۵۴-۵۰ ساله
۵/۸	۲/۴	۱/۳	۳۵۲۲۷۶۱	۲۰۱۳۰۴۰	۱۵۸۵۳۹۸	۱۳۸۹۴۶۵	۵۹-۵۵ ساله
۶/۱	-۰/۴	۱/۹	۲۷۵۵۴۲۰	۱۵۲۹۰۷۸	۱۵۹۹۰۱۸	۱۳۲۹۰۴۹	۶۴-۶۰ ساله
۳/۳	۰/۲	۶/۶	۱۸۸۷۹۸۱	۱۳۶۶۷۲۸	۱۳۳۷۷۴۶	۷۰۳۸۸۷	۶۵ ساله و بیشتر
۰/۶	۱/۶	۷/۳	۱۴۶۴۴۵۲	۱۳۸۲۹۴۶	۱۱۸۴۶۳۲	۵۸۴۱۴۴	نامشخص
۳/۵	۵/۶	۲/۴	۳۶۵۶۵۹۱	۲۵۹۵۱۸۱	۱۵۰۱۷۱۸	۱۱۸۶۴۷۰	ساله و بیشتر ۶۵
	۳/۲			۳۲۳۵۶	۲۳۷۱۳		نامشخص

جدول ۴-۲- جمعیت کل کشور (مرد) بر حسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۱/۶	۱/۹	۳/۸	۳۵۸۶۶۳۲	۳۰۵۱۵۱۵۹	۲۵۲۸۰۹۶۱	۱۷۳۵۶۳۴۷	مرد
-۱/۲	-۳/۷	۵/۰	۲۸۰۱۵۶۸	۳۱۶۴۱۰۸	۴۵۹۵۹۵۸	۲۸۲۴۹۴۳	ساله ۱۴-۱۰
-۴/۲	۱/۲	۳/۵	۲۸۲۰۵۲۴	۴۳۲۴۱۶۵	۳۸۴۳۵۸۵	۲۷۳۴۹۹۰	ساله ۱۹-۱۵
-۲/۹	۴/۲	۳/۱	۳۴۴۱۲۴۵	۴۶۲۲۴۷۳	۳۰۵۳۶۳۳	۲۲۵۸۶۳۵	ساله ۲۴-۲۰
۲/۲	۳/۰	۳/۹	۴۴۴۲۹۰۱	۳۵۷۹۸۷۵	۲۶۶۰۳۶۴	۱۸۱۸۵۳۹	ساله ۲۹-۲۵
۵/۸	۲/۰	۴/۶	۴۵۱۱۸۵۱	۲۵۶۶۴۵۳	۲۱۰۳۶۱۵	۱۳۴۰۸۵۸	ساله ۳۴-۳۰
۴/۵	۲/۵	۶/۲	۳۶۶۰۱۶۷	۲۳۶۵۸۳۴	۱۸۳۹۶۳۹	۱۰۱۰۱۹۵	ساله ۳۹-۳۵
۳/۵	۳/۱	۵/۸	۲۸۳۷۹۶۹	۲۰۱۲۷۲۰	۱۴۸۱۴۷۵	۸۴۴۴۵۳	ساله ۴۴-۴۰
۳/۳	۵/۷	۲/۴	۲۵۱۱۵۴۵	۱۸۱۷۶۰۹	۱۰۴۳۸۱۳	۸۲۵۳۴۰	ساله ۴۹-۴۵
۳/۸	۵/۶	-۰/۷	۲۰۸۱۶۷۹	۱۴۳۱۰۶۲	۸۳۳۷۰۳	۸۹۵۲۰۱	ساله ۵۴-۵۰
۶/۱	۱/۹	۰/۹	۱۷۹۲۴۸۱	۹۹۰۱۵۸	۸۱۹۲۲۵	۷۵۱۰۲۶	ساله ۵۹-۵۵
۶/۱	-۱/۱	۱/۶	۱۳۸۶۰۶۳	۷۶۸۶۲۱	۸۵۶۷۴۰	۷۳۱۶۷۳	ساله ۶۴-۶۰
۲/۶	۰/۰	۶/۱	۹۲۳۵۳۶	۷۱۷۲۵۱	۷۱۵۴۲۸	۳۹۶۷۰۵	۶۵ ساله و بیشتر
-۰/۴	۱/۵	۸/۰	۷۲۶۴۴۹	۷۵۳۵۰۲	۶۵۱۸۶۴	۳۰۱۴۰۲	نامشخص
۳/۴	۶/۱	۲/۱	۱۹۲۸۳۸۴	۱۳۸۲۴۴۸	۷۶۷۹۱۶	۶۲۴۳۸۷	ساله و بیشتر ۶۵
	۳/۰			۱۸۸۰	۱۴۰۰۳		نامشخص

جدول ۴-۳- جمعیت کل کشور (زن) بر حسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۱/۶	۲/۰	۴/۰	۳۴۶۲۹۲۰	۲۹۵۴۰۳۲۹	۲۴۱۶۴۰۴۹	۱۶۳۵۲۳۹۷	زن
-۱/۲	-۳/۹	۵/۵	۲۶۶۲۴۱۰	۲۹۹۸۹۱۶	۴۴۴۸۸۶۵	۲۶۰۴۷۶۹	ساله ۱۴-۱۰
-۴/۳	۱/۲	۳/۸	۲۶۸۸۵۳۳	۴۱۵۷۶۸۰	۳۶۸۲۳۰۹	۲۵۴۱۵۴۳	ساله ۱۹-۱۵
-۳/۱	۴/۶	۳/۴	۳۲۶۷۳۴۹	۴۴۵۸۲۰۳	۲۸۴۹۶۶۷	۲۰۴۴۴۸۳	ساله ۲۴-۲۰
۱/۹	۳/۴	۳/۶	۴۲۸۳۸۶۰	۳۵۳۵۶۷۲	۲۵۳۱۸۳۸	۱۷۸۱۷۲۶	ساله ۲۹-۲۵
۵/۴	۲/۴	۳/۷	۴۴۹۹۵۷۱	۲۶۵۵۵۲۹	۲۰۹۰۱۰۹	۱۴۵۱۳۵۷	ساله ۳۴-۳۰
۴/۳	۲/۶	۵/۱	۳۵۶۴۷۸۵	۲۳۴۳۳۲۰	۱۸۱۲۶۵۸	۱۱۰۱۳۹۰	ساله ۳۹-۳۵
۳/۳	۳/۱	۵/۳	۲۷۱۵۵۶۲	۱۹۶۷۳۴۶	۱۴۴۶۵۰۸	۸۶۴۵۴۴	ساله ۴۴-۴۰
۳/۲	۵/۰	۳/۰	۲۴۰۹۵۷۹	۱۷۵۴۱۷۰	۱۰۷۳۳۹۸	۸۰۱۲۷۹	ساله ۴۹-۴۵
۳/۸	۵/۳	۰/۶	۲۰۰۷۴۷۹	۱۳۸۱۰۲۴	۸۲۱۶۴۸	۷۷۳۴۸۴	ساله ۵۴-۵۰
۵/۴	۲/۹	۱/۸	۱۷۳۰۲۸۰	۱۰۲۲۸۸۲	۷۶۶۱۷۳	۶۳۸۴۳۹	ساله ۵۹-۵۵
۶/۱	۰/۲	۲/۲	۱۳۶۹۳۵۷	۷۶۰۴۵۷	۷۴۲۲۷۸	۵۹۷۳۷۶	ساله ۶۴-۶۰
۴/۰	۰/۴	۷/۳	۹۶۴۴۴۵	۶۶۹۶۷۷	۶۲۲۳۱۸	۳۰۷۱۸۲	۶۵ ساله و بیشتر
۱/۶	۱/۷	۶/۵	۷۳۸۰۰۳	۶۲۹۴۴۴	۵۳۲۷۶۸	۲۸۲۷۴۲	نامشخص
۳/۶	۵/۲	۲/۷	۱۷۲۸۲۰۷	۱۲۱۲۷۳۳	۷۳۳۸۰۲	۵۶۲۰۸۳	ساله و بیشتر ۶۵
	۳/۳		۰	۱۳۴۷۶	۹۷۱۰	۰	نامشخص

جدول ۴-۴- جمعیت کل کشور شهری (مردوزن) برحسب گروه سنی درسال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۲/۷	۳/۲	۵/۴	۴۸۲۵۹۹۶۴	۳۶۸۱۷۷۸۹	۲۶۸۴۴۵۶۱	۱۵۸۵۴۶۸۰	مردوزن
۰/۴	-۳/۲	۸/۰	۳۵۶۵۹۱۶	۳۴۲۶۵۵۵	۴۷۴۵۷۸۱	۲۱۹۰۲۵۹	۱۰-۱۴ ساله
-۳/۰	۲/۵	۵/۵	۳۵۹۸۳۷۴	۴۸۷۸۴۷۸	۳۸۱۷۹۷۹	۲۲۳۶۳۴۴	۱۵-۱۹ ساله
-۲/۵	۶/۵	۳/۵	۴۲۷۷۶۷۹	۵۵۱۹۲۳۹	۲۹۳۲۹۷۱	۲۰۷۰۵۳۹	۲۰-۲۴ ساله
۳/۰	۴/۴	۳/۸	۵۷۷۶۰۹۷	۴۳۱۲۴۰۱	۲۷۹۲۲۰۷	۱۹۱۵۶۰۳	۲۵-۲۹ ساله
۷/۱	۲/۵	۴/۹	۶۲۵۹۴۲۹	۳۱۵۴۵۸۱	۲۴۷۲۳۳۰	۱۵۳۰۳۰۸	۳۰-۳۴ ساله
۵/۲	۳/۲	۷/۲	۵۰۷۷۳۷۳	۳۰۵۸۷۵۶	۲۲۴۰۶۸۲	۱۱۲۱۰۰۳	۳۵-۳۹ ساله
۳/۸	۴/۲	۷/۴	۳۹۲۸۷۷۵	۲۷۰۹۲۷۹	۱۷۹۸۱۸۸	۸۷۷۴۰۶	۴۰-۴۴ ساله
۴/۰	۶/۷	۴/۸	۳۵۹۳۶۱۰	۲۴۳۳۲۶۳	۱۲۷۰۶۷۱	۷۹۴۳۲۴	۴۵-۴۹ ساله
۴/۸	۷/۱	۲/۳	۳۰۳۳۶۵۰	۱۹۰۷۱۱۲	۹۶۲۵۳۵	۷۶۸۳۴۸	۵۰-۵۴ ساله
۶/۹	۴/۳	۳/۳	۲۵۷۳۹۶۲	۱۳۲۶۰۳۶	۸۷۲۲۵۳	۶۳۲۰۶۷	۵۵-۵۹ ساله
۷/۳	۱/۵	۳/۵	۱۹۷۹۶۵۷	۹۷۸۳۴۳	۸۴۰۲۸۶	۵۹۳۶۶۵	۶۰-۶۴ ساله
۴/۷	۱/۸	۷/۶	۱۳۱۵۵۰۵	۸۳۰۲۰۱	۶۹۶۸۲۷	۳۳۳۶۹۸	۶۵ ساله و بیشتر
۲/۳	۲/۸	۸/۵	۹۷۹۸۰۹	۷۸۳۵۱۱	۵۹۴۹۱۰	۲۶۲۲۱۴	نامشخص
۴/۶	۶/۴	۴/۱	۲۳۰۰۱۲۸	۱۴۷۰۷۰۰	۷۹۳۴۵۱	۵۲۸۹۰۲	ساله و بیشتر ۶۵
	۹/۸			۲۹۳۲۷	۱۱۴۹۰		نامشخص

جدول ۴-۵- جمعیت کل کشور شهری (مرد) برحسب گروه سنی درسال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۲/۷	۳/۲	۵/۲	۲۴۵۷۶۴۴۲	۱۸۸۰۵۰۲۳	۱۳۷۶۹۶۱۷	۸۲۹۱۴۵۱	مرد
۰/۴	-۳/۱	۷/۹	۱۸۲۹۰۰۱	۱۷۵۷۰۸۴	۲۴۱۰۲۹۰	۱۱۲۳۶۰۱	۱۰-۱۴ ساله
-۲/۹	۲/۵	۵/۴	۱۸۴۲۳۳۳	۲۴۸۲۴۶۹	۱۹۴۷۷۰۶	۱۱۵۰۰۵۶	۱۵-۱۹ ساله
-۲/۵	۶/۴	۳/۳	۲۱۹۱۲۱۸	۲۸۱۵۷۲۹	۱۵۱۸۶۰۰	۱۰۹۸۰۷۰	۲۰-۲۴ ساله
۳/۰	۴/۳	۳/۴	۲۹۳۵۶۷۳	۲۱۹۲۲۵۸	۱۴۳۸۳۷۱	۱۰۲۵۶۲۰	۲۵-۲۹ ساله
۷/۲	۲/۴	۴/۵	۳۱۰۰۹۴۳	۱۵۵۲۵۷۱	۱۲۳۰۵۱۶	۷۸۹۱۵۸	۳۰-۳۴ ساله
۵/۲	۳/۱	۷/۲	۲۵۶۲۵۵۷	۱۵۴۲۶۸۵	۱۱۴۲۰۱۸	۵۶۹۶۳۷	۳۵-۳۹ ساله
۳/۸	۳/۹	۷/۵	۲۰۱۰۸۸۷	۱۳۷۹۳۳۷	۹۳۸۲۳۲	۴۵۷۰۹۸	۴۰-۴۴ ساله
۳/۹	۶/۷	۴/۶	۱۸۴۴۲۳۲	۱۲۵۳۴۹۹	۶۵۳۲۹۷	۴۱۷۰۵۳	۴۵-۴۹ ساله
۴/۵	۷/۱	۱/۹	۱۵۵۷۳۵۳	۹۹۹۷۳۶	۵۰۳۰۷۳	۴۱۸۵۹۹	۵۰-۵۴ ساله
۶/۹	۳/۹	۳/۲	۱۳۲۵۷۳۰	۶۷۹۰۸۱	۴۶۲۹۲۰	۳۳۸۱۷۱	۵۵-۵۹ ساله
۷/۲	۱/۲	۳/۴	۱۰۲۳۵۱۸	۵۰۸۸۹۸	۴۵۰۲۳۵	۳۲۲۸۸۰	۶۰-۶۴ ساله
۴/۱	۲/۰	۷/۰	۶۶۵۵۶۱	۴۴۳۴۵۳	۳۶۳۵۱۸	۱۸۴۲۸۰	۶۵ ساله و بیشتر
۱/۶	۲/۹	۹/۲	۴۹۷۹۴۳	۴۲۶۰۴۰	۳۲۰۵۲۴	۱۳۲۸۷۷	نامشخص
۴/۶	۷/۰	۳/۸	۱۱۸۹۴۹۳	۷۵۵۳۵۷	۳۸۳۵۲۱	۲۶۴۳۵۱	ساله و بیشتر ۶۵
	۹/۵			۱۶۸۲۶	۶۷۹۶		نامشخص

جدول ۴-۶- جمعیت کل کشور شهری (زن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۲/۸	۳/۳	۵/۶	۲۳۶۸۳۵۲۲	۱۸۰۱۲۷۶۶	۱۳۰۷۴۹۴۴	۷۵۶۳۲۲۹	زن
۰/۴	-۳/۳	۸/۲	۱۷۳۶۹۱۵	۱۶۶۹۹۷۱	۲۳۳۵۴۹۱	۱۰۶۶۶۵۸	۱۰-۱۴ ساله
-۳/۱	۲/۵	۵/۶	۱۷۵۶۰۴۱	۲۳۹۶۰۰۹	۱۸۷۰۲۷۳	۱۰۸۶۲۸۸	۱۵-۱۹ ساله
-۲/۶	۶/۷	۳/۸	۲۰۸۶۴۶۱	۲۷۰۳۵۱۰	۱۴۱۴۳۷۱	۹۷۲۴۶۹	۲۰-۲۴ ساله
۳/۰	۴/۶	۴/۳	۲۸۴۰۴۴۴	۲۱۲۰۱۴۳	۱۳۵۳۸۳۶	۸۸۹۹۸۳	۲۵-۲۹ ساله
۷/۰	۲/۶	۵/۳	۳۱۵۸۴۸۶	۱۶۰۲۰۱۷	۱۲۴۱۸۱۴	۷۴۱۱۵۰	۳۰-۳۴ ساله
۵/۲	۳/۳	۷/۱	۲۵۱۴۸۱۶	۱۵۱۶۰۷۱	۱۰۹۸۶۶۴	۵۵۱۳۶۶	۳۵-۳۹ ساله
۳/۷	۴/۵	۷/۴	۱۹۱۷۸۸۸	۱۳۲۹۹۴۲	۸۵۹۹۵۶	۴۲۰۳۰۸	۴۰-۴۴ ساله
۴/۰	۶/۷	۵/۰	۱۷۴۹۳۷۸	۱۱۷۹۷۶۴	۶۱۷۳۷۴	۳۷۷۲۷۱	۴۵-۴۹ ساله
۵/۰	۷/۰	۲/۸	۱۴۷۶۲۹۷	۹۰۷۳۷۶	۴۵۹۴۶۲	۳۴۹۷۴۹	۵۰-۵۴ ساله
۶/۸	۴/۶	۳/۴	۱۲۴۸۲۳۲	۶۴۶۹۵۵	۴۱۱۳۳۳	۲۹۳۸۹۶	۵۵-۵۹ ساله
۷/۴	۱/۹	۳/۷	۹۵۶۱۳۹	۴۶۹۴۴۵	۳۹۰۰۵۱	۲۷۰۷۸۵	۶۰-۶۴ ساله
۵/۳	۱/۵	۸/۴	۶۴۹۹۴۴	۳۸۶۷۴۸	۳۳۳۰۰۹	۱۴۹۴۱۸	۶۵ ساله و بیشتر
۳/۰	۲/۷	۷/۸	۴۸۱۸۶۶	۳۵۷۴۷۱	۲۷۴۳۸۶	۱۲۹۳۳۷	نامشخص
۴/۵	۵/۷	۴/۵	۱۱۱۰۶۳۵	۷۱۵۳۴۳	۴۰۹۹۳۰	۲۶۴۵۵۱	ساله و بیشتر ۶۵
	۱۰/۳		۰	۱۲۵۰۱	۴۶۹۴	۰	نامشخص

جدول ۴-۷- جمعیت کل کشور روستایی (مردوزن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
-۰/۴	۰/۳	۲/۴	۲۲۲۳۵۸۱۸	۲۳۲۳۷۶۹۹	۲۲۶۰۰۴۴۹	۱۷۸۵۴۰۶۴	مردوزن
-۳/۶	-۴/۴	۲/۹	۱۸۹۸۰۶۲	۲۷۳۶۴۶۹	۴۲۹۹۰۴۲	۳۲۳۹۴۵۳	۱۰-۱۴ ساله
-۶/۱	-۰/۳	۲/۰	۱۹۱۰۶۸۳	۳۶۰۳۳۶۷	۳۷۰۷۹۱۵	۳۰۴۰۱۸۹	۱۵-۱۹ ساله
-۳/۷	۱/۸	۲/۹	۲۴۳۰۹۱۵	۳۵۶۱۴۳۷	۲۹۷۰۳۲۹	۲۲۳۲۵۷۹	۲۰-۲۴ ساله
۰/۵	۱/۶	۳/۶	۲۹۵۰۶۶۴	۲۸۰۳۱۴۶	۲۳۹۹۹۹۵	۱۶۸۴۶۶۲	۲۵-۲۹ ساله
۲/۹	۱/۸	۳/۲	۲۷۵۱۹۹۳	۲۰۶۷۳۹۴	۱۷۲۱۳۹۴	۱۲۶۱۹۰۷	۳۰-۳۴ ساله
۲/۷	۱/۶	۳/۶	۲۱۴۷۵۷۹	۱۶۵۰۳۹۸	۱۴۱۱۶۱۵	۹۹۰۵۸۲	۳۵-۳۹ ساله
۲/۵	۱/۲	۳/۱	۱۶۲۴۷۵۶	۱۲۷۰۷۸۷	۱۱۲۹۷۹۵	۸۲۹۵۹۱	۴۰-۴۴ ساله
۱/۵	۳/۰	۰/۲	۱۳۲۷۵۱۴	۱۱۳۸۵۱۶	۸۴۶۵۴۰	۸۳۲۲۹۵	۴۵-۴۹ ساله
۱/۶	۲/۷	-۲/۶	۱۰۵۵۵۰۸	۹۰۴۹۷۴	۶۹۲۸۱۶	۹۰۰۳۳۷	۵۰-۵۴ ساله
۳/۳	-۰/۳	-۰/۶	۹۴۸۷۹۹	۶۸۷۰۰۴	۷۱۱۱۴۵	۷۵۷۳۹۸	۵۵-۵۹ ساله
۳/۵	-۳/۲	۰/۳	۷۷۵۷۶۳	۵۵۰۷۳۵	۷۵۸۷۳۲	۷۳۵۳۸۴	۶۰-۶۴ ساله
۰/۷	-۱/۸	۵/۶	۵۷۲۴۷۶	۵۳۶۵۲۷	۶۴۰۹۱۹	۳۷۰۱۸۹	۶۵ ساله و بیشتر
-۲/۱	۰/۲	۶/۲	۴۸۴۶۴۳	۵۹۹۴۳۵	۵۸۹۷۲۲	۳۲۱۹۳۰	نامشخص
۱/۹	۴/۷	۰/۷	۱۳۵۶۴۶۳	۱۱۲۴۴۸۱	۷۰۸۲۶۷	۶۵۷۵۶۸	ساله و بیشتر ۶۵
	-۱۳/۰		۰	۳۰۲۹	۱۲۲۲۳	۰	نامشخص

جدول ۴-۸- جمعیت کل کشور روستایی (مرد) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
-۰/۴	۰/۲	۲/۴	۱۱۲۸۹۹۲۰	۱۱۷۱۰۱۳۶	۱۱۵۱۱۳۴۴	۹۰۶۴۸۹۶	مرد
-۳/۶	-۴/۳	۲/۵	۹۷۲۵۶۷	۱۴۰۷۰۲۴	۲۱۸۵۶۶۸	۱۷۰۱۳۴۲	۱۰-۱۴ ساله
-۶/۱	-۰/۳	۱/۸	۹۷۸۱۹۱	۱۸۴۱۶۹۶	۱۸۹۵۸۷۹	۱۵۸۴۹۳۴	۱۵-۱۹ ساله
-۳/۶	۱/۶	۲/۸	۱۲۵۰۰۲۷	۱۸۰۶۷۴۴	۱۵۳۵۰۳۳	۱۱۶۰۵۶۵	۲۰-۲۴ ساله
۰/۸	۱/۳	۴/۴	۱۵۰۷۲۲۸	۱۳۸۷۶۱۷	۱۲۲۱۹۹۳	۷۹۲۹۱۹	۲۵-۲۹ ساله
۳/۴	۱/۵	۴/۷	۱۴۱۰۹۰۸	۱۰۱۳۸۸۲	۸۷۳۰۹۹	۵۵۱۷۰۰	۳۰-۳۴ ساله
۲/۹	۱/۷	۴/۷	۱۰۹۷۶۱۰	۸۲۳۱۴۹	۶۹۷۶۲۱	۴۴۰۵۵۸	۳۵-۳۹ ساله
۲/۷	۱/۵	۳/۵	۸۲۷۰۸۲	۶۳۳۳۸۳	۵۴۳۲۴۳	۳۸۵۳۵۵	۴۰-۴۴ ساله
۱/۷	۳/۷	-۰/۴	۶۶۷۳۱۳	۵۶۴۱۱۰	۳۹۰۵۱۶	۴۰۸۲۸۷	۴۵-۴۹ ساله
۲/۰	۲/۷	-۳/۶	۵۲۴۳۲۶	۴۳۱۳۲۶	۳۳۰۶۳۰	۴۷۶۶۰۲	۵۰-۵۴ ساله
۴/۱	-۱/۳	-۱/۵	۴۶۶۷۵۱	۳۱۱۰۷۷	۳۵۶۳۰۵	۴۱۲۸۵۵	۵۵-۵۹ ساله
۳/۴	-۴/۴	-۰/۱	۳۶۲۵۴۵	۲۵۹۷۲۳	۴۰۶۵۰۵	۴۰۸۷۹۳	۶۰-۶۴ ساله
-۰/۶	-۲/۵	۵/۲	۲۵۷۹۷۵	۲۷۳۷۹۸	۳۵۱۹۱۰	۲۱۲۴۲۵	۶۵ ساله و بیشتر
-۳/۵	-۰/۱	۷/۰	۲۲۸۵۰۶	۳۲۷۴۶۲	۳۳۱۳۴۰	۱۶۸۵۲۵	نامشخص
۱/۷	۵/۰	۰/۷	۷۳۸۸۹۱	۶۲۷۰۹۱	۳۸۴۳۹۵	۳۶۰۰۳۶	ساله و بیشتر ۶۵
	-۱۱/۸		۰	۲۰۵۴	۷۲۰۷	۰	نامشخص

جدول ۴-۹- جمعیت کل کشور روستایی (زن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
-۰/۵	۰/۴	۲/۴	۱۰۹۴۵۸۹۸	۱۱۵۲۷۵۶۳	۱۱۰۸۹۱۰۵	۸۷۸۹۱۶۸	زن
-۳/۶	-۴/۵	۳/۲	۹۲۵۴۹۵	۱۳۲۹۴۴۵	۲۱۱۳۳۷۴	۱۵۳۸۱۱۱	۱۰-۱۴ ساله
-۶/۲	-۰/۳	۲/۲	۹۳۲۴۹۲	۱۷۶۱۶۷۱	۱۸۱۲۰۳۶	۱۴۵۵۲۵۵	۱۵-۱۹ ساله
-۳/۹	۲/۰	۳/۰	۱۱۸۰۸۸۸	۱۷۵۴۶۹۳	۱۴۳۵۲۹۶	۱۰۷۲۰۱۴	۲۰-۲۴ ساله
۰/۲	۱/۹	۲/۸	۱۴۴۳۴۴۶	۱۴۱۵۵۲۹	۱۱۷۸۰۰۲	۸۹۱۷۴۳	۲۵-۲۹ ساله
۲/۴	۲/۲	۱/۸	۱۳۴۱۰۸۵	۱۰۵۳۵۱۲	۸۴۸۲۹۵	۷۱۰۲۰۷	۳۰-۳۴ ساله
۲/۴	۱/۵	۲/۶	۱۰۴۹۹۶۹	۸۲۷۲۴۹	۷۱۳۹۹۴	۵۵۰۰۲۴	۳۵-۳۹ ساله
۲/۳	۰/۸	۲/۸	۷۹۷۶۷۴	۶۳۷۴۰۴	۵۸۶۵۵۲	۴۴۴۲۳۶	۴۰-۴۴ ساله
۱/۴	۲/۳	۰/۷	۶۶۰۲۰۱	۵۷۴۴۰۶	۴۵۶۰۲۴	۴۲۴۰۰۸	۴۵-۴۹ ساله
۱/۲	۲/۷	-۱/۶	۵۳۱۱۸۲	۴۷۳۶۴۸	۳۶۲۱۸۶	۴۲۳۷۳۵	۵۰-۵۴ ساله
۲/۵	۰/۶	۰/۳	۴۸۲۰۴۸	۳۷۵۹۲۷	۳۵۴۸۴۰	۳۴۴۵۴۳	۵۵-۵۹ ساله
۳/۶	-۱/۹	۰/۸	۴۱۳۲۱۸	۲۹۱۰۱۲	۳۵۲۲۲۷	۳۲۶۵۹۱	۶۰-۶۴ ساله
۱/۸	-۰/۹	۶/۲	۳۱۴۵۰۱	۲۶۲۷۲۹	۲۸۹۰۰۹	۱۵۷۷۶۴	۶۵ ساله و بیشتر
-۰/۶	۰/۵	۵/۴	۲۵۶۱۳۷	۲۷۱۹۷۳	۲۵۸۳۸۲	۱۵۳۴۰۵	نامشخص
۲/۲	۴/۴	۰/۹	۶۱۷۵۷۲	۴۹۷۳۹۰	۳۲۳۸۷۲	۲۹۷۵۳۲	ساله و بیشتر ۶۵
	-۱۵/۱		۰	۹۷۵	۵۰۱۶	۰	نامشخص

جدول ۴-۱۰- جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر شهری کل کشور (مردوزن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۳/۷	۴/۵	۴/۸	۴۱۰۹۵۶۷۴	۲۸۵۰۴۰۳۳	۱۸۲۸۰۸۰۲	۱۱۴۲۷۹۷۷	مردوزن
-۲/۵	۶/۵	۳/۵	۴۲۷۷۶۷۹	۵۵۱۹۲۳۹	۲۹۳۲۹۷۱	۲۰۷۰۵۳۹	۱۴-۱۰ ساله
۳/۰	۴/۴	۳/۸	۵۷۷۶۰۹۷	۴۳۱۲۴۰۱	۲۷۹۲۲۰۷	۱۹۱۵۶۰۳	۱۹-۱۵ ساله
۷/۱	۲/۵	۴/۹	۶۲۵۹۴۲۹	۳۱۵۴۵۸۸	۲۴۷۲۳۳۰	۱۵۳۰۲۰۹	۲۴-۲۰ ساله
۵/۲	۳/۲	۷/۲	۵۰۷۷۳۷۳	۳۰۵۸۷۵۶	۲۲۴۰۶۸۲	۱۱۲۱۰۰۳	۲۹-۲۵ ساله
۳/۸	۴/۲	۷/۴	۳۹۲۸۷۷۵	۲۷۰۹۲۷۹	۱۷۹۸۱۸۸	۸۷۷۴۰۶	۳۴-۳۰ ساله
۴/۰	۶/۷	۴/۸	۳۵۹۳۶۱۰	۲۴۳۲۲۶۳	۱۲۷۰۶۷۰	۷۹۴۳۲۴	۳۹-۳۵ ساله
۴/۸	۷/۱	۲/۳	۳۰۳۳۶۵۰	۱۹۰۷۱۱۲	۹۶۲۵۳۵	۷۸۳۴۷	۴۴-۴۰ ساله
۶/۹	۴/۳	۳/۳	۲۵۷۳۹۶۲	۱۳۳۶۰۳۶	۸۷۴۲۵۴	۶۳۲۰۶۷	۴۹-۴۵ ساله
۷/۳	۱/۵	۳/۵	۱۹۷۹۶۵۷	۹۷۸۳۴۳	۸۴۰۲۸۷	۵۹۳۶۶۵	۵۴-۵۰ ساله
۴/۷	۱/۸	۷/۶	۱۳۱۵۵۰۵	۸۳۰۲۰۱	۶۹۶۸۲۷	۳۳۳۶۹۸	۵۹-۵۵ ساله
۲/۳	۲/۸	۸/۵	۹۷۹۸۰۹	۷۸۳۵۱۱	۵۹۴۹۱۰	۲۶۲۲۱۴	۶۴-۶۰ ساله
۴/۶	۶/۴	۴/۱	۲۳۰۰۱۲۸	۱۴۷۰۷۰۰	۷۹۳۴۴۱	۵۲۸۹۰۲	۶۵ ساله و بیشتر
	۶/۰			۲۰۶۰۴	۱۱۵۰۰		نامشخص

جدول ۴-۱۱- جمعیت فعال کل کشور (مردوزن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۳/۹	۲/۳	۲/۷	۲۳۴۶۸۶۹۳	۱۶۰۲۲۲۲۳	۱۲۸۲۰۲۹۱	۹۷۹۶۰۵۶	مردوزن
-۳/۴	-۲/۶	-۲/۸	۲۶۰۳۳۹	۳۶۸۰۳۱	۴۷۷۰۴۹	۶۳۵۵۹۲	۱۴-۱۰ ساله
۲/۰	-۰/۲	۲/۴	۱۸۹۴۷۳۲	۱۵۴۷۱۴۹	۱۵۷۹۲۶۱	۱۲۵۰۴۸۳	۱۹-۱۵ ساله
۶/۰	۰/۸	۳/۸	۴۰۱۲۲۶۸	۲۲۴۳۸۰۰	۲۰۶۷۳۱۰	۱۴۱۸۹۲۵	۲۴-۲۰ ساله
۵/۲	۲/۵	۵/۴	۴۰۷۶۰۴۲	۲۴۶۶۷۷۰	۱۹۳۲۷۴۵	۱۱۴۴۶۳۰	۲۹-۲۵ ساله
۴/۱	۳/۲	۵/۳	۳۲۲۹۳۶۷	۲۱۶۷۱۷۰	۱۵۸۵۷۱۰	۹۴۶۵۰۹	۳۴-۳۰ ساله
۳/۶	۵/۹	۲/۰	۲۸۰۶۵۶۳	۱۹۷۱۴۴۵	۱۱۱۰۳۱۴	۹۱۴۱۲۹	۳۹-۳۵ ساله
۳/۸	۵/۹	-۱/۱	۲۲۳۷۳۳۵	۱۵۳۷۸۷۹	۸۶۳۰۴۳	۹۶۵۴۰۲	۴۴-۴۰ ساله
۵/۹	۲/۳	۰/۳	۱۸۱۴۵۶۷	۱۰۱۹۸۳۲	۸۱۱۶۹۲	۷۹۰۷۰۴	۴۹-۴۵ ساله
۵/۲	-۱/۲	۱/۰	۱۱۸۸۳۶۴	۷۱۴۸۳۲	۸۰۸۴۶۲	۷۳۴۴۵۴	۵۴-۵۰ ساله
۱/۱	-۰/۲	۵/۶	۶۹۰۹۷۰	۶۱۷۷۸۵	۶۳۱۴۲۳	۳۶۷۰۶۸	۵۹-۵۵ ساله
-۲/۵	۱/۱	۷/۶	۴۵۱۷۲۴	۵۸۰۲۴۶	۵۲۰۲۶۷	۲۵۰۸۰۲	۶۴-۶۰ ساله
۰/۳	۶/۲	۱/۳	۸۰۶۴۲۲	۷۸۴۲۲۳	۴۲۸۳۳۶	۳۷۷۳۵۸	۶۵ ساله و بیشتر
	۵/۶			۸۰۶۱	۴۶۷۹		نامشخص

جدول ۴-۱۲- جمعیت فعال کل کشور (مرد) برحسب گروه سنی درسال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۳/۶	۲/۰	۳/۳	۱۹۸۳۹۵۷۸	۱۳۹۹۰۲۵۶	۱۱۵۱۲۳۷۹	۸۳۴۷۰۵۰	مرد
-۳/۰	-۳/۸	-۱/۷	۱۷۶۲۴۱	۲۳۷۹۲۵	۳۴۹۳۶۲	۴۱۵۸۷۹	۱۴-۱۰ ساله
۲/۰	-۰/۸	۳/۳	۱۵۰۹۱۷۲	۱۲۴۱۵۴۵	۱۳۴۱۱۰۱	۹۷۰۰۶۴	۱۹-۱۵ ساله
۵/۶	۰/۴	۴/۶	۳۲۵۶۱۰۹	۱۸۹۲۵۳۳	۱۸۱۶۳۳۸	۱۱۵۹۰۷۳	۲۴-۲۰ ساله
۴/۵	۲/۱	۶/۰	۳۳۲۷۲۳۳	۲۱۳۵۲۰۴	۱۷۳۰۶۸۰	۹۶۷۱۵۱	۲۹-۲۵ ساله
۳/۶	۳/۰	۵/۶	۲۷۱۱۴۶۲	۱۹۱۲۷۳۹	۱۴۲۴۲۳۲	۸۲۴۲۷۱	۳۴-۳۰ ساله
۳/۳	۵/۶	۲/۲	۲۳۹۹۸۶۶	۱۷۴۱۲۸۷	۱۰۰۸۷۳۳	۸۱۱۹۴۰	۳۹-۳۵ ساله
۳/۷	۵/۵	-۰/۹	۱۹۴۹۳۵۶	۱۳۵۹۴۷۶	۷۹۹۰۳۰	۸۷۴۷۶۰	۴۴-۴۰ ساله
۵/۸	۱/۸	۰/۶	۱۶۰۸۰۶۳	۹۱۷۴۶۲	۷۶۴۰۸۷	۷۲۱۱۵۰	۴۹-۴۵ ساله
۵/۰	-۱/۵	۱/۳	۱۰۷۷۲۲۱	۶۶۰۰۵۰	۷۶۸۰۴۷	۶۷۶۳۴۸	۵۴-۵۰ ساله
۰/۹	-۰/۳	۵/۸	۶۳۷۷۹۹	۵۸۱۹۳۲	۶۰۱۲۹۷	۳۴۲۱۷۱	۵۹-۵۵ ساله
-۲/۷	۱/۰	۷/۹	۴۲۰۳۲۵	۵۵۲۰۰۱	۴۹۷۶۵۶	۲۳۲۰۹۱	۶۴-۶۰ ساله
۰/۲	۶/۳	۱/۵	۷۶۶۷۳۱	۷۵۰۹۴۷	۴۰۷۷۵۷	۳۵۲۱۵۲	۶۵ ساله و بیشتر
	۵/۸			۷۱۵۵	۴۰۵۹		نامشخص

جدول ۴-۱۳- جمعیت فعال کل کشور (زن) برحسب گروه سنی درسال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۵/۹	۴/۵	-۱/۰	۳۶۲۹۱۱۵	۲۰۳۶۹۶۷	۱۳۰۷۹۱۲	۱۴۴۹۰۰۶	زن
-۴/۳	۰/۲	-۵/۳	۸۴۰۹۸	۱۳۰۱۰۶	۱۲۷۶۸۷	۲۱۹۷۱۳	۱۴-۱۰ ساله
۲/۴	۲/۵	-۱/۶	۳۸۵۵۶۰	۳۰۵۶۰۴	۲۳۸۱۶۰	۲۸۰۴۱۹	۱۹-۱۵ ساله
۸/۰	۳/۴	-۰/۳	۷۵۶۱۵۹	۳۵۱۲۶۷	۲۵۰۹۷۲	۲۵۹۸۵۲	۲۴-۲۰ ساله
۸/۵	۵/۱	۱/۳	۷۴۸۸۰۹	۳۳۱۵۶۶	۲۰۲۰۶۵	۱۷۷۴۷۹	۲۹-۲۵ ساله
۷/۴	۴/۷	۲/۸	۵۱۷۹۰۵	۲۵۴۴۳۱	۱۶۱۴۷۸	۱۲۲۲۳۸	۳۴-۳۰ ساله
۵/۹	۸/۵	-۰/۱	۴۰۶۶۹۷	۲۳۰۱۵۸	۱۰۱۵۸۱	۱۰۲۱۸۹	۳۹-۳۵ ساله
۴/۹	۱۰/۸	-۳/۴	۲۸۷۹۷۹	۱۷۸۴۰۳	۶۴۰۱۳	۹۰۶۴۲	۴۴-۴۰ ساله
۷/۳	۸/۰	-۳/۷	۲۰۶۵۰۴	۱۰۲۳۷۰	۴۷۶۰۵	۶۹۵۵۴	۴۹-۴۵ ساله
۷/۳	۳/۱	-۳/۶	۱۱۱۱۴۳	۵۴۷۸۲	۴۰۴۱۵	۵۸۱۰۶	۵۴-۵۰ ساله
۴/۰	۱/۸	۱/۹	۵۳۱۷۱	۳۵۸۵۳	۳۰۱۲۶	۲۴۸۹۷	۵۹-۵۵ ساله
۱/۱	۲/۲	۱/۹	۳۱۳۹۹	۲۸۲۴۵	۲۲۶۱۱	۱۸۷۱۱	۶۴-۶۰ ساله
۱/۸	۴/۹	-۲/۰	۳۹۶۹۱	۳۳۲۷۶	۲۰۵۷۹	۲۵۲۰۶	۶۵ ساله و بیشتر
	۳/۹		۰	۹۰۶	۶۲۰	۰	نامشخص

جدول ۴-۱۴- سهم جمعیت فعال زنان از کل جمعیت فعال بر حسب گره سنی در دوره ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
زن	۱۴,۸	۱۰,۲	۱۲,۷	۱۵,۵
۱۰-۱۴ ساله	۳۴,۶	۲۶,۸	۳۵,۴	۳۲,۳
۱۵-۱۹ ساله	۲۲,۴	۱۵,۱	۱۹,۸	۲۰,۳
۲۰-۲۴ ساله	۱۸,۳	۱۲,۱	۱۵,۷	۱۸,۸
۲۵-۲۹ ساله	۱۵,۵	۱۰,۵	۱۳,۴	۱۸,۴
۳۰-۳۴ ساله	۱۲,۹	۱۰,۲	۱۱,۷	۱۶,۰
۳۵-۳۹ ساله	۱۱,۲	۹,۱	۱۱,۷	۱۴,۵
۴۰-۴۴ ساله	۹,۴	۷,۴	۱۱,۶	۱۲,۹
۴۵-۴۹ ساله	۸,۸	۵,۹	۱۰,۰	۱۱,۴
۵۰-۵۴ ساله	۷,۹	۵,۰	۷,۷	۹,۴
۵۵-۵۹ ساله	۶,۸	۴,۸	۵,۸	۷,۷
۶۰-۶۴ ساله	۷,۵	۴,۳	۴,۹	۷,۰
۶۵ ساله و بیشتر	۶,۷	۴,۸	۴,۲	۴,۹
نامشخص		۱۳,۳	۱۱,۲	

جدول ۴-۱۵- جمعیت فعال کل کشور شهری (مردوزن) بر حسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	متوسط رشد سالانه (درصد)		
					۱۳۶۵-۵۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۸۵-۷۵
مردوزن	۴۳۳۵۵۶۴	۷۰۲۶۰۰۵	۹۶۵۴۵۱۳	۱۵۹۳۰۵۷۸	۳/۲	۴/۹	۵/۱
۱۰-۱۴ ساله	۱۱۸۳۷۹	۱۳۷۴۴۸	۱۰۱۴۵۶	۸۵۷۲۳	-۳/۰	۱/۵	-۱/۷
۱۵-۱۹ ساله	۴۵۲۸۸۸	۷۱۰۹۶۷	۶۸۴۵۳۷	۹۸۵۳۳۸	-۰/۴	۴/۶	۳/۷
۲۰-۲۴ ساله	۷۵۳۱۵۹	۱۱۹۸۰۶۶	۱۲۳۶۴۸۵	۲۶۰۳۰۲۳	۰/۳	۴/۸	۷/۷
۲۵-۲۹ ساله	۶۱۸۹۵۲	۱۲۱۲۱۸۶	۱۵۸۹۵۲۳	۲۸۸۳۸۵۵	۲/۷	۷/۰	۶/۱
۳۰-۳۴ ساله	۴۹۵۷۲۸	۱۰۲۲۷۲۴	۱۴۸۶۷۷۹	۲۳۲۹۷۴۸	۳/۸	۷/۵	۴/۶
۳۵-۳۹ ساله	۴۴۴۵۶۷	۷۰۱۴۳۷	۱۳۶۷۷۵۹	۲۰۹۲۷۶۶	۶/۹	۴/۷	۴/۳
۴۰-۴۴ ساله	۴۳۳۴۹۸	۵۱۸۱۴۵	۱۰۷۶۴۰۰	۱۶۸۶۵۷۲	۷/۶	۱/۸	۴/۶
۴۵-۴۹ ساله	۳۳۸۰۵۵	۴۴۲۷۶۵	۶۸۸۸۴۷	۱۳۳۰۰۸۳	۴/۵	۲/۷	۶/۸
۵۰-۵۴ ساله	۳۰۲۵۷۷	۳۹۶۸۵۸	۴۴۴۳۵۳	۸۳۲۱۱۸	۱/۱	۲/۷	۶/۵
۵۵-۵۹ ساله	۱۵۴۴۷۳	۲۸۸۱۷۱	۳۴۲۸۶۵	۴۴۷۰۳۹	۱/۸	۶/۴	۲/۷
۶۰-۶۴ ساله	۹۵۷۵۸	۲۲۰۹۰۹	۲۸۱۱۵۰	۲۶۱۴۳۰	۲/۴	۸/۷	-۰/۷
۶۵ ساله و بیشتر	۱۲۷۵۳۰	۱۷۴۳۴۱	۳۴۷۷۳۰	۳۸۷۸۸۳	۷/۱	۳/۲	۱/۱
نامشخص		۱۹۸۸	۶۶۲۹		۱۲/۸		

جدول ۴-۱۶- جمعیت فعال کل کشور شهری (مرد) برحسب گروه سنی درسال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۴/۶	۳/۱	۵/۰	۱۳۴۱۱۴۷۶	۸۵۲۱۵۲۸	۶۲۸۴۶۸۸	۳۸۴۶۲۶۶	مردوزن
-۱/۶	-۳/۲	۳/۱	۶۶۸۰۱	۷۸۱۲۶	۱۰۸۱۸۷	۸۰۰۴۳	۱۰-۱۴ ساله
۳/۲	-۰/۳	۴/۷	۸۱۰۲۳۴	۵۹۰۱۱۸	۶۰۶۱۰۰	۳۸۴۱۹۰	۱۵-۱۹ ساله
۷/۱	۰/۲	۵/۰	۲۰۹۱۶۶۴	۱۰۵۵۹۴۰	۱۰۳۱۳۶۱	۶۳۳۹۳۱	۲۰-۲۴ ساله
۵/۴	۲/۵	۷/۱	۲۳۱۱۹۶۶	۱۳۶۶۲۱۳	۱۰۶۳۱۲۶	۵۳۳۷۲۷	۲۵-۲۹ ساله
۴/۰	۳/۸	۷/۳	۱۹۲۴۳۱۸	۱۳۰۳۸۲۲	۹۰۰۸۴۱	۴۴۳۹۲۲	۳۰-۳۴ ساله
۴/۰	۶/۶	۴/۴	۱۷۶۵۰۳۱	۱۱۹۷۸۷۴	۶۳۰۷۸۸	۴۰۸۶۱۸	۳۵-۳۹ ساله
۴/۴	۷/۰	۱/۷	۱۴۵۶۶۹۴	۹۴۶۲۲۷	۴۷۹۷۷۱	۴۰۶۱۰۲	۴۰-۴۴ ساله
۶/۶	۴/۰	۲/۹	۱۱۷۸۹۰۲	۶۲۱۷۳۱	۴۲۱۶۶۴	۳۱۷۹۵۹	۴۵-۴۹ ساله
۶/۲	۰/۸	۳/۰	۷۶۱۰۴۲	۴۱۶۴۹۳	۳۸۲۷۹۶	۲۸۴۸۶۳	۵۰-۵۴ ساله
۲/۵	۱/۷	۶/۶	۴۲۱۴۷۸	۳۲۹۵۲۲	۲۷۸۴۶۴	۱۴۶۲۹۰	۵۵-۵۹ ساله
-۰/۹	۲/۵	۹/۲	۲۴۹۰۹۴	۲۷۲۵۳۱	۲۱۳۶۱۹	۸۸۸۸۲	۶۰-۶۴ ساله
۱/۰	۷/۳	۳/۵	۳۷۴۲۵۲	۳۳۷۱۵۰	۱۶۶۱۸۱	۱۱۷۷۳۹	۶۵ ساله و بیشتر
	۱۲/۴			۵۷۸۱	۱۷۹۰		نامشخص

جدول ۴-۱۷- جمعیت فعال کل کشور شهری (زن) برحسب گروه سنی درسال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۸/۳	۴/۳	۴/۲	۲۵۱۹۱۰۲	۱۱۳۲۹۸۵	۷۴۱۳۱۷	۴۸۹۲۹۸	مردوزن
-۲/۱	-۲/۲	-۲/۷	۱۸۹۲۲	۲۳۳۳۰	۲۹۲۶۱	۳۸۳۳۶	۱۰-۱۴ ساله
۶/۴	-۱/۰	۴/۳	۱۷۵۱۰۴	۹۴۴۱۹	۱۰۴۸۶۷	۶۸۶۹۸	۱۵-۱۹ ساله
۱۱/۰	۰/۸	۳/۴	۵۱۱۳۵۹	۱۸۰۵۴۵	۱۶۶۷۰۵	۱۱۹۲۲۸	۲۰-۲۴ ساله
۹/۹	۴/۱	۵/۷	۵۷۱۸۸۹	۲۲۳۳۱۰	۱۴۹۰۶۰	۸۵۲۲۵	۲۵-۲۹ ساله
۸/۳	۴/۱	۸/۹	۴۰۵۴۳۰	۱۸۲۹۵۷	۱۲۱۸۸۳	۵۱۸۰۶	۳۰-۳۴ ساله
۶/۸	۹/۲	۷/۰	۳۲۷۷۳۵	۱۶۹۸۸۵	۷۰۶۴۹	۳۵۹۴۹	۳۵-۳۹ ساله
۵/۹	۱۳/۰	۳/۴	۲۲۹۸۷۸	۱۳۰۱۷۳	۳۸۳۷۴	۲۷۳۹۶	۴۰-۴۴ ساله
۸/۸	۱۲/۳	۰/۵	۱۵۶۱۸۱	۶۷۱۱۶	۲۱۱۰۱	۲۰۰۹۶	۴۵-۴۹ ساله
۹/۸	۷/۱	-۲/۳	۷۱۰۷۶	۲۷۸۶۰	۱۴۰۶۲	۱۷۷۱۴	۵۰-۵۴ ساله
۶/۷	۳/۲	۱/۷	۲۵۵۶۱	۱۳۳۴۳	۹۷۰۷	۸۱۸۳	۵۵-۵۹ ساله
۳/۷	۱/۷	۰/۶	۱۲۳۳۶	۸۶۱۹	۷۲۹۰	۶۸۷۶	۶۰-۶۴ ساله
۲/۶	۲/۶	-۱/۸	۱۳۶۳۱	۱۰۵۸۰	۸۱۶۰	۹۷۹۱	۶۵ ساله و بیشتر
	۱۵/۷		۰	۸۴۸	۱۹۸	۰	نامشخص

جدول ۴-۱۸- سهم جمعیت فعال زنان شهری از کل جمعیت فعال شهری بر حسب گروه سنی در دوره ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
زن	۱۱,۳	۱۰,۶	۱۱,۷	۱۵,۸
۱۰-۱۴ ساله	۳۲,۴	۲۱,۳	۲۳,۰	۲۲,۱
۱۵-۱۹ ساله	۱۵,۲	۱۴,۷	۱۳,۸	۱۷,۸
۲۰-۲۴ ساله	۱۵,۸	۱۳,۹	۱۴,۶	۱۹,۶
۲۵-۲۹ ساله	۱۳,۸	۱۲,۳	۱۴,۰	۱۹,۸
۳۰-۳۴ ساله	۱۰,۵	۱۱,۹	۱۲,۳	۱۷,۴
۳۵-۳۹ ساله	۸,۱	۱۰,۱	۱۲,۴	۱۵,۷
۴۰-۴۴ ساله	۶,۳	۷,۴	۱۲,۱	۱۳,۶
۴۵-۴۹ ساله	۵,۹	۴,۸	۹,۷	۱۱,۷
۵۰-۵۴ ساله	۵,۹	۳,۵	۶,۳	۸,۵
۵۵-۵۹ ساله	۵,۳	۳,۴	۳,۹	۵,۷
۶۰-۶۴ ساله	۷,۲	۳,۳	۳,۱	۴,۷
۶۵ ساله و بیشتر	۷,۷	۴,۷	۳,۰	۳,۵
نامشخص		۱۰	۱۳	

جدول ۴-۱۹- جمعیت فعال کل کشور روستایی (مردوزن) بر حسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	متوسط رشد سالانه (درصد)		
					۱۳۶۵-۵۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۸۵-۷۵
مردوزن	۵۴۶۰۴۹۲	۵۷۹۴۲۸۶	۶۳۷۲۷۱۰	۷۵۳۸۱۱۵			
۱۰-۱۴ ساله	۵۱۷۲۱۳	۳۳۹۶۰۱	۲۶۶۵۷۵	۱۷۴۶۱۶	-۲/۴	-۴/۱	-۴/۱
۱۵-۱۹ ساله	۷۹۷۵۹۵	۸۶۸۲۹۴	۸۶۲۶۱۲	۹۰۹۳۹۴	-۰/۱	۰/۹	۰/۵
۲۰-۲۴ ساله	۶۶۵۷۶۶	۸۶۹۲۴۴	۱۰۰۷۳۱۵	۱۴۰۹۲۴۵	۱/۵	۲/۷	۳/۴
۲۵-۲۹ ساله	۵۲۵۶۷۸	۷۲۰۵۵۹	۸۷۷۲۴۷	۱۱۹۲۱۸۷	۲/۰	۳/۲	۳/۱
۳۰-۳۴ ساله	۴۵۰۷۸۱	۵۶۲۹۸۶	۶۸۰۳۹۱	۸۹۹۶۱۹	۱/۹	۲/۲	۲/۸
۳۵-۳۹ ساله	۴۶۹۵۶۲	۴۰۸۸۷۷	۶۰۳۶۸۶	۷۱۳۷۹۷	۴/۰	-۱/۴	۱/۷
۴۰-۴۴ ساله	۵۳۱۹۰۴	۳۴۴۸۹۸	۴۶۱۴۷۹	۵۵۰۷۶۳	۳/۰	-۴/۲	۱/۸
۴۵-۴۹ ساله	۴۵۲۶۴۹	۳۶۸۹۲۷	۳۳۰۹۸۵	۴۷۹۴۸۴	-۱/۱	-۲/۰	۳/۸
۵۰-۵۴ ساله	۴۳۱۸۷۷	۴۱۱۶۰۴	۲۷۰۴۷۹	۳۵۶۲۴۶	-۴/۱	-۰/۵	۲/۸
۵۵-۵۹ ساله	۲۱۲۵۹۵	۳۴۳۲۵۲	۲۷۴۹۲۰	۲۴۳۹۳۱	-۲/۲	۴/۹	-۱/۲
۶۰-۶۴ ساله	۱۵۰۰۴۴	۲۹۹۳۵۸	۲۹۹۰۹۶	۱۹۰۲۹۴	۰/۰	۶/۸	-۴/۴
۶۵ ساله و بیشتر	۲۴۹۸۲۸	۲۵۳۹۹۵	۴۳۶۴۹۳	۴۱۸۵۳۹	۵/۶	۰/۲	-۰/۴
نامشخص	۰	۲۶۹۱	۱۴۳۲	۰	-۶/۱		

جدول ۴-۲۰- جمعیت فعال کل کشور روستایی (مرد) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۱/۶	۰/۵	۱/۵	۶۴۲۸۱۰۲	۵۴۶۸۷۲۸	۵۲۲۷۶۹۱	۴۵۰۰۷۸۴	مردوزن
-۳/۷	-۴/۰	-۳/۳	۱۰۹۴۴۰	۱۵۹۷۹۹	۲۴۱۱۷۵	۳۳۵۸۳۶	۱۴-۱۰ ساله
۰/۷	-۱/۲	۲/۳	۶۹۸۹۳۸	۶۵۱۴۲۷	۷۳۵۰۰۱	۵۸۵۸۷۴	۱۹-۱۵ ساله
۳/۴	۰/۶	۴/۱	۱۱۶۴۴۴۵	۸۳۶۵۹۳	۷۸۴۹۷۷	۵۲۵۱۴۲	۲۴-۲۰ ساله
۲/۸	۱/۴	۴/۴	۱۰۱۵۲۶۷	۷۶۸۹۹۱	۶۶۷۵۵۴	۴۳۴۴۲۴	۲۹-۲۵ ساله
۲/۶	۱/۵	۳/۲	۷۸۷۱۴۴	۶۰۸۹۱۷	۵۲۳۳۹۱	۳۸۰۳۴۹	۳۴-۳۰ ساله
۱/۶	۳/۷	-۰/۶	۶۳۴۸۳۵	۵۴۳۴۱۳	۳۷۷۹۴۵	۴۰۳۳۲۲	۳۹-۳۵ ساله
۱/۸	۲/۶	-۳/۸	۴۹۲۶۶۲	۴۱۳۲۴۹	۳۱۹۲۵۹	۴۶۸۶۵۸	۴۴-۴۰ ساله
۳/۸	-۱/۵	-۱/۶	۴۲۹۱۶۱	۲۹۵۳۳۱	۳۴۲۴۲۳	۴۰۳۱۹۱	۴۹-۴۵ ساله
۲/۶	-۴/۵	-۰/۲	۳۱۶۱۷۹	۲۴۳۵۵۷	۳۸۵۲۵۱	۳۹۱۴۸۵	۵۴-۵۰ ساله
-۱/۵	-۲/۴	۵/۱	۲۱۶۳۲۱	۲۵۲۴۱۰	۳۲۲۸۳۳	۱۹۵۸۸۱	۵۹-۵۵ ساله
-۴/۸	-۰/۲	۷/۱	۱۷۱۲۳۱	۲۷۹۴۷۰	۲۸۴۰۳۷	۱۴۳۲۰۹	۶۴-۶۰ ساله
-۰/۵	۵/۵	۰/۳	۳۹۲۴۷۹	۴۱۳۷۹۷	۲۴۱۵۷۶	۲۳۴۴۱۳	۶۵ ساله و بیشتر
	-۴/۹		۰	۱۳۷۴	۲۲۶۹	۰	نامشخص

جدول ۴-۲۱- جمعیت فعال کل کشور روستایی (زن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۲/۱	۴/۸	-۵/۱	۱۱۱۰۰۱۳	۹۰۳۹۸۲	۵۶۶۵۹۵	۹۵۹۷۰۸	مردوزن
-۴/۸	۰/۸	-۵/۹	۶۵۱۷۶	۱۰۶۷۷۶	۹۸۴۲۶	۱۸۱۳۷۷	۱۴-۱۰ ساله
۰/۰	۴/۷	-۴/۵	۲۱۰۴۵۶	۲۱۱۱۸۵	۱۳۳۲۹۳	۲۱۱۷۲۱	۱۹-۱۵ ساله
۳/۷	۷/۳	-۵/۰	۲۴۴۸۰۰	۱۷۰۷۲۲	۸۴۲۶۷	۱۴۰۶۲۴	۲۴-۲۰ ساله
۵/۰	۷/۴	-۵/۴	۱۷۶۹۲۰	۱۰۸۲۵۶	۵۳۰۰۵	۹۲۲۵۴	۲۹-۲۵ ساله
۴/۶	۶/۱	-۵/۶	۱۱۲۴۷۵	۷۱۴۷۴	۳۹۵۹۵	۷۰۴۳۲	۳۴-۳۰ ساله
۲/۷	۶/۹	-۷/۳	۷۸۹۶۲	۶۰۲۷۳	۳۰۹۳۲	۶۶۲۴۰	۳۹-۳۵ ساله
۱/۹	۶/۵	-۸/۶	۵۸۱۰۱	۴۸۲۳۰	۲۵۶۳۹	۶۳۲۴۶	۴۴-۴۰ ساله
۳/۶	۲/۹	-۶/۰	۵۰۳۲۳	۳۵۲۵۴	۲۶۵۰۴	۴۹۴۵۸	۴۹-۴۵ ساله
۴/۱	۰/۲	-۴/۲	۴۰۰۶۷	۲۶۹۲۲	۲۶۳۵۳	۴۰۳۹۲	۵۴-۵۰ ساله
۲/۱	۱/۰	۲/۰	۲۷۶۱۰	۲۲۵۱۰	۲۰۴۱۹	۱۶۷۱۴	۵۹-۵۵ ساله
-۰/۳	۲/۵	۲/۶	۱۹۰۶۳	۱۹۶۲۶	۱۵۳۲۱	۱۱۸۳۵	۶۴-۶۰ ساله
۱/۴	۶/۲	-۲/۱	۲۶۰۶۰	۲۲۶۹۶	۱۲۴۱۹	۱۵۴۱۵	۶۵ ساله و بیشتر
	-۱۸/۰		۰	۵۸	۴۲۲	۰	نامشخص

جدول ۴-۲۲- سهم جمعیت فعال زنان روستایی از کل جمعیت فعال روستایی بر حسب گروه سنی در دوره ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
زن	۱۷,۶	۹,۸	۱۴,۲	۱۴,۷
۱۰-۱۴ ساله	۳۵,۱	۲۹,۰	۴۰,۱	۳۷,۳
۱۵-۱۹ ساله	۲۶,۵	۱۵,۴	۲۴,۵	۲۳,۱
۲۰-۲۴ ساله	۲۱,۱	۹,۷	۱۶,۹	۱۷,۴
۲۵-۲۹ ساله	۱۷,۵	۷,۴	۱۲,۳	۱۴,۸
۳۰-۳۴ ساله	۱۵,۶	۷,۰	۱۰,۵	۱۲,۵
۳۵-۳۹ ساله	۱۴,۱	۷,۶	۱۰,۰	۱۱,۱
۴۰-۴۴ ساله	۱۱,۹	۷,۴	۱۰,۵	۱۰,۵
۴۵-۴۹ ساله	۱۰,۹	۷,۲	۱۰,۷	۱۰,۵
۵۰-۵۴ ساله	۹,۴	۶,۴	۱۰,۰	۱۱,۲
۵۵-۵۹ ساله	۷,۹	۵,۹	۸,۲	۱۱,۳
۶۰-۶۴ ساله	۷,۶	۴,۱	۶,۶	۱۰,۰
۶۵ ساله و بیشتر	۶,۲	۴,۹	۵,۲	۶,۲
نامشخص		۱۵,۷	۴,۱	

جدول ۴-۲۳- جمعیت بیکار کل کشور (مردوزن) بر حسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	متوسط رشد سالانه (درصد)		
					۱۳۶۵-۵۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۸۵-۷۵
مردوزن	۹۹۶۶۳۶	۱۸۱۸۷۴۰	۱۴۵۵۶۵۱	۲۹۹۲۲۹۸	۶/۲	-۲/۲	۷/۵
۱۰-۱۴ ساله	۱۲۴۰۳۸	۱۹۶۰۷۶	۱۰۳۴۷۴	۷۵۰۷۱	۴/۷	-۶/۲	-۳/۲
۱۵-۱۹ ساله	۱۹۵۰۱۲	۴۸۴۸۹۷	۳۶۵۵۶۹	۶۲۳۴۳۱	۹/۵	-۲/۸	۵/۵
۲۰-۲۴ ساله	۱۵۶۹۳۱	۴۲۴۸۰۴	۳۶۳۰۹۸	۱۰۶۰۰۴۲	۱۰/۵	-۱/۶	۱۱/۳
۲۵-۲۹ ساله	۸۰۶۰۸	۲۱۷۱۱۸	۱۹۸۲۴۵	۶۰۸۲۵۹	۱۰/۴	-۰/۹	۱۱/۹
۳۰-۳۴ ساله	۶۰۶۴۸	۱۰۷۹۴۹	۹۵۸۱۷۸	۲۴۱۵۷۱	۵/۹	-۱/۲	۹/۷
۳۵-۳۹ ساله	۶۵۶۹۹	۶۳۹۹۸	۶۹۷۷۶	۱۳۲۹۴۱	-۰/۳	۰/۹	۶/۷
۴۰-۴۴ ساله	۷۴۸۷۴	۴۶۸۳۵	۴۹۶۲۳	۸۱۸۲۳	-۴/۶	۰/۶	۵/۱
۴۵-۴۹ ساله	۶۷۹۷۲	۴۷۰۱۵	۳۴۷۹۴	۶۲۰۲۱	-۳/۶	-۳/۰	۶/۰
۵۰-۵۴ ساله	۶۵۴۹۲	۵۳۷۵۹	۲۹۲۰۰	۴۱۳۳۶	-۲/۰	-۵/۹	۳/۵
۵۵-۵۹ ساله	۳۳۹۴۲	۵۲۲۴۴	۳۱۲۶۰	۲۵۱۰۰	۴/۴	-۵/۰	-۲/۲
۶۰-۶۴ ساله	۲۵۱۷۶	۵۱۱۰۲	۳۵۴۴۷	۱۴۹۰۸	۷/۳	-۳/۶	-۸/۳
۶۵ ساله و بیشتر	۴۶۲۴۴	۷۲۰۴۶	۷۹۰۵۱	۲۵۷۹۵	۴/۵	۰/۹	-۱۰/۶
نامشخص	۸۹۷	۲۳۶				-۱۲/۵	

جدول ۴-۲۴- جمعیت بیکار کل کشور (مرد) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۶/۱	-۲/۲	۶/۹	۲۱۴۵۰۵۷	۱۱۸۴۰۸۶	۱۴۸۶۱۳۸	۷۵۹۶۵۰	مرد
-۳/۳	-۷/۱	۳/۸	۴۸۳۸۴	۶۷۶۴۴	۱۴۰۷۰۸	۹۷۰۱۹	۱۰-۱۴ ساله
۴/۹	-۳/۱	۹/۶	۴۳۵۸۵۹	۲۷۱۱۱۶	۳۷۲۹۵۹	۱۴۹۱۲۰	۱۵-۱۹ ساله
۱۰/۰	-۱/۵	۱۰/۷	۷۲۹۷۱۶	۲۸۲۵۲۲	۳۲۹۲۰۹	۱۱۹۴۶۹	۲۰-۲۴ ساله
۹/۵	-۱/۰	۱۲/۶	۴۱۳۳۲۷	۱۶۶۸۷۵	۱۸۵۴۳۱	۵۶۷۱۱	۲۵-۲۹ ساله
۷/۸	-۱/۴	۸/۸	۱۷۸۴۶۴	۸۴۱۱۹	۹۷۳۱۴	۴۱۶۸۳	۳۰-۳۴ ساله
۵/۴	۰/۹	۲/۶	۱۰۸۷۰۰	۶۴۱۷۴	۵۸۹۵۰	۴۵۴۴۲	۳۵-۳۹ ساله
۴/۴	۰/۶	-۲/۲	۷۱۶۵۵	۴۶۴۵۷	۲۳۶۶۴	۵۴۶۲۱	۴۰-۴۴ ساله
۵/۷	-۲/۹	-۱/۵	۵۷۱۰۰	۳۲۸۴۲	۴۴۲۳۶	۵۱۲۶۷	۴۵-۴۹ ساله
۳/۵	-۵/۹	-۰/۳	۳۸۹۹۸	۲۷۶۴۴	۵۰۶۵۴	۵۲۳۰۱	۵۰-۵۴ ساله
-۲/۲	-۴/۸	۵/۷	۲۳۹۱۶	۳۰۰۲۵	۴۹۱۴۳	۲۸۲۹۵	۵۵-۵۹ ساله
-۸/۴	-۳/۳	۸/۲	۱۴۲۷۰	۳۴۳۰۰	۴۷۷۶۸	۲۱۸۰۶	۶۰-۶۴ ساله
-۱۰/۷	۱/۵	۴/۶	۲۴۶۶۸	۷۶۱۶۶	۶۵۴۲۸	۴۱۹۱۶	۶۵ ساله و بیشتر
	-۱۱/۴	□		۲۰۲	۶۷۴		نامشخص

جدول ۴-۲۵- جمعیت بیکار کل کشور (زن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۱۲/۱	-۲/۰	۳/۴	۸۶۷۲۴۱	۲۷۱۵۶۵	۳۳۲۶۰۲	۲۳۶۹۸۶	زن
-۲/۹	-۴/۳	۷/۴	۲۶۶۸۷	۳۵۸۳۰	۵۵۳۶۸	۲۷۰۱۹	۱۰-۱۴ ساله
۷/۱	-۱/۷	۹/۳	۱۸۷۵۷۲	۹۴۴۵۳	۱۱۱۹۳۸	۴۵۸۹۲	۱۵-۱۹ ساله
۱۵/۲	-۱/۷	۹/۸	۳۳۰۳۲۶	۸۰۵۷۶	۹۵۵۹۵	۳۷۴۶۲	۲۰-۲۴ ساله
۲۰/۰	-۰/۱	۲/۹	۱۹۴۹۳۲	۳۱۳۷۰	۳۱۶۸۷	۲۳۸۹۷	۲۵-۲۹ ساله
۱۸/۳	۱/۰	-۵/۶	۶۳۱۰۷	۱۱۷۵۹	۱۰۶۳۵	۱۸۹۶۵	۳۰-۳۴ ساله
۱۵/۸	۱/۰	-۱۳/۰	۲۴۲۴۱	۵۶۰۲	۵۰۴۸	۲۰۲۵۷	۳۵-۳۹ ساله
۱۲/۴	۰/۰	-۱۶/۹	۱۰۱۶۸	۳۱۶۶	۳۱۷۱	۲۰۲۵۳	۴۰-۴۴ ساله
۹/۷	-۳/۵	-۱۶/۴	۴۹۲۱	۱۹۵۲	۲۷۷۹	۱۶۷۰۵	۴۵-۴۹ ساله
۴/۲	-۶/۷	-۱۳/۵	۲۳۳۸	۱۵۵۶	۳۱۰۵	۱۳۱۹۱	۵۰-۵۴ ساله
-۰/۴	-۸/۸	-۵/۸	۱۱۸۴	۱۲۳۵	۳۱۰۱	۵۶۴۷	۵۵-۵۹ ساله
-۵/۷	-۱۰/۱	-۰/۱	۶۳۸	۱۱۴۷	۳۳۳۴	۳۳۷۰	۶۰-۶۴ ساله
-۹/۰	-۸/۰	۴/۳	۱۱۲۷	۲۸۸۵	۶۶۱۸	۴۳۲۸	۶۵ ساله و بیشتر
	-۱۷/۱		۰	۳۴	۲۲۳	۰	نامشخص

جدول ۴-۲۶- جمعیت بیکار کل کشور شهری (مردوزن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۸/۲	-۲/۲	۱۷/۰	۱۸۸۳۶۸۶	۸۵۵۰۹۰	۱۰۷۲۹۷۴	۲۲۲۹۲۸	مردوزن
-۲/۱	-۷/۲	۱۱/۴	۲۲۷۸۳	۲۸۲۱۶	۵۹۶۲۴	۲۰۲۱۴	۱۴-۱۰ ساله
۶/۶	-۳/۲	۱۳/۹	۳۳۷۰۳۵	۱۷۷۸۳۸	۲۴۷۲۶۴	۶۷۳۴۰	۱۹-۱۵ ساله
۱۲/۶	-۲/۸	۱۵/۰	۶۹۸۳۶۳	۲۱۳۶۵۵	۲۸۴۶۷۳	۷۰۱۸۵	۲۴-۲۰ ساله
۱۲/۱	-۱/۴	۲۳/۳	۴۱۲۶۵۹	۱۳۱۱۶۶	۱۵۱۶۹۷	۱۸۷۰۳	۲۹-۲۵ ساله
۸/۹	-۱/۰	۲۵/۹	۱۵۷۲۳۸	۶۶۷۶۱	۷۴۰۷۷	۷۳۸۷	۳۴-۳۰ ساله
۶/۰	۱/۳	۲۲/۹	۸۸۱۸۳	۴۹۲۲۰	۴۳۲۱۳	۵۵۱۵	۳۹-۳۵ ساله
۴/۵	۱/۴	۱۷/۸	۵۵۶۶۱	۳۵۹۵۲	۳۱۲۹۶	۶۰۵۸	۴۴-۴۰ ساله
۵/۰	-۲/۰	۱۸/۴	۴۱۶۱۱	۲۵۴۵۹	۳۱۱۳۲	۵۷۵۳	۴۹-۴۵ ساله
۲/۴	-۴/۶	۱۸/۵	۲۷۸۹۸	۲۱۹۲۲	۳۵۱۸۹	۶۴۷۰	۵۴-۵۰ ساله
-۳/۳	-۳/۹	۲۳/۶	۱۶۵۷۰	۲۳۱۱۵	۳۴۳۸۴	۴۱۲۲	۵۹-۵۵ ساله
-۹/۳	-۲/۷	۲۵/۷	۹۶۷۵	۲۵۶۷۴	۳۳۶۱۷	۳۴۱۸	۶۴-۶۰ ساله
-۱۱/۸	۱/۹	۱۹/۶	۱۶۰۱۰	۵۵۹۰۳	۴۶۴۲۲	۷۷۶۳	۶۵ ساله و بیشتر
	-۶/۰			۲۰۹	۳۸۶		نامشخص

جدول ۴-۲۷- جمعیت بیکار کل کشور شهری (مرد) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۶/۳	-۱/۸	۱۶/۰	۱۳۱۷۷۴۹	۷۱۳۴۹۶	۸۵۶۵۰۷	۱۹۳۶۳۷	مرد
-۲/۳	-۶/۸	۹/۲	۱۶۶۹۹	۲۱۰۶۴	۴۲۷۴۲	۱۷۷۰۵	۱۴-۱۰ ساله
۵/۸	-۲/۸	۱۱/۷	۲۳۴۴۴۴	۱۳۲۸۰۷	۱۷۵۵۳۶	۵۸۲۸۶	۱۹-۱۵ ساله
۱۰/۹	-۲/۳	۱۳/۱	۴۶۴۵۰۱	۱۶۵۲۹۴	۲۰۷۶۰۸	۶۰۳۹۷	۲۴-۲۰ ساله
۹/۲	-۱/۳	۲۲/۷	۲۶۷۳۳۹	۱۱۰۴۴۱	۱۲۵۴۵۵	۱۶۲۱۴	۲۹-۲۵ ساله
۶/۷	-۱/۲	۲۶/۵	۱۱۱۹۶۸	۵۸۴۳۰	۶۵۷۹۵	۶۲۵۹	۳۴-۳۰ ساله
۴/۵	۱/۴	۲۳/۹	۷۰۲۵۸	۴۵۱۹۷	۳۹۴۷۹	۴۶۱۷	۳۹-۳۵ ساله
۳/۶	۱/۴	۱۹/۲	۴۷۷۶۲	۳۳۶۵۲	۲۹۲۰۰	۵۰۶۱	۴۴-۴۰ ساله
۴/۶	-۲/۰	۱۹/۴	۳۷۸۸۵	۲۴۰۸۳	۲۹۴۷۰	۴۹۹۵	۴۹-۴۵ ساله
۲/۴	-۴/۶	۱۹/۱	۲۶۲۸۳	۲۰۷۹۸	۳۳۳۷۹	۵۸۱۱	۵۴-۵۰ ساله
-۳/۳	-۳/۸	۲۳/۹	۱۵۸۷۹	۲۲۲۷۷	۳۲۶۸۱	۳۸۲۰	۵۹-۵۵ ساله
-۹/۴	-۲/۴	۲۶/۰	۹۳۲۰	۲۴۹۷۷	۳۱۹۴۳	۳۱۵۹	۶۴-۶۰ ساله
-۱۱/۸	۲/۴	۱۹/۴	۱۵۴۱۱	۵۴۳۰۰	۴۲۹۰۷	۷۳۱۳	۶۵ ساله و بیشتر
	-۵/۳	□		۱۷۶	۳۰۵		نامشخص

جدول ۴-۲۸- جمعیت بیکار کل کشور شهری (زن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۱۴/۹	-۴/۲	۲۲/۱	۵۶۵۹۳۷	۱۴۱۵۹۴	۲۱۶۴۶۷	۲۹۲۹۱	زن
-۱/۶	-۸/۲	۲۱/۰	۶۰۸۴	۷۱۵۲	۱۶۸۸۲	۲۵۰۹	۱۴-۱۰ ساله
۸/۶	-۴/۵	۲۳/۰	۱۰۲۵۹۱	۴۵۰۳۱	۷۱۷۲۸	۹۰۵۴	۱۹-۱۵ ساله
۱۷/۱	-۴/۶	۲۲/۹	۲۳۳۸۶۲	۴۸۳۶۱	۷۷۰۶۵	۹۷۸۸	۲۴-۲۰ ساله
۲۱/۵	-۲/۳	۲۶/۶	۱۴۵۳۲۰	۲۰۷۲۵	۲۶۲۴۲	۲۴۸۹	۲۹-۲۵ ساله
۱۸/۴	۰/۱	۲۲/۱	۴۵۲۷۰	۸۳۳۱	۸۲۸۲	۱۱۲۸	۳۴-۳۰ ساله
۱۶/۱	۰/۷	۱۵/۳	۱۷۹۲۵	۴۰۲۳	۳۷۳۴	۸۹۸	۳۹-۳۵ ساله
۱۳/۱	۰/۹	۷/۷	۷۸۹۹	۲۳۰۰	۲۰۹۶	۹۹۷	۴۴-۴۰ ساله
۱۰/۵	-۱/۹	۸/۲	۳۷۲۶	۱۳۷۶	۱۶۶۲	۷۵۸	۴۹-۴۵ ساله
۳/۷	-۴/۷	۱۰/۶	۱۶۱۵	۱۱۲۴	۱۸۱۰	۶۵۹	۵۴-۵۰ ساله
-۱/۹	-۶/۸	۱۸/۸	۶۹۱	۸۳۸	۱۶۹۶	۳۰۲	۵۹-۵۵ ساله
-۶/۵	-۸/۴	۲۰/۵	۳۵۵	۶۹۷	۱۶۷۴	۲۵۹	۶۴-۶۰ ساله
-۹/۴	-۷/۶	۲۲/۸	۵۹۹	۱۶۰۳	۳۵۱۵	۴۵۰	۶۵ ساله و بیشتر
	-۸/۶		۰	۳۳	۸۱	۰	نامشخص

جدول ۴-۲۹- جمعیت بیکار کل کشور روستایی (مردوزن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۶/۳	-۲/۱	-۰/۴	۱۱۰۸۶۱۲	۶۰۰۵۶۱	۷۴۵۷۶۶	۷۷۳۷۰۸	مردوزن
-۳/۶	-۵/۸	۲/۸	۵۲۲۸۸	۷۵۲۵۸	۱۳۶۴۵۲	۱۰۳۸۲۴	۱۴-۱۰ ساله
۴/۳	-۲/۳	۶/۴	۲۸۶۳۹۶	۱۸۷۷۳۱	۲۳۷۶۳۳	۱۲۷۶۷۲	۱۹-۱۵ ساله
۹/۲	۰/۶	۴/۹	۳۶۱۶۷۹	۱۴۹۴۴۳	۱۴۰۱۳۱	۸۶۷۴۶	۲۴-۲۰ ساله
۱۱/۳	۰/۳	۰/۶	۱۹۵۶۰۰	۶۷۰۷۹	۶۵۴۲۱	۶۱۹۰۵	۲۹-۲۵ ساله
۱۱/۲	-۱/۵	-۴/۴	۸۴۳۳۳	۲۹۱۱۷	۳۳۸۷۲	۵۳۲۶۱	۳۴-۳۰ ساله
۸/۱	-۰/۱	-۱۰/۱	۴۴۷۵۸	۲۰۵۵۶	۲۰۷۸۵	۶۰۱۸۴	۳۹-۳۵ ساله
۶/۷	-۱/۳	-۱۳/۸	۲۶۱۶۲	۱۳۶۷۱	۱۵۵۳۹	۶۸۸۱۶	۴۴-۴۰ ساله
۸/۱	-۵/۲	-۱۲/۸	۲۰۴۱۰	۹۳۳۵	۱۵۸۸۳	۶۲۲۱۹	۴۹-۴۵ ساله
۶/۳	-۸/۹	-۱۰/۹	۱۳۴۳۸	۷۲۷۸	۱۸۵۷۰	۵۹۰۲۲	۵۴-۵۰ ساله
۰/۵	-۷/۶	-۵/۰	۸۵۳۰	۸۱۴۵	۱۷۸۶۰	۲۹۸۲۰	۵۹-۵۵ ساله
-۶/۱	-۵/۷	-۲/۲	۵۲۳۳	۹۷۷۳	۱۷۴۸۵	۲۱۷۵۸	۶۴-۶۰ ساله
-۸/۳	-۱/۰	-۴/۰	۹۷۸۵	۲۳۱۴۸	۲۵۶۲۴	۳۸۴۸۱	۶۵ ساله و بیشتر
	-۲۵/۵		۰	۲۷	۵۱۱	۰	نامشخص

جدول ۴-۳۰- جمعیت بیکار کل کشور روستایی (مرد) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۵/۸	-۲/۹	۱/۱	۸۲۷۳۰۸	۴۷۰۵۹۰	۶۲۹۶۳۱	۵۶۶۰۱۳	مرد
-۳/۸	-۷/۲	۲/۱	۳۱۶۸۵	۴۶۵۸۰	۹۷۹۶۶	۷۹۳۱۴	ساله ۱۴-۱۰
۳/۸	-۳/۵	۸/۱	۲۰۱۴۱۵	۱۳۸۳۰۹	۱۹۷۴۲۳	۹۰۸۳۴	ساله ۱۹-۱۵
۸/۵	-۰/۴	۷/۵	۲۶۵۲۱۵	۱۱۷۲۲۸	۱۲۱۶۰۱	۵۹۰۷۲	ساله ۲۴-۲۰
۱۰/۰	-۰/۶	۴/۰	۱۴۵۹۸۸	۵۶۴۳۴	۵۹۹۷۶	۴۰۴۹۷	ساله ۲۹-۲۵
۱۰/۰	-۲/۰	-۱/۲	۶۶۴۹۶	۲۵۶۸۹	۳۱۵۱۹	۳۵۴۲۴	ساله ۳۴-۳۰
۷/۳	-۰/۳	-۷/۱	۳۸۴۴۲	۱۸۹۷۷	۱۹۴۷۱	۴۰۸۲۵	ساله ۳۹-۳۵
۶/۴	-۱/۲	-۱۱/۶	۲۳۸۹۳	۱۲۸۰۵	۱۴۴۶۴	۴۹۵۶۰	ساله ۴۴-۴۰
۸/۲	-۵/۱	-۱۰/۸	۱۹۲۱۵	۸۷۵۹	۱۴۷۶۶	۴۶۲۷۲	ساله ۴۹-۴۵
۶/۴	-۸/۸	-۹/۴	۱۲۷۱۵	۶۸۴۶	۱۷۲۷۵	۴۶۴۹۰	ساله ۵۴-۵۰
۰/۴	-۷/۳	-۳/۹	۸۰۳۷	۷۷۴۸	۱۶۴۵۵	۲۴۴۷۵	ساله ۵۹-۵۵
-۶/۱	-۵/۲	-۱/۶	۴۹۵۰	۹۳۲۳	۱۵۸۲۵	۱۸۶۴۷	ساله ۶۴-۶۰
-۸/۲	-۰/۳	-۴/۲	۹۲۵۷	۲۱۸۶۶	۲۲۵۲۱	۳۴۶۰۳	ساله ۶۵ و بیشتر
	-۲۳/۳		۰	۲۶	۳۶۹	۰	نامشخص

جدول ۴-۳۱- جمعیت بیکار کل کشور روستایی (زن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

متوسط رشد سالانه (درصد)			۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	سال
۱۳۸۵-۷۵	۱۳۷۵-۶۵	۱۳۶۵-۵۵					
۸/۰	۱/۱	-۵/۶	۲۸۱۳۰۴	۱۲۹۹۷۱	۱۱۶۱۳۵	۲۰۷۶۹۵	زن
-۳/۳	-۲/۹	۴/۶	۲۰۶۰۳	۲۸۶۷۸	۳۸۴۸۶	۲۴۵۱۰	ساله ۱۴-۱۰
۵/۶	۲/۱	۰/۹	۸۴۹۸۱	۴۹۴۲۲	۴۰۲۱۰	۳۶۸۳۸	ساله ۱۹-۱۵
۱۱/۶	۵/۷	-۳/۹	۹۶۴۶۴	۳۲۲۱۵	۱۸۵۳۰	۲۷۶۷۴	ساله ۲۴-۲۰
۱۶/۶	۶/۹	-۱۲/۸	۴۹۶۱۲	۱۰۶۴۵	۵۴۴۵	۲۱۴۰۸	ساله ۲۹-۲۵
۱۷/۹	۳/۸	-۱۸/۳	۱۷۸۳۷	۳۴۲۸	۲۳۵۳	۱۷۸۳۷	ساله ۳۴-۳۰
۱۴/۹	۱/۹	-۲۳/۶	۶۳۱۶	۱۵۷۹	۱۳۱۴	۱۹۳۵۹	ساله ۳۹-۳۵
۱۰/۱	-۲/۱	-۲۵/۱	۲۲۶۹	۸۶۶	۱۰۷۵	۱۹۲۵۶	ساله ۴۴-۴۰
۷/۶	-۶/۴	-۲۳/۳	۱۱۹۵	۵۷۶	۱۱۱۷	۱۵۹۴۷	ساله ۴۹-۴۵
۵/۳	-۱۰/۴	-۲۰/۳	۷۲۳	۴۳۲	۱۲۹۵	۱۲۵۳۲	ساله ۵۴-۵۰
۲/۲	-۱۱/۹	-۱۲/۵	۴۹۳	۳۹۷	۱۴۰۵	۵۳۴۵	ساله ۵۹-۵۵
-۴/۵	-۱۲/۲	-۶/۱	۲۸۳	۴۵۰	۱۶۶۰	۳۱۱۱	ساله ۶۴-۶۰
-۸/۵	-۸/۵	-۲/۲	۵۲۸	۱۲۸۲	۳۱۰۳	۳۸۷۸	ساله ۶۵ و بیشتر
	-۳۹/۱		۰	۱	۱۴۲	۰	نامشخص

جدول ۴-۳۲- نرخ بیکاری کل کشور (مردوزن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

درصد

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مردوزن	۱۰/۲	۱۴/۲	۹/۱	۱۲/۸
۱۰-۱۴ ساله	۱۹/۵	۴۱/۱	۲۸/۱	۲۸/۸
۱۵-۱۹ ساله	۱۵/۶	۳۰/۷	۲۳/۶	۳۲/۹
۲۰-۲۴ ساله	۱۱/۱	۲۰/۵	۱۶/۲	۲۶/۴
۲۵-۲۹ ساله	۷/۰	۱۱/۲	۸/۰	۱۴/۹
۳۰-۳۴ ساله	۶/۴	۶/۸	۴/۴	۷/۵
۳۵-۳۹ ساله	۷/۲	۵/۸	۳/۵	۴/۷
۴۰-۴۴ ساله	۷/۸	۵/۴	۳/۲	۳/۷
۴۵-۴۹ ساله	۸/۶	۵/۸	۳/۴	۳/۴
۵۰-۵۴ ساله	۸/۹	۶/۶	۴/۱	۳/۵
۵۵-۵۹ ساله	۹/۲	۸/۳	۵/۱	۳/۶
۶۰-۶۴ ساله	۱۰/۰	۹/۸	۶/۱	۳/۳
۶۵ ساله و بیشتر	۱۲/۳	۱۶/۸	۱۰/۱	۳/۲
نامشخص	□	۱۹/۲	۲/۹	□

جدول ۴-۳۳- نرخ بیکاری کل کشور (مرد) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مرد	۹/۱	۱۲/۹	۸/۵	۱۰/۸
۱۰-۱۴ ساله	۲۳/۳	۴۰/۳	۲۸/۴	۲۷/۵
۱۵-۱۹ ساله	۱۵/۴	۲۷/۸	۲۱/۸	۲۸/۹
۲۰-۲۴ ساله	۱۰/۳	۱۸/۱	۱۴/۹	۲۲/۴
۲۵-۲۹ ساله	۵/۹	۱۰/۷	۷/۸	۱۲/۴
۳۰-۳۴ ساله	۵/۱	۶/۸	۴/۴	۶/۶
۳۵-۳۹ ساله	۵/۶	۵/۸	۳/۷	۴/۵
۴۰-۴۴ ساله	۶/۲	۵/۵	۳/۴	۳/۷
۴۵-۴۹ ساله	۷/۱	۵/۸	۳/۶	۳/۶
۵۰-۵۴ ساله	۷/۷	۶/۶	۴/۲	۳/۶
۵۵-۵۹ ساله	۸/۳	۸/۲	۵/۲	۳/۷
۶۰-۶۴ ساله	۹/۴	۹/۶	۶/۲	۳/۴
۶۵ ساله و بیشتر	۱۱/۹	۱۶/۰	۱۰/۱	۳/۲
نامشخص		۱۶/۶	۲/۸	

جدول ۴-۳۴- نرخ بیکاری کل کشور (زن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
زن	۱۶/۴	۲۵/۴	۱۳/۳	۲۳/۳
ساله ۱۴-۱۰	۱۲/۳	۴۳/۴	۲۷/۵	۳۱/۷
ساله ۱۹-۱۵	۱۶/۴	۴۷/۰	۳۰/۹	۴۸/۶
ساله ۲۴-۲۰	۱۴/۴	۳۸/۱	۲۲/۹	۴۳/۷
ساله ۲۹-۲۵	۱۳/۵	۱۵/۷	۹/۵	۲۶/۰
ساله ۳۴-۳۰	۱۵/۵	۶/۶	۴/۶	۱۲/۲
ساله ۳۹-۳۵	۱۹/۸	۵/۰	۲/۴	۶/۰
ساله ۴۴-۴۰	۲۲/۳	۵/۰	۱/۸	۳/۵
ساله ۴۹-۴۵	۲۴/۰	۵/۸	۱/۹	۲/۴
ساله ۵۴-۵۰	۲۲/۷	۷/۷	۲/۸	۲/۱
ساله ۵۹-۵۵	۲۲/۷	۱۰/۳	۳/۴	۲/۲
ساله ۶۴-۶۰	۱۸/۰	۱۴/۷	۴/۱	۲/۰
۶۵ ساله و بیشتر	۱۷/۲	۳۲/۲	۸/۷	۲/۸
نامشخص		۳۶/۰	۳/۸	

جدول ۴-۳۵- نرخ بیکاری کل کشور شهری (مردوزن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مردوزن	۵/۱	۱۵/۳	۸/۹	۱۱/۸
ساله ۱۴-۱۰	۱۷/۱	۴۳/۴	۲۷/۸	۲۶/۶
ساله ۱۹-۱۵	۱۴/۹	۳۴/۸	۲۶/۰	۳۴/۲
ساله ۲۴-۲۰	۹/۳	۲۳/۸	۱۷/۳	۲۶/۸
ساله ۲۹-۲۵	۳/۰	۱۲/۵	۸/۳	۱۴/۳
ساله ۳۴-۳۰	۱/۵	۷/۲	۴/۵	۶/۷
ساله ۳۹-۳۵	۱/۲	۶/۲	۳/۶	۴/۲
ساله ۴۴-۴۰	۱/۴	۶/۰	۳/۳	۳/۳
ساله ۴۹-۴۵	۱/۷	۷/۰	۳/۷	۳/۱
ساله ۵۴-۵۰	۲/۱	۸/۹	۴/۹	۳/۴
ساله ۵۹-۵۵	۲/۷	۱۱/۹	۶/۷	۳/۷
ساله ۶۴-۶۰	۳/۶	۱۵/۲	۹/۱	۳/۷
۶۵ ساله و بیشتر	۶/۱	۲۶/۶	۱۶/۱	۴/۱
نامشخص		۱۹/۴	۳/۲	

جدول ۴-۳۶- نرخ بیکاری کل کشور شهری (مرد) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مرد	۵/۰	۱۳/۶	۸/۴	۹/۸
ساله ۱۴-۱۰	۲۲/۱	۳۹/۵	۲۷/۰	۲۵/۰
ساله ۱۹-۱۵	۱۵/۲	۲۹/۰	۲۲/۵	۲۸/۹
ساله ۲۴-۲۰	۹/۵	۲۰/۱	۱۵/۷	۲۲/۲
ساله ۲۹-۲۵	۳/۰	۱۱/۸	۸/۱	۱۱/۶
ساله ۳۴-۳۰	۱/۴	۷/۳	۴/۵	۵/۸
ساله ۳۹-۳۵	۱/۱	۶/۳	۳/۸	۴/۰
ساله ۴۴-۴۰	۱/۲	۶/۱	۳/۶	۳/۳
ساله ۴۹-۴۵	۱/۶	۷/۰	۳/۹	۳/۲
ساله ۵۴-۵۰	۲/۰	۸/۷	۵/۰	۳/۵
ساله ۵۹-۵۵	۲/۶	۱۱/۷	۶/۸	۳/۸
ساله ۶۴-۶۰	۳/۶	۱۵/۰	۹/۲	۳/۷
۶۵ ساله و بیشتر	۶/۲	۲۵/۸	۱۶/۱	۴/۱
نامشخص		۱۷/۰	۳/۰	

جدول ۴-۳۷- نرخ بیکاری کل کشور شهری (زن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
زن	۶/۰	۲۹/۲	۱۲/۵	۲۲/۵
ساله ۱۴-۱۰	۶/۵	۵۷/۷	۳۰/۷	۳۲/۲
ساله ۱۹-۱۵	۱۳/۲	۶۸/۴	۴۷/۷	۵۸/۶
ساله ۲۴-۲۰	۸/۲	۴۶/۲	۲۶/۸	۴۵/۷
ساله ۲۹-۲۵	۲/۹	۱۷/۶	۹/۳	۲۵/۴
ساله ۳۴-۳۰	۲/۲	۶/۸	۴/۶	۱۱/۲
ساله ۳۹-۳۵	۲/۵	۵/۳	۲/۴	۵/۵
ساله ۴۴-۴۰	۳/۶	۵/۵	۱/۸	۳/۴
ساله ۴۹-۴۵	۳/۸	۷/۹	۲/۱	۲/۴
ساله ۵۴-۵۰	۳/۷	۱۲/۹	۴/۰	۲/۳
ساله ۵۹-۵۵	۳/۷	۱۷/۵	۶/۳	۲/۷
ساله ۶۴-۶۰	۳/۸	۲۳/۰	۸/۱	۲/۹
۶۵ ساله و بیشتر	۴/۶	۴۳/۱	۱۵/۲	۴/۴
نامشخص		۴۰/۹	۳/۹	

جدول ۴-۳۸- نرخ بیکاری کل کشور روستایی (مرد و زن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مردوزن	۱۴/۲	۱۲/۹	۹/۴	۱۴/۷
ساله ۱۴-۱۰	۲۰/۱	۴۰/۲	۲۸/۲	۲۹/۹
ساله ۱۹-۱۵	۱۶/۰	۲۷/۴	۲۱/۸	۳۱/۵
ساله ۲۴-۲۰	۱۳/۰	۱۶/۱	۱۴/۸	۲۵/۷
ساله ۲۹-۲۵	۱۱/۸	۹/۱	۷/۶	۱۶/۴
ساله ۳۴-۳۰	۱۱/۸	۶/۰	۴/۳	۹/۴
ساله ۳۹-۳۵	۱۲/۸	۵/۱	۳/۴	۶/۳
ساله ۴۴-۴۰	۱۲/۹	۴/۵	۳/۰	۴/۸
ساله ۴۹-۴۵	۱۳/۷	۴/۳	۲/۸	۴/۳
ساله ۵۴-۵۰	۱۳/۷	۴/۵	۲/۷	۳/۸
ساله ۵۹-۵۵	۱۴/۰	۵/۲	۳/۰	۳/۵
ساله ۶۴-۶۰	۱۴/۰	۵/۸	۳/۳	۲/۷
۶۵ ساله و بیشتر	۱۵/۴	۱۰/۱	۵/۳	۲/۳
نامشخص		۱۹/۰	۱/۹	

جدول ۴-۳۹- نرخ بیکاری کل کشور روستایی (مرد) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مرد	۱۲/۶	۱۲/۰	۸/۶	۱۲/۹
ساله ۱۴-۱۰	۲۳/۶	۴۰/۶	۲۹/۱	۲۹/۰
ساله ۱۹-۱۵	۱۵/۵	۲۶/۹	۲۱/۲	۲۸/۸
ساله ۲۴-۲۰	۱۱/۲	۱۵/۵	۱۴/۰	۲۲/۸
ساله ۲۹-۲۵	۹/۳	۹/۰	۷/۳	۱۴/۴
ساله ۳۴-۳۰	۹/۳	۶/۰	۴/۲	۸/۴
ساله ۳۹-۳۵	۱۰/۱	۵/۲	۳/۵	۶/۱
ساله ۴۴-۴۰	۱۰/۶	۴/۵	۳/۱	۴/۸
ساله ۴۹-۴۵	۱۱/۵	۴/۳	۳/۰	۴/۵
ساله ۵۴-۵۰	۱۱/۹	۴/۵	۲/۸	۴/۰
ساله ۵۹-۵۵	۱۲/۵	۵/۱	۳/۱	۳/۷
ساله ۶۴-۶۰	۱۳/۰	۵/۶	۳/۳	۲/۹
۶۵ ساله و بیشتر	۱۴/۸	۹/۳	۵/۳	۲/۴
نامشخص	□	۱۶/۳	۱/۹	□

جدول ۴-۴۰- نرخ بیکاری کل کشور روستایی (زن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
زن	۲۱/۶	۲۰/۵	۱۴/۴	۲۵/۳
۱۰-۱۴ ساله	۱۳/۵	۳۹/۱	۲۶/۹	۳۱/۶
۱۵-۱۹ ساله	۱۷/۴	۳۰/۲	۲۳/۴	۴۰/۴
۲۰-۲۴ ساله	۱۹/۷	۲۲/۰	۱۸/۹	۳۹/۴
۲۵-۲۹ ساله	۲۳/۲	۱۰/۳	۹/۸	۲۸/۰
۳۰-۳۴ ساله	۲۵/۳	۵/۹	۴/۸	۱۵/۹
۳۵-۳۹ ساله	۲۹/۲	۴/۲	۲/۶	۸/۰
۴۰-۴۴ ساله	۳۰/۴	۴/۲	۱/۸	۳/۹
۴۵-۴۹ ساله	۳۲/۲	۴/۲	۱/۶	۲/۴
۵۰-۵۴ ساله	۳۱/۰	۴/۹	۱/۶	۱/۸
۵۵-۵۹ ساله	۳۲/۰	۶/۹	۱/۸	۱/۸
۶۰-۶۴ ساله	۲۶/۳	۱۰/۸	۲/۳	۱/۵
۶۵ ساله و بیشتر	۲۵/۲	۲۵/۰	۵/۶	۲/۰
نامشخص		۳۳/۶	۱/۷	

جدول ۴- ۴۱- جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر برحسب وضع فعالیت به تفکیک استان در سال ۱۳۸۵

کل کشور						عنوان
نرخ بیکاری	نرخ مشارکت	جمعیت فعال			جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	
		بیکار	شاغل	جمع		
۱۲,۸	۳۹,۴	۲۹۹۲۲۹۸	۲۰,۴۷۶۳۹۵	۲۳,۴۶۸۶۹۳	۵۹۵۲۲۷۴۷	جمع
۹,۶	۴۱,۴	۱۲۲۸۰۲	۱۱۵۵۲۲۲	۱۲۷۸۰۲۴	۳۰,۸۳۸۸۶	استان آذربایجان شرقی
۸,۹	۳۹,۳	۸۳۲۴۲	۸۵۶۶۴۸	۹۳۹۸۹۰	۲۳,۸۹۹۳۱	استان آذربایجان غربی
۱۱,۴	۳۹,۳	۴۶۳۴۹	۳۶۱۸۰۷	۴۰,۸۱۵۶	۱۰,۳۸۹۲۴	استان اردبیل
۱۰,۵	۴۰,۰	۱۶۵۵۰۱	۱۴۰,۳۸۲۸	۱۵۶,۹۳۲۹	۳۹,۲۴۳۲۳	استان اصفهان
۲۷,۲	۳۹,۱	۴۹۴۶۰	۱۳۲۴۹۰	۱۸۱۹۵۰	۴۶,۴۹۱۵	استان ایلام
۹,۰	۴۰,۰	۲۶۷۵۴	۲۶۹۴۹۰	۲۹۶۲۴۴	۷۴,۱۱۹۰	استان بوشهر
۸,۴	۴۰,۵	۳۹۴۲۸۳	۴۲۹۷۰۴۲	۴۶۹۱۳۲۵	۱۱۵,۸۲۴۶۷	استان تهران
۱۸,۰	۳۹,۹	۵۱۴۴۶	۲۳۴۲۹۳	۲۸۵۷۳۹	۷۱,۶۷۹۹	استان چهارمحال و بختیاری
۱۶,۳	۴۴,۳	۳۷۵۸۴	۱۹۳۳۶۲	۲۳۰,۹۴۶	۵۲۱,۱۸۲	استان خراسان جنوبی
۸,۲	۴۰,۹	۱۵۶۳۱۵	۱۷۳۹۵۰۵	۱۸۹,۵۸۲۰	۴۶,۳۵۴۸۷	استان خراسان رضوی
۸,۰	۴۱,۷	۲۲۱۸۶	۲۵۶۴۸۲	۲۷۸,۶۶۸	۶۶۷,۸۲۴	استان خراسان شمالی
۱۹,۳	۳۴,۸	۲۳۷۳۰۸	۹۹۲۰۳۶	۱۲۲,۹۳۴۴	۳۵۳,۰۶۴	استان خوزستان
۹,۴	۴۰,۷	۳۱۲۸۰	۳۰,۲۷۰۶	۳۳,۳۹۸۶	۸۲,۰۰۳۶	استان زنجان
۸,۴	۳۸,۲	۱۶۲۲۲	۱۷۶۶۹۳	۱۹۲,۹۱۵	۵۰,۴۵۱۴	استان سمنان
۳۱,۵	۳۵,۰	۱۹۶۳۷۹	۴۲۶۶۹۴	۶۲۳,۰۷۳	۱۷۸,۰۵۶۵	استان سیستان و بلوچستان
۱۱,۳	۳۷,۳	۱۵۵۵۱۱	۱۲۲۵۲۸۶	۱۳۸,۰۷۹۷	۳۷,۰۶۶۷۰	استان فارس
۱۰,۸	۳۷,۵	۳۹۴۵۸	۳۲۵۵۶۶	۳۶۵,۰۲۴	۹۷۳,۵۱۵	استان قزوین
۸,۱	۳۶,۴	۲۵۶۱۵	۲۹۱۵۴۱	۳۱۷,۱۵۶	۸۷,۰۳۷۴	استان قم
۲۰,۲	۴۰,۳	۹۹۳۶۰	۳۹۲۵۹۵	۴۹۱,۹۵۵	۱۲۲,۰۳۹۲	استان کردستان
۲۱,۰	۴۰,۱	۱۸۴۳۶۵	۶۹۱۶۰۱	۸۷۵,۹۶۶	۲۱۸,۳۷۹۰	استان کرمان
۲۳,۲	۳۸,۲	۱۴۳۲۸۶	۴۷۳۶۶۰	۶۱۶,۹۴۶	۱۶۱,۳۶۴۹	استان کرمانشاه
۱۹,۶	۳۳,۳	۳۴۳۳۷	۱۴۰,۴۹۴	۱۷۴,۸۳۱	۵۲,۴۷۱۷	استان کهگیلویه و بویراحمد
۱۲,۴	۴۱,۲	۶۸۹۰۵	۴۸۷۳۰۴	۵۵۶,۲۰۹	۱۳,۴۹۶۲۳	استان گلستان
۱۴,۹	۴۱,۴	۱۳۰,۱۳۸	۷۴۰,۷۲۲	۸۷۰,۸۶۰	۲۱۰,۳۱۴۷	استان گیلان
۲۹,۱	۴۰,۲	۱۶۹۸۹۳	۴۱۴,۳۷۷	۵۸۴,۲۷۰	۱۴۵,۳۰۱۹	استان لرستان
۱۰,۹	۴۰,۰	۱۱۰,۱۷۱	۹۰,۵۰۴۴	۱۰۱,۵۲۱۵	۲۵۳,۷۲۱۳	استان مازندران
۱۰,۴	۳۸,۰	۴۵۶۹۸	۳۹۵,۴۵۸	۴۴۱,۱۵۶	۱۱۶,۰۶۶۶	استان مرکزی
۱۲,۲	۳۷,۱	۵۰,۹۱۷	۳۶۷,۶۸۹	۴۱۸,۶۰۶	۱۱۲,۷۸۷۴	استان هرمزگان
۱۲,۳	۳۸,۵	۶۹۱۰۶	۴۹۴,۲۵۰	۵۶۳,۳۵۶	۱۴۶,۳۵۸۶	استان همدان
۷,۹	۴۳,۴	۲۸۴۲۷	۳۳۲,۵۱۰	۳۶,۰۹۳۷	۸۳,۲۴۰۵	استان یزد

جدول ۴-۴۲- توزیع جمعیت ۱۰ساله و بیشتر برحسب وضع فعالیت به تفکیک استان در سال ۱۳۸۵

کل کشور							عنوان
اظهارنشده	سایر	خانه دار	دارای درآمدبدون کار	محصل	جمعیت فعال	جمعیت ۱۰ساله و بیشتر	
۰,۹	۵,۷	۲۷,۰	۵,۰	۲۲,۰	۳۹,۴	۱۰۰,۰	جمع
۱,۲	۴,۶	۲۸,۲	۴,۴	۲۰,۲	۴۱,۴	۱۰۰,۰	استان آذربایجان شرقی
۱,۳	۵,۰	۳۱,۰	۳,۲	۲۰,۲	۳۹,۳	۱۰۰,۰	استان آذربایجان غربی
۰,۵	۵,۸	۲۶,۶	۴,۰	۲۳,۸	۳۹,۳	۱۰۰,۰	استان اردبیل
۰,۶	۴,۸	۲۷,۲	۶,۰	۲۱,۴	۴۰,۰	۱۰۰,۰	استان اصفهان
۱,۲	۷,۰	۲۲,۴	۴,۳	۲۵,۹	۳۹,۱	۱۰۰,۰	استان ایلام
۱,۵	۶,۲	۲۶,۰	۴,۱	۲۲,۳	۴۰,۰	۱۰۰,۰	استان بوشهر
۰,۶	۵,۶	۲۶,۶	۵,۸	۲۰,۸	۴۰,۵	۱۰۰,۰	استان تهران
۰,۹	۴,۵	۲۵,۴	۴,۴	۲۵,۰	۳۹,۹	۱۰۰,۰	استان چهارمحال و بختیاری
۰,۸	۴,۸	۲۲,۹	۴,۵	۲۲,۷	۴۴,۳	۱۰۰,۰	استان خراسان جنوبی
۰,۷	۵,۷	۲۶,۳	۵,۰	۲۱,۵	۴۰,۹	۱۰۰,۰	استان خراسان رضوی
۱,۲	۷,۳	۲۳,۷	۴,۴	۲۱,۶	۴۱,۷	۱۰۰,۰	استان خراسان شمالی
۱,۱	۷,۳	۲۷,۵	۴,۳	۲۵,۱	۳۴,۸	۱۰۰,۰	استان خوزستان
۰,۸	۵,۳	۲۵,۸	۴,۵	۲۲,۹	۴۰,۷	۱۰۰,۰	استان زنجان
۰,۶	۴,۱	۲۶,۸	۶,۷	۲۳,۶	۳۸,۲	۱۰۰,۰	استان سمنان
۲,۴	۸,۵	۲۷,۵	۳,۶	۲۳,۰	۳۵,۰	۱۰۰,۰	استان سیستان و بلوچستان
۱,۴	۷,۶	۲۶,۰	۴,۴	۲۳,۳	۳۷,۳	۱۰۰,۰	استان فارس
۰,۶	۵,۷	۲۹,۱	۵,۴	۲۱,۶	۳۷,۵	۱۰۰,۰	استان قزوین
۰,۵	۶,۰	۲۸,۵	۳,۷	۲۴,۹	۳۶,۴	۱۰۰,۰	استان قم
۰,۷	۴,۱	۳۰,۲	۳,۷	۲۱,۰	۴۰,۳	۱۰۰,۰	استان کردستان
۰,۹	۶,۰	۲۴,۱	۵,۰	۲۳,۹	۴۰,۱	۱۰۰,۰	استان کرمان
۰,۵	۵,۶	۲۸,۱	۵,۰	۲۲,۶	۳۸,۲	۱۰۰,۰	استان کرمانشاه
۱,۲	۷,۹	۲۳,۶	۴,۳	۲۹,۷	۳۳,۳	۱۰۰,۰	استان کهگیلویه و بویراحمد
۰,۴	۶,۱	۲۷,۱	۴,۵	۲۰,۶	۴۱,۲	۱۰۰,۰	استان گلستان
۰,۶	۵,۴	۲۶,۱	۷,۴	۱۹,۱	۴۱,۴	۱۰۰,۰	استان گیلان
۰,۷	۳,۵	۲۵,۵	۵,۲	۲۴,۹	۴۰,۲	۱۰۰,۰	استان لرستان
۰,۷	۵,۲	۲۸,۵	۵,۰	۲۰,۷	۴۰,۰	۱۰۰,۰	استان مازندران
۱,۱	۴,۶	۲۸,۹	۵,۸	۲۱,۶	۳۸,۰	۱۰۰,۰	استان مرکزی
۰,۹	۷,۰	۲۵,۹	۴,۵	۲۴,۶	۳۷,۱	۱۰۰,۰	استان هرمزگان
۰,۶	۴,۸	۲۹,۴	۴,۹	۲۱,۸	۳۸,۵	۱۰۰,۰	استان همدان
۱,۰	۳,۶	۲۴,۰	۵,۲	۲۲,۸	۴۳,۴	۱۰۰,۰	استان یزد

ماخذ: مرکز آمار ایران

جدول ۴-۴- متوسط سالانه عرضه نیروی کار جدید و اشتغال ایجاد شده در دوره ۷۵-۱۳۸۵

استان	جمعیت فعال		جمعیت شاغل	
	۱۳۷۵	۱۳۸۵	متوسط سالانه عرضه جدید ۱۳۷۵-۸۵	متوسط سالانه اشتغال ایجاد شده ۱۳۷۵-۸۵
کل کشور	۱۶۰۲۷۲۲۳	۲۳۴۶۸۶۹۳	۷۴۴۱۴۷	۵۹۰۴۸۲
آذربایجان شرقی	۹۷۵۴۴۱	۱۲۷۸۰۲۴	۳۰۲۵۸	۲۴۰۳۸
آذربایجان غربی	۷۰۳۷۷۲	۹۳۹۸۹۰	۲۳۶۱۲	۲۱۹۰۳
اردبیل	۳۰۰۵۶۰	۴۰۸۱۵۶	۱۰۷۶۰	۹۲۹۵
اصفهان	۱۱۲۸۷۳۳	۱۵۶۹۳۲۹	۴۴۰۶۰	۳۶۵۲۸
ایلام	۱۱۱۵۶۷	۱۸۱۹۵۰	۷۰۳۸	۳۹۳۵
بوشهر	۱۶۹۱۹۰	۲۹۶۲۴۴	۱۲۷۰۵	۱۱۲۸۸
تهران	۲۸۵۱۴۵۸	۴۶۹۱۳۲۵	۱۸۳۹۸۷	۱۶۱۶۶۶
چهارمحال و بختیاری	۲۰۰۳۹۱	۲۸۵۷۳۹	۸۵۳۵	۴۹۵۷
خراسان	۱۶۶۰۳۱۰	۲۴۰۵۴۳۴	۷۴۵۱۲	۶۴۴۰۱
خوزستان	۸۷۰۷۶۶	۱۲۲۹۳۴۴	۳۵۸۵۸	۲۶۱۸۹
زنجان	۲۳۲۷۳۷	۳۳۳۹۸۶	۱۰۱۲۵	۸۴۵۶
سمنان	۱۳۷۵۶۰	۱۹۲۹۱۵	۵۵۳۶	۴۵۶۶
سیستان و بلوچستان	۳۴۶۵۱۹	۶۲۳۰۷۳	۲۷۶۵۵	۱۱۱۳۵
فارس	۹۹۳۳۵۵	۱۳۸۰۷۹۷	۳۸۷۴۴	۳۳۴۳۱
قزوین	۲۴۱۹۵۱	۳۶۵۰۲۴	۱۲۳۰۷	۹۹۹۴
قم	۲۰۶۶۴۶	۳۱۷۱۵۶	۱۱۰۵۱	۹۶۷۸
کردستان	۳۵۹۶۸۴	۴۹۱۹۵۵	۱۳۲۲۷	۶۵۲۷
کرمان	۴۹۵۶۹۷	۸۷۵۹۶۶	۳۸۰۲۷	۲۳۸۰۲
کرمانشاه	۴۷۷۳۶۵	۶۱۶۹۴۶	۱۳۹۵۸	۸۴۶۶
کهگیلویه و بویراحمد	۱۱۵۲۹۵	۱۷۴۸۳۱	۵۹۵۴	۴۲۱۹
گلستان	۳۸۶۳۳۴	۵۵۶۲۰۹	۱۶۹۸۸	۱۳۹۱۴
گیلان	۷۲۹۳۳۳	۸۷۰۸۶۰	۱۴۱۵۳	۱۰۹۲۰
لرستان	۳۷۸۲۱۴	۵۸۴۲۷۰	۲۰۶۰۶	۱۰۶۰۶
مازندران	۷۱۴۷۹۹	۱۰۱۵۲۱۵	۳۰۰۴۲	۲۵۸۷۹
مرکزی	۳۳۸۳۵۵	۴۴۱۱۵۶	۱۰۲۸۰	۸۲۴۹
هرمزگان	۲۲۸۴۱۲	۴۱۸۶۰۶	۱۹۰۱۹	۱۵۸۶۹
همدان	۴۴۶۶۵۱	۵۶۳۳۵۶	۱۱۶۷۱	۸۷۵۴
یزد	۲۲۶۱۲۸	۳۶۰۹۳۷	۱۳۴۸۱	۱۱۸۲۱

ماخذ: مرکز آمار ایران

جدول ۴-۴۴- نرخ مشارکت کل کشور (مردوزن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

درصد

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مردوزن	۴۲/۶	۳۹/۰	۳۵/۳	۳۹/۴
۱۰-۱۴ ساله	۱۴/۸	۸/۱	۴/۱	۳/۹
۱۵-۱۹ ساله	۳۴/۷	۳۰/۴	۲۱/۷	۲۱/۷
۲۰-۲۴ ساله	۵۰/۸	۴۹/۳	۴۳/۰	۴۴/۵
۲۵-۲۹ ساله	۵۴/۲	۵۲/۹	۵۲/۴	۵۶/۴
۳۰-۳۴ ساله	۵۵/۴	۵۴/۲	۵۴/۵	۵۸/۱
۳۵-۳۹ ساله	۵۶/۲	۵۲/۴	۵۵/۲	۵۷/۰
۴۰-۴۴ ساله	۵۷/۹	۵۲/۱	۵۴/۷	۵۴/۷
۴۵-۴۹ ساله	۵۶/۹	۵۱/۲	۵۰/۷	۵۱/۵
۵۰-۵۴ ساله	۵۵/۳	۵۰/۶	۴۶/۷	۴۳/۱
۵۵-۵۹ ساله	۵۲/۱	۴۷/۲	۴۵/۲	۳۶/۶
۶۰-۶۴ ساله	۴۲/۹	۴۳/۹	۴۲/۰	۳۰/۸
۶۵ ساله و بیشتر	۳۱/۸	۲۸/۵	۳۰/۲	۲۲/۱
نامشخص		۱۹/۷	۳۵/۳	

جدول ۴-۴۵- نرخ مشارکت کل کشور (مرد) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مردوزن	۷۰/۸	۶۸/۴	۶۰/۸	۶۵/۶
۱۰-۱۴ ساله	۱۸/۴	۱۱/۴	۵/۱	۵/۱
۱۵-۱۹ ساله	۵۳/۳	۵۰/۴	۳۴/۷	۳۴/۰
۲۰-۲۴ ساله	۸۶/۴	۸۶/۳	۷۳/۷	۷۲/۲
۲۵-۲۹ ساله	۹۵/۷	۹۴/۱	۹۰/۳	۹۰/۹
۳۰-۳۴ ساله	۹۷/۸	۹۶/۱	۹۵/۰	۹۵/۵
۳۵-۳۹ ساله	۹۸/۴	۹۶/۶	۹۵/۸	۹۵/۶
۴۰-۴۴ ساله	۹۷/۷	۹۵/۸	۹۵/۰	۹۳/۶
۴۵-۴۹ ساله	۹۶/۰	۹۳/۳	۹۲/۷	۸۹/۷
۵۰-۵۴ ساله	۹۲/۴	۸۹/۶	۸۵/۹	۷۷/۷
۵۵-۵۹ ساله	۸۶/۳	۸۴/۰	۸۱/۱	۶۹/۱
۶۰-۶۴ ساله	۷۷/۰	۷۶/۳	۷۳/۳	۵۷/۹
۶۵ ساله و بیشتر	۵۶/۴	۵۳/۱	۵۴/۳	۳۹/۸
نامشخص	□	۲۹/۰	۵۲/۱	□

جدول ۴-۴۶- نرخ مشارکت کل کشور (زن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مردوزن	۱۲/۹	۸/۲	۹/۱	۱۲/۴
ساله ۱۴-۱۰	۱۰/۷	۴/۵	۲/۹	۲/۶
ساله ۱۹-۱۵	۱۵/۷	۹/۴	۸/۶	۹/۰
ساله ۲۴-۲۰	۱۷/۹	۱۲/۰	۱۳/۲	۱۶/۸
ساله ۲۹-۲۵	۱۶/۱	۱۱/۱	۱۴/۱	۲۱/۰
ساله ۳۴-۳۰	۱۴/۱	۱۱/۲	۱۲/۹	۱۹/۱
ساله ۳۹-۳۵	۱۲/۸	۹/۵	۱۳/۱	۱۶/۹
ساله ۴۴-۴۰	۱۱/۷	۷/۸	۱۲/۹	۱۴/۳
ساله ۴۹-۴۵	۱۰/۹	۶/۲	۱۰/۰	۱۱/۹
ساله ۵۴-۵۰	۹/۷	۵/۴	۷/۲	۸/۱
ساله ۵۹-۵۵	۸/۱	۴/۸	۵/۵	۵/۵
ساله ۶۴-۶۰	۶/۶	۴/۲	۴/۵	۴/۳
۶۵ ساله و بیشتر	۴/۵	۲/۸	۲/۷	۲/۳
نامشخص		۶/۴	۱۰/۰	

جدول ۴-۴۷- نرخ مشارکت کل کشور شهری (مردوزن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مردوزن	۳۷/۹	۳۸/۴	۳۳/۹	۳۸/۸
ساله ۱۴-۱۰	۵/۷	۴/۷	۱/۸	۲/۰
ساله ۱۹-۱۵	۲۳/۶	۲۵/۵	۱۵/۹	۱۷/۱
ساله ۲۴-۲۰	۴۹/۲	۴۸/۵	۳۹/۲	۴۱/۶
ساله ۲۹-۲۵	۵۵/۲	۵۴/۱	۵۲/۰	۵۶/۸
ساله ۳۴-۳۰	۵۶/۵	۵۶/۹	۵۴/۹	۵۹/۳
ساله ۳۹-۳۵	۵۶/۰	۵۵/۲	۵۶/۲	۵۸/۲
ساله ۴۴-۴۰	۵۶/۴	۵۳/۸	۵۶/۴	۵۵/۶
ساله ۴۹-۴۵	۵۳/۵	۵۰/۶	۵۱/۹	۵۱/۹
ساله ۵۴-۵۰	۵۱/۰	۴۷/۲	۴۵/۴	۴۲/۰
ساله ۵۹-۵۵	۴۶/۳	۴۱/۴	۴۱/۳	۳۴/۰
ساله ۶۴-۶۰	۳۶/۵	۳۷/۱	۳۵/۹	۲۶/۷
۶۵ ساله و بیشتر	۲۴/۱	۲۲/۰	۲۳/۶	۱۶/۹
نامشخص		۱۷/۳	۳۲/۲	

جدول ۴-۴۸- نرخ مشارکت کل کشور شهری (مرد) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مردوزن	۶۳/۹	۶۶/۸	۵۸/۵	۶۴/۲
ساله ۱۰-۱۴ ساله	۷/۳	۷/۱	۲/۸	۳/۰
ساله ۱۵-۱۹ ساله	۳۷/۵	۴۲/۱	۲۶/۹	۲۷/۶
ساله ۲۰-۲۴ ساله	۸۰/۳	۸۳/۸	۶۸/۰	۶۷/۵
ساله ۲۵-۲۹ ساله	۹۳/۷	۹۳/۱	۸۸/۶	۹۰/۲
ساله ۳۰-۳۴ ساله	۹۷/۱	۹۶/۰	۹۴/۵	۹۵/۷
ساله ۳۵-۳۹ ساله	۹۸/۰	۹۶/۶	۹۵/۶	۹۵/۷
ساله ۴۰-۴۴ ساله	۹۷/۰	۹۵/۴	۹۴/۶	۹۳/۵
ساله ۴۵-۴۹ ساله	۹۴/۰	۹۱/۱	۹۱/۶	۸۸/۹
ساله ۵۰-۵۴ ساله	۸۸/۲	۸۵/۰	۸۱/۸	۷۴/۴
ساله ۵۵-۵۹ ساله	۷۹/۴	۷۶/۶	۷۴/۳	۶۳/۳
ساله ۶۰-۶۴ ساله	۶۶/۹	۶۶/۶	۶۴/۰	۵۰/۰
۶۵ ساله و بیشتر	۴۴/۵	۴۳/۳	۴۴/۶	۳۱/۵
نامشخص		۲۶/۳	۴۷/۶	

جدول ۴-۴۹- نرخ مشارکت کل کشور شهری (زن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مردوزن	۹/۰	۸/۴	۸/۱	۱۲/۵
ساله ۱۰-۱۴ ساله	۳/۹	۲/۱	۰/۹	۰/۹
ساله ۱۵-۱۹ ساله	۷/۷	۷/۷	۴/۵	۶/۲
ساله ۲۰-۲۴ ساله	۱۶/۱	۱۳/۴	۱۱/۳	۱۶/۲
ساله ۲۵-۲۹ ساله	۱۵/۵	۱۳/۶	۱۴/۷	۲۲/۷
ساله ۳۰-۳۴ ساله	۱۲/۳	۱۴/۲	۱۳/۸	۲۱/۱
ساله ۳۵-۳۹ ساله	۹/۵	۱۱/۴	۱۴/۴	۱۸/۷
ساله ۴۰-۴۴ ساله	۷/۸	۸/۴	۱۴/۳	۱۵/۶
ساله ۴۵-۴۹ ساله	۶/۸	۵/۱	۱۰/۴	۱۲/۵
ساله ۵۰-۵۴ ساله	۶/۵	۳/۶	۵/۹	۷/۴
ساله ۵۵-۵۹ ساله	۵/۵	۲/۹	۳/۵	۳/۹
ساله ۶۰-۶۴ ساله	۵/۳	۲/۷	۲/۴	۲/۶
۶۵ ساله و بیشتر	۳/۷	۲/۰	۱/۵	۱/۲
نامشخص		۴/۲	۱۰/۰	

جدول ۴-۵۰- نرخ مشارکت کل کشور روستایی (مردوزن) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مردوزن	۴۷/۲	۳۹/۷	۳۷/۷	۴۰/۹
ساله ۱۰-۱۴	۲۳/۲	۱۱/۴	۷/۵	۷/۲
ساله ۱۵-۱۹	۴۷/۳	۳۶/۲	۳۰/۸	۳۰/۸
ساله ۲۰-۲۴	۵۲/۸	۵۰/۵	۴۸/۷	۵۱/۲
ساله ۲۵-۲۹	۵۳/۱	۵۱/۰	۵۳/۲	۵۵/۵
ساله ۳۰-۳۴	۵۴/۳	۴۹/۸	۵۳/۵	۵۵/۴
ساله ۳۵-۳۹	۵۶/۴	۴۸/۳	۵۳/۰	۵۳/۸
ساله ۴۰-۴۴	۵۹/۱	۴۹/۸	۵۱/۰	۵۲/۲
ساله ۴۵-۴۹	۵۹/۸	۵۱/۹	۴۸/۲	۵۰/۵
ساله ۵۰-۵۴	۵۸/۷	۵۴/۲	۴۹/۱	۴۵/۹
ساله ۵۵-۵۹	۵۷/۴	۵۳/۶	۵۱/۲	۴۲/۶
ساله ۶۰-۶۴	۴۸/۲	۵۰/۸	۴۹/۹	۳۹/۳
۶۵ ساله و بیشتر	۳۸/۰	۳۵/۹	۳۸/۸	۳۰/۹
نامشخص		۲۲/۰	۶۴/۶	

جدول ۴-۵۱- نرخ مشارکت کل کشور روستایی (مرد) برحسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مرد	۷۷/۹	۷۰/۴	۶۴/۶	۶۸/۸
ساله ۱۰-۱۴	۲۸/۹	۱۵/۷	۸/۸	۸/۸
ساله ۱۵-۱۹	۷۳/۹	۶۰/۱	۴۶/۹	۴۶/۴
ساله ۲۰-۲۴	۹۵/۲	۸۹/۹	۸۲/۵	۸۲/۵
ساله ۲۵-۲۹	۹۸/۴	۹۵/۷	۹۳/۴	۹۲/۵
ساله ۳۰-۳۴	۹۸/۷	۹۶/۳	۹۶/۱	۹۵/۲
ساله ۳۵-۳۹	۹۸/۸	۹۶/۸	۹۶/۳	۹۵/۱
ساله ۴۰-۴۴	۹۸/۳	۹۶/۶	۹۵/۸	۹۴/۰
ساله ۴۵-۴۹	۹۷/۷	۹۶/۱	۹۵/۱	۹۱/۹
ساله ۵۰-۵۴	۹۵/۸	۹۴/۸	۹۳/۸	۸۷/۲
ساله ۵۵-۵۹	۹۲/۲	۹۱/۷	۹۲/۲	۸۳/۹
ساله ۶۰-۶۴	۸۵/۰	۸۵/۷	۸۵/۳	۷۴/۹
۶۵ ساله و بیشتر	۶۵/۱	۶۲/۹	۶۶/۰	۵۳/۱
نامشخص		۳۱/۵	۸۶/۰	

جدول ۴-۵۲- نرخ مشارکت کل کشور روستایی (زن) بر حسب گروه سنی در سال ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مردوزن	۱۶/۶	۷/۹	۱۰/۷	۱۲/۲
ساله ۱۴-۱۰	۱۶/۹	۶/۹	۶/۱	۵/۵
ساله ۱۹-۱۵	۲۳/۷	۱۱/۳	۱۴/۹	۱۴/۶
ساله ۲۴-۲۰	۱۹/۸	۹/۹	۱۶/۲	۱۸/۳
ساله ۲۹-۲۵	۱۶/۸	۷/۴	۱۳/۱	۱۶/۹
ساله ۳۴-۳۰	۱۵/۹	۶/۸	۱۱/۲	۱۴/۱
ساله ۳۹-۳۵	۱۵/۶	۶/۸	۱۰/۵	۱۲/۰
ساله ۴۴-۴۰	۱۴/۹	۷/۱	۱۰/۲	۱۰/۹
ساله ۴۹-۴۵	۱۴/۴	۷/۵	۹/۴	۱۰/۴
ساله ۵۴-۵۰	۱۲/۴	۷/۵	۹/۳	۹/۷
ساله ۵۹-۵۵	۱۰/۶	۷/۱	۸/۶	۸/۸
ساله ۶۴-۶۰	۷/۷	۵/۹	۷/۲	۷/۴
۶۵ ساله و بیشتر	۵/۲	۳/۸	۴/۶	۴/۲
نامشخص		۸/۴	۹/۴	

فصل پنجم

تصریح الگو، تخمین و تحلیل نتایج

۱-۵- مقدمه

در این فصل، الگوی نرخ مشارکت نیروی کار به تفکیک جنس و سن ارائه می‌شود. دلیل استفاده از الگوهای مختلف، برای تحلیل طرف عرضه نیروی کار و نرخ مشارکت نیروی کار، شرایط ویژه‌ای است که هر یک از گروه‌های طرف عرضه نیروی کار دارند. برای نمونه عرضه نیروی کار مردان متفاوت از عرضه نیروی کار زنان است و در همین راستا، نرخ مشارکت نیروی کار مردان تقریباً شش برابر نرخ مشارکت نیروی کار زنان است. همچنین مشارکت نیروی کار، به تفکیک گروه‌های سنی ۱۴-۱۰ ساله، ۱۹-۱۵ ساله، ۲۴-۲۰ ساله، ۲۹-۲۵ ساله و ۳۰ ساله و بیش‌تر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. زیرا در فصل گذشته، اختلاف نرخ مشارکت در گروه‌های سنی و ویژگی خاص هر یک از گروه‌های سنی، استفاده از الگوهای مختلف زنان و مردان و گروه‌های سنی را توضیح می‌دهد. این تفکیک برای اولین بار توسط بریسکو و ویلسون مورد توجه قرار گرفته است. در این قسمت ابتدا درباره تصریح الگو و سپس روش تخمین و داده‌های آماری و سپس به تخمین و تحلیل الگوها می‌پردازیم.

۲-۵- تصریح الگوی نرخ مشارکت نیروی کار

در این قسمت برای تخمین الگو، از متغیر نرخ مشارکت نیروی کار زنان و مردان به جای عرضه نیروی کار زنان و مردان استفاده می‌شود. نرخ مشارکت نیروی کار از نسبت جمعیت فعال به جمعیت ده ساله و بیش‌تر به دست می‌آید. تصریح الگوی نرخ مشارکت نیروی کار، براساس مبانی نظری و مطالعات انجام شده و شرایط فعلی اقتصاد ایران به صورت زیر معرفی می‌گردد.

$$\text{LFR } 10 = F(\text{LPCF } 1014, \text{LUM}, \text{LGDPP}, \text{TREND})$$

$$\text{LFR } 15 = F(\text{LPCF } 1519, \text{LCPI}, \text{LU}, \text{TREND})$$

LFR 20 = F (LPGF 2024, LCPI, LU, LMWR, TREND)

LFR 25 = F (PGF 2529, LUM, LUF, LCPI, TRES)

LFR 30 = F (LPGF 3054, LUF, LUM, LMWR)

LMR 10 = F (LPCM 1014, LMWR)

LMR 15 = F (LPCM 1519, LMWR, LCPI, TREND)

LMR 20 = F (LU, GM 2024)

LMR 25 = F (PGM 2529, LMWR, LU, TREND)

LMR 30 = F (LMWR, LU, LPGM3054)

که در آن متغیرها به قرار زیر است:

LFR 10 = لگاریتم نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۱۰-۱۴ ساله

LFR 15 = لگاریتم نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۱۵-۱۹ ساله

LFR 20 = لگاریتم نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۲۰-۲۴ ساله

LFR 25 = لگاریتم نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۲۵-۲۹ ساله

LFR 30 = لگاریتم نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۳۰ ساله و بیش‌تر

LMR 10 = لگاریتم نرخ مشارکت نیروی کار مردان ۱۰-۱۴ ساله

LMR 15 = لگاریتم نرخ مشارکت نیروی کار مردان ۱۵-۱۹ ساله

LMR 20 = لگاریتم نرخ مشارکت نیروی کار مردان ۲۰-۲۴ ساله

LMR 25 = لگاریتم نرخ مشارکت نیروی کار مردان ۲۵-۲۹ ساله

LMR 30 = لگاریتم نرخ مشارکت نیروی کار مردان ۳۰ ساله و بیش‌تر

LPCF 1014 = لگاریتم پوشش تحصیلی زنان ۱۰-۱۴ ساله

LPCF 1519 = لگاریتم پوشش تحصیلی زنان ۱۵-۱۹ ساله

LPCM 1014 = لگاریتم پوشش تحصیلی مردان ۱۰-۱۴ ساله

LPCM 1519 = لگاریتم پوشش تحصیلی مردان ۱۵-۱۹ ساله

LPGF 2024 = لگاریتم سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی زنان ۲۰-۲۴ ساله

LPGF 2529 = لگاریتم سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی زنان ۲۵-۲۹ ساله

LPGF 3054 = لگاریتم سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی زنان ۳۰-۵۴ ساله

GM 2024 = جمعیت دارای تحصیلات عالی مردان ۲۰-۲۴ ساله

PGM 2529 = سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی مردان ۲۵-۲۹ ساله

LPGM3054 = سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی مردان ۳۰-۵۴ ساله

LU = لگاریتم نرخ بیکاری

LUM = لگاریتم نرخ بیکاری مردان

LUF = لگاریتم نرخ بیکاری زنان

LCPI = لگاریتم شاخص قیمت مصرف‌کننده

LGDP = لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت ۱۳۷۶

LMWR = لگاریتم حداقل دستمزد واقعی

TREND = متغیر روند

CON = مقدار عرضه از مبدأ (مقدار ثابت)

۳-۵- داده‌های آماری و روش تخمین الگوها

داده‌های آماری این تحقیق از سه قسمت تشکیل شده است. قسمت اول مربوط به داده‌های منتشر شده از مرکز آمار ایران در سال‌های سرشماری ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ می‌باشد که با استفاده از روش درونیابی و روش رشد ثابت، داده‌های حد وسط دوره‌ها برآورد شده است. این متغیرها شامل نرخ مشارکت نیروی کار، عرضه نیروی کار، نرخ بیکاری، جمعیت درحال تحصیل، جمعیت ده ساله و بیش‌تر، جمعیت دارای تحصیلات عالی می‌باشد. لازم به ذکر است که به دلیل فقدان داده‌های آماری در بین دوره‌ها، تنها راه پیدا کردن داده‌های آماری، استفاده از روش درونیابی است. اگرچه در بین دوره‌ها، مرکز آمار ایران از روش نمونه‌گیری برای ارائه داده‌های آماری بازار کار استفاده می‌کند ولی به دلیل تغییرات شدید نرخ بیکاری و نرخ مشارکت نیروی کار در بین دو سال متوالی،

امکان تلفیق داده‌های آماری سرشماری و نمونه‌گیری وجود ندارد. بر همین اساس در الگوهای برنامه توسعه نیز از روش درون‌یابی استفاده می‌شود.

قسمت دوم مربوط به داده‌هایی است که از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران جمع‌آوری شده است. این داده‌ها شامل تولید ناخالص داخلی، شاخص قیمت‌ها، شاخص دستمزد کارگران ساختمانی می‌باشد. قسمت سوم، داده‌های آماری است که از مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزارت کار و امور اجتماعی جمع‌آوری شده است. داده مربوط به دستمزد سرانه کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور از مرکز آمار ایران و حداقل دستمزد از وزارت کار و امور اجتماعی جمع‌آوری شده است.

روش تخمین الگو، با توجه به اینکه بعضی از متغیرهای الگو مانند نرخ مشارکت نیروی کار زنان و مردان در گروه‌های سنی، ساکن یا $I(0)$ بوده و سایر متغیرها مانند تولید ناخالص داخلی سرانه، حداقل دستمزد واقعی، نرخ بیکاری غیرساکن یا $I(1)$ می‌باشند، ARDL¹ می‌باشد. به عبارت دیگر در حالتی که متغیرهای یک الگو از یک درجه معین نیستند، نمی‌توان از روش حداقل مربعات معمولی استفاده کرد و این تخمین دچار تورش خواهد بود لذا از روش ARDL یا وقفه‌های توزیعی خود رگرسیون استفاده خواهد شد. این روش در نرم‌افزار Microfit ارائه شده است. در این روش، وقفه‌های هر متغیر بصورت اتوماتیک توسط نرم‌افزار استفاده می‌شود و الزاماً وقفه‌های همه متغیرها یکسان نیست. در قسمت دیگری از تحقیق، الگوی نرخ مشارکت نیروی کار استان‌ها، با روش پانل دیتا تخمین زده می‌شود.

۵-۴- روش شناسی تحقیق

روش شناسی تحقیق مبتنی بر روش‌های اقتصاد خرد و بر اساس حداکثر سازی مطلوبیت خانوار نسبت به قید بودجه می‌باشد. به عبارت دیگر افراد یا خانوارها، مطلوبیت را نسبت به قید بودجه حداکثر می‌نمایند. مطلوبیت تابعی از فراغت و دستمزد می‌باشد. قید بودجه براساس این واقعیت طراحی

¹Auto regressive distribution lags (ARDL)

می‌گردد که مصرف کالاها و خدمات نیاز به درآمد داشته و لذا افراد علاوه بر درآمدهای غیرکاری، نیاز به درآمد کاری دارند تا بتوانند کالاهای مختلف را خریداری و مصرف نمایند. با این وجود میزان ارزش فعلی مصرف کم‌تر یا مساوی ارزش فعلی درآمدهای کاری و غیرکاری خواهد بود.

در این تحقیق پس از جمع‌آوری داده‌های آماری جمعیت، اشتغال، عرضه نیروی کار، تقاضای نیروی کار، جمعیت در حال تحصیل و ...، ابتدا تصریح الگو و سپس تخمین و تحلیل نتایج ارائه می‌شود. از آنجایی که ماهیت عرضه نیروی کار زنان و مردان در ایران بوده و این اختلاف به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط دارد، لذا الگوهای عرضه نیروی کار به تفکیک جنسیت ارائه خواهد شد. به عنوان مثال مسائل فرهنگی در جامعه موجب شده است که همواره کار زنان در بیرون از منزل با محدودیت مواجه باشد و به همین دلیل نرخ مشارکت نیروی کار مردان تقریباً شش برابر نرخ مشارکت نیروی کار زنان است.

همچنین نرخ مشارکت نیروی کار در بین گروه‌های مختلف سنی اختلاف داشته که این موضوع کاملاً ملموس و طبیعی است. برای مثال میزان مشارکت مردان و زنان در گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله پایین است زیرا پوشش تحصیلی (نسبت جمعیت در حال تحصیل به کل جمعیت در این گروه سنی) در حال افزایش بوده است و نوجوانان به جای کار به تحصیل می‌پردازند. باتوجه به نکات فوق، نرخ مشارکت نیروی کار به تفکیک گروه‌های سنی مختلف برآورد می‌گردد.

موضوع بعدی تفاوت نرخ مشارکت نیروی کار در استان‌های مختلف است. در این بررسی ضمن آن‌که این اختلاف در نرخ مشارکت بررسی خواهد شد، الگوی مقطعی موردنظر نیز از روش پانل دیتا تخمین زده می‌شود.

۵-۵- تخمین الگوی نرخ مشارکت نیروی کار زنان

در این قسمت الگوی نرخ مشارکت نیروی کار زنان به تفکیک گروه‌های سنی ۱۴-۱۰ ساله، ۱۹-۱۵ ساله، ۲۴-۲۰ ساله، ۲۹-۲۵ ساله و ۳۰ ساله و بیش‌تر ارائه و تخمین زده می‌شود.

۵-۱-۵- الگوی مشارکت زنان ۱۴-۱۰ ساله

نتیجه حاصل از تخمین الگوی نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۱۴-۱۰ ساله در جداول پیوست فصل آمده است و وقفه الگو به صورت زیر است:

$$ARDL(2, 1, 1, 2)$$

نرخ مشارکت با دو وقفه، پوشش تحصیلی با یک وقفه، نرخ بیکاری مردان با یک وقفه، تولید ناخالص داخلی سرانه با دو وقفه می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که پوشش تحصیلی تأثیر منفی و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۱۴-۱۰ ساله دارد، به طوری که یک درصد افزایش در پوشش تحصیلی، نرخ مشارکت را به میزان ۰/۱۳ درصد کاهش می‌دهد.

$$\text{ضریب پوشش تحصیلی} = -1/72 + 1/59 = -0/13$$

مشاهده می‌شود که در روش ARDL جمع جبری ضرائب یک متغیر، مقدار نهایی متغیر را تعیین می‌نماید. به عبارت دیگر با افزایش جمعیت در حال تحصیل و پوشش تحصیلی، نرخ مشارکت کاهش می‌یابد زیرا افراد زمان خود را به تحصیل اختصاص می‌دهند.

ضریب متغیر نرخ بیکاری مردان برابر است با:

$$\text{ضریب نرخ بیکاری مردان} = -0/29 + 0/32 = 0/03$$

به عبارت دیگر یک درصد افزایش در نرخ بیکاری مردان، نرخ مشارکت زنان را به میزان ۰/۰۳ درصد افزایش می‌دهد. در واقع اثر کارگر اضافی بر اثر عدم تشویق نیروی کار مسلط است. وقتی که اثر کارگر اضافی تأیید می‌گردد، بدین معنی است که با افزایش بیکاری مردان (که عمدتاً سرپرست خانوار می‌باشند)، دختران ۱۴-۱۰ ساله برای تأمین معیشت خانواده و فقر ممکن است تحصیل را رها کرده و وارد بازار کار شوند.

ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه برابر است با:

$$\text{ضریب تولید ناخالص داخلی سرانه} = 0/039 - 0/017 + 0/003 = 0/025$$

به طوری که یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ مشارکت نیروی کار را به میزان ۰/۰۲۵ درصد افزایش می‌دهد. نتیجه به دست آمده با انتظارات تئوریک تطابق دارد. افزایش تولید

ناخالص داخلی سرانه، به معنی افزایش ظرفیت‌های تولیدی و اقتصادی بوده و موجب ایجاد پست‌های خالی^۱ جدید می‌شود. افزایش تعداد پست‌های خالی موجب افزایش نرخ استخدام می‌گردد. این شرایط موجب افزایش انگیزه زنان برای عرضه نیروی کار می‌گردد. البته متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه فقط با دو وقفه زمانی معنی‌دار بوده به عبارتی در تحلیل این متغیر باید دقت نمود زیرا متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه با یک وقفه و بدون وقفه معنی‌دار نخواهد بود.

متغیر روند دارای علامت مثبت و معنی‌دار بوده و نتیجه نشان می‌دهد که در طول زمان نرخ مشارکت زنان ۱۴-۱۰ ساله افزایش یافته است.

با یک نگاه به الگوی نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۱۴-۱۰ ساله، در خواهیم یافت که ضرایب متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ بیکاری مردان، پوشش تحصیلی و متغیر روند معنی‌دار هستند.

۵-۵-۲- الگوی مشارکت زنان ۱۹-۱۵ ساله

در الگوی نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۱۹-۱۵ ساله، وقفه الگو به قرار زیر است:

$$ARDL(2, 0, 0, 2)$$

که در آن نرخ مشارکت نیروی کار با دو وقفه، پوشش تحصیلی و شاخص قیمت‌ها با وقفه صفر و متغیر نرخ بیکاری با دو وقفه در نظر گرفته شده‌اند.

شاخص قیمت مصرف‌کننده تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۱۹-۱۵ ساله دارد. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، دارای تأثیر منفی بر نرخ زاد و ولد و تأثیر مثبت بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان دارد (مأخذ: برشیکو). با افزایش قیمت‌ها، قدرت خرید خانوارها کاهش و انگیزه ورود به بازار کار افزایش می‌یابد و زنان ممکن است حتی با ترک تحصیل، سریعاً وارد بازار کار شوند.

ضریب متغیر نرخ بیکاری به قرار زیر است:

$$\text{ضریب نرخ بیکاری} = +0/05 = 0/014 - 0/044 - 0/11$$

^۱Vacansis

به عبارت دیگر یک درصد افزایش در نرخ بیکاری، مشارکت زنان ۱۵-۱۰ ساله را به میزان ۰/۰۵۲ درصد افزایش می‌دهد. تحت این شرایط، با افزایش بیکاری، اثر کارگر اضافی بر اثر عدم تشویق نیروی کار مسلط است. ضریب متغیر نرخ بیکاری با یک وقفه از نظر آماری معنی‌دار است ولی بدون وقفه معنی‌دار نیست که در تحلیل این متغیر باید توجه کرد. ضریب متغیر روند، دارای علامت منفی و معنی‌دار می‌باشد. به عبارت دیگر در طی دوره ۸۵-۱۳۴۵ نرخ مشارکت زنان ۱۹-۱۵ ساله، کاهش یافته است. ضمن آن‌که ضریب متغیر پوشش تحصیلی، اگرچه دارای علامت مورد انتظار می‌باشد ولی معنی‌دار نیست.

۵-۳-۵- الگوی مشارکت زنان ۲۴-۲۰ ساله

در الگوی مشارکت نیروی کار زنان ۲۴-۲۰ ساله، وقفه‌های الگو به قرار زیر است:

$$ARDL(2, 2, 0, 1, 0)$$

که در آن نرخ مشارکت نیروی کار با دو وقفه، سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی با دو وقفه، شاخص قیمت مصرف‌کننده با وقفه صفر، نرخ بیکاری با یک وقفه، حداقل دستمزد واقعی با وقفه صفر می‌باشد.

ضریب متغیر سهم افراد دارای آموزش عالی (تحصیلات عالی) به قرار زیر است:

$$0/071 = 0/12 + 0/24 - 0/191 = \text{ضریب سهم افراد دارای آموزش عالی}$$

ضریب متغیر مذکور مثبت و از نظر آماری معنی‌دار است. یک درصد افزایش در سهم افراد دارای آموزش عالی، نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۲۴-۲۰ ساله را به میزان ۰/۰۷۱ درصد افزایش می‌دهد. شاخص قیمت‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۲۴-۲۰ ساله دارد. یک درصد افزایش در شاخص قیمت‌ها، مشارکت زنان را به میزان ۰/۰۲۲ درصد افزایش می‌دهد.

ضریب متغیر نرخ بیکاری به قرار زیر است:

$$0/0748 = 0/055 + 0/198 = \text{ضریب نرخ بیکاری}$$

ضریب متغیر نرخ بیکاری مثبت و معنی‌دار است. یک درصد افزایش در نرخ بیکاری، نرخ مشارکت زنان ۲۴-۲۰ ساله را به میزان ۰/۰۷۴۸ درصد افزایش می‌دهد. تحت این شرایط اثر کارگر اضافی، بر اثر

عدم تشویق نیروی کار مسلط است. لازم به ذکر است که ضریب متغیر نرخ بیکاری بدون وقفه زمانی از نظر آماری معنی‌دار نیست که در تحلیل این متغیر باید دقت نمود.

حداقل دستمزد واقعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۲۴-۲۰ ساله دارد. به عبارت دیگر یک درصد افزایش در حداقل دستمزد واقعی، نرخ مشارکت را به میزان ۰/۰۱ درصد افزایش می‌دهد.

۵-۵-۴- الگوی مشارکت زنان ۲۹-۲۵ ساله

در الگوی مشارکت نیروی کار زنان ۲۹-۲۵ ساله، وقفه‌های الگو به قرار زیر است:

$$ARDL(1, 0, 2, 1, 1)$$

که در آن، نرخ مشارکت نیروی کار با یک وقفه، سهم افراد دارای تحصیلات عالی با وقفه صفر، نرخ بیکاری مردان با دو وقفه، نرخ بیکاری زنان با یک وقفه، شاخص قیمت مصرف‌کننده با یک وقفه می‌باشد.

سهم افراد دارای آموزش عالی، تأثیر مثبتی بر نرخ مشارکت نیروی کار دارد. یک درصد افزایش در سهم مذکور، نرخ مشارکت را به میزان ۰/۰۲ درصد افزایش می‌دهد. ولی ضریب آن از نظر آماری معنی‌دار نیست.

ضریب نرخ بیکاری مردان به صورت زیر است:

$$\text{ضریب نرخ بیکاری مردان} = -0/091 + 0/35 + 0/093 = 0/352$$

نرخ بیکاری مردان تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار دارد. یک درصد افزایش در نرخ بیکاری مردان، مشارکت زنان را به میزان ۰/۳۵۲ درصد افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، در صورتی که بیکاری مردان افزایش یابد، زنان برای تأمین معیشت وارد بازار کار می‌شوند. لازم به ذکر است که ضریب متغیر نرخ بیکاری مردان بدون وقفه از نظر آماری معنی‌دار نیست ولی با یک وقفه زمانی معنی‌دار است.

ضریب نرخ بیکاری زنان به قرار زیر است:

$$\text{ضریب نرخ بیکاری زنان} = 0/178 - 0/17 = -0/1522$$

نرخ بیکاری زنان تأثیر منفی و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار دارد. این نتیجه نشان می‌دهد با یک درصد افزایش در نرخ بیکاری زنان، نرخ مشارکت کاهش می‌یابد. تحت این شرایط، با افزایش بیکاری زنان، امید یافتن شغل کاهش یافته و نرخ مشارکت کاهش می‌یابد. لازم به ذکر است که ضریب متغیر نرخ بیکاری زنان بدون وقفه زمانی معنی‌دار نیست ولی با یک وقفه زمانی معنی‌دار است.

ضریب شاخص قیمت‌ها به قرار زیر است:

$$\text{ضریب شاخص قیمت‌ها} = -0/029 + 0/114 = 0/085$$

سطح عمومی قیمت‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار دارد. یک درصد افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها، نرخ مشارکت را به میزان ۰/۰۸۵ درصد افزایش می‌دهد. لازم به ذکر است که ضریب متغیر شاخص قیمت‌ها بدون وقفه زمانی معنی‌دار نیست ولی با یک وقفه زمانی معنی‌دار است.

ضریب متغیر روند منفی بوده ولی ضریب آن از نظر آماری معنی‌دار نیست. این نتیجه نشان می‌دهد که نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۲۹-۲۵ ساله دارای روند معینی نیست.

۵-۵-۵- الگوی مشارکت زنان ۳۰ ساله و بیش‌تر

در الگوی مشارکت نیروی کار زنان ۳۰ ساله و بیش‌تر، وقفه‌های الگو به صورت زیر است:

$$\text{ARD}; (1, 0, 0, 2, 0)$$

که در آن نرخ مشارکت نیروی کار با یک وقفه، سهم افراد دارای تحصیلات عالی و نرخ بیکاری زنان با وقفه صفر، نرخ بیکاری مردان با وقفه دو، حداقل دستمزد واقعی با وقفه صفر در نظر گرفته شده‌اند.

براساس نتایج تخمین الگو، سهم افراد دارای آموزش عالی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار دارد. یک درصد افزایش در سهم افراد دارای آموزش عالی، نرخ مشارکت نیروی کار را به میزان ۰/۰۳ درصد افزایش می‌دهد. نرخ بیکاری زنان تأثیر منفی و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار دارد. یک درصد افزایش در نرخ بیکاری زنان، نرخ مشارکت نیروی کار را به میزان ۰/۱۱ درصد افزایش می‌دهد. در این حالت اثر عدم تشویق نیروی کار تأیید می‌گردد.

ضریب نرخ بیکاری مردان به صورت زیر است:

$$\text{ضریب نرخ بیکاری} = 0/029 + 0/072 + 0/059 = 0/143$$

مردان

نرخ بیکاری مردان تأثیر مثبت و معنی داری بر نرخ مشارکت نیروی کار دارد. این نتیجه نشان می دهد که با افزایش نرخ بیکاری مردان، زنان برای تأمین معیشت وارد بازار کار می شوند. ضریب متغیر نرخ بیکاری بدون وقفه زمانی معنی دار نبوده ولی با یک وقفه زمانی معنی دار است.

حداقل دستمزد واقعی تأثیر مثبتی بر نرخ مشارکت نیروی کار داشته ولی ضریب آن از نظر آماری

معنی دار نیست.

۵-۵-۶- الگوی مشارکت مردان ۱۴-۱۰ ساله

وقفه های الگوی نرخ مشارکت نیروی کار مردان ۱۴-۱۰ ساله به صورت زیر است:

ARDL (2, 1, 0)

که در آن، وقفه مشارکت نیروی کار مردان برابر ۲، وقفه پوشش تحصیلی مردان با وقفه یک و حداقل دستمزد واقعی دارای وقفه صفر می باشد. نتایج نشان می دهد که پوشش تحصیلی تأثیر منفی و معنی داری بر نرخ مشارکت نیروی کار دارد. ضریب پوشش تحصیلی برابر است با:

$$\text{ضریب پوشش تحصیلی} = 0/47 - 0/53 = -0/06$$

به عبارت دیگر با یک درصد افزایش در پوشش تحصیلی، نرخ مشارکت نیروی کار مردان به میزان ۰/۰۶ درصد کاهش می یابد. این نتیجه با مبانی نظری انطباق دارد. لازم به ذکر است که پوشش تحصیلی بدون وقفه زمانی معنی دار نیست ولی با یک وقفه زمانی معنی دار است.

حداقل دستمزد واقعی تأثیر مثبت و معنی داری بر نرخ مشارکت نیروی کار دارد. یک درصد افزایش

در حداقل دستمزد واقعی، نرخ مشارکت نیروی کار را به میزان ۰/۰۲ درصد افزایش می دهد. این نتیجه

نشان می دهد که اثر جانشینی بزرگتر از اثر درآمندی است.

۵-۵-۷- الگوی مشارکت مردان ۱۹-۱۵ ساله

نرخ مشارکت نیروی کار مردان تابعی از پوشش تحصیلی، حداقل دستمزد واقعی، شاخص قیمت مصرف کننده و متغیر روند می باشد. وقفه های توزیعی الگو به صورت زیر است:

$$ARDL(2, 2, 2, 2)$$

که در آن کلیه متغیرها دارای وقفه بهینه ۲ می باشند. ضریب پوشش تحصیلی به صورت زیر است:

$$0.091 = 0.18 + 0.31 - 0.12 = \text{ضریب پوشش تحصیلی}$$

ضریب پوشش تحصیلی دارای علامت مورد انتظار نبوده و معنی دار نیست. به عبارت دیگر، وضعیت تحصیلی تأثیر بر نرخ مشارکت نیروی کار مردان نداشته است.

ضریب متغیر حداقل دستمزد واقعی برابر است با:

$$0.13 = 0.19 + 0.13 - 0.19 = \text{ضریب حداقل دستمزد واقعی}$$

حداقل دستمزد تأثیر مثبت و معنی داری بر نرخ مشارکت مردان ۱۹-۱۵ ساله داشته و یک درصد افزایش در حداقل دستمزد واقعی، نرخ مشارکت نیروی کار را به میزان ۰/۱۳ درصد افزایش می دهد. ضریب شاخص قیمت مصرف کننده به قرار زیر است:

$$0.14 = 0.12 + 0.06 - 0.04 = \text{ضریب شاخص قیمت مصرف کننده}$$

شاخص قیمت مصرف کننده تأثیر مثبت و معنی داری بر نرخ مشارکت مردان ۱۹-۱۵ ساله دارد. تحت این شرایط با افزایش شاخص قیمت مصرف کننده و کاهش قدرت خرید خانوار، عرضه نیروی کار گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله بیش تر می شود. متغیر روند نیز دارای علامت منفی بوده و نرخ مشارکت نیروی کار مردان ۱۹-۱۵ ساله کاهش می یابد.

۵-۵-۸- الگوی مشارکت مردان ۲۴-۲۰ ساله

نرخ مشارکت نیروی کار مردان ۲۴-۲۰ ساله تابعی از جمعیت دارای تحصیلات عالی و نرخ بیکاری در نظر گرفته شده است. در این تابع پوشش تحصیلی مردان معنی دار نبوده و لذا از الگو حذف شده است. وقفه های توزیعی به صورت زیر است:

ARDL (2, 2, 1)

که در آن، نرخ مشارکت نیروی کار مردان ۲۴-۲۰ ساله، دارای دو وقفه، جمعیت دارای تحصیلات عالی با دو وقفه، نرخ بیکاری با یک وقفه می‌باشد. ضریب جمعیت دارای تحصیلات عالی مثبت و معنی‌دار است. به عبارت دیگر با گسترش دانشگاه‌ها و افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، مشارکت نیروی کار مردان افزایش می‌یابد.

ضریب نرخ بیکاری مردان برابر است با:

$$\text{ضریب نرخ بیکاری} = 0/002 - 0/012 = -0/01$$

به عبارت دیگر یک درصد افزایش در نرخ بیکاری، نرخ مشارکت مردان ۲۴-۲۰ ساله را به میزان ۰/۰۱ درصد کاهش می‌دهد. در واقع اثر عدم تشویق نیروی کار بر اثر کارگر اضافی مسلط است و با افزایش نرخ بیکاری، امید به پیدا کردن شغل کاهش یافته و مشارکت نیروی کار کاهش می‌یابد. لازم به ذکر است که ضریب متغیر نرخ بیکاری مردان بدون وقفه معنی‌دار نبوده ولی با یک وقفه زمانی معنی‌دار است.

۵-۵-۹- الگوی مشارکت مردان ۲۹-۲۵ ساله

نرخ مشارکت نیروی کار مردان ۲۹-۲۵ ساله تابعی از سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی، حداقل دستمزد واقعی، نرخ بیکاری و متغیر روند می‌باشد. وقفه‌های توزیعی الگو به صورت زیر است:

ARDL (2, 1, 1, 0)

که در آن وقفه نرخ مشارکت نیروی کار برابر ۲، وقفه متغیرهای سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی و حداقل دستمزد واقعی برابر یک و نرخ بیکاری دارای وقفه صفر می‌باشد. ضریب متغیر سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی به قرار زیر است:

$$\text{ضریب سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی} = 0/0024 + -0/0021 = 0/0003$$

سهم افراد دارای آموزش عالی مثبت و معنی‌دار است. یک درصد افزایش در سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی، نرخ مشارکت مردان را به میزان ۰/۰۰۰۳ درصد افزایش می‌دهد.

ضریب متغیر حداقل دستمزد واقعی به قرار زیر است:

$$0/0041 = 0/0004 + 0/001 = \text{ضریب حداقل دستمزد واقعی}$$

یک درصد افزایش در حداقل دستمزد واقعی، موجب افزایش 0/0041 درصدی در نرخ مشارکت نیروی کار مردان می‌گردد که علامت آن مطابق انتظارات تئوریک است. ضریب متغیر حداقل دستمزد واقعی بدون وقفه معنی‌دار نبوده ولی با یک وقفه زمانی معنی‌دار است.

ضریب متغیر نرخ بیکاری معادل 0/0036 می‌باشد که تحت این شرایط اثر کارگر اضافی بر اثر عدم تشویق نیروی کار مسلط است. به عبارت دیگر با افزایش نرخ بیکاری، افراد بیشتری از یک خانوار، جهت یافتن شغل وارد بازار کار می‌شوند.

ضریب متغیر روند منفی و معنی‌دار است.

5-5-10- الگوی مشارکت مردان 30 ساله و بیش‌تر

نرخ مشارکت نیروی کار 30 ساله و بیش‌تر تابعی از سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی، حداقل دستمزد واقعی و نرخ بیکاری می‌باشد. وقفه‌های توزیعی الگو به صورت زیر است:

$$\text{ARDL}(1, 2, 0, 0)$$

که نرخ مشارکت نیروی کار با یک وقفه، سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی با دو وقفه، حداقل دستمزد واقعی و نرخ بیکاری با وقفه صفر در نظر گرفته شدند. ضریب سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی بصورت زیر است:

$$0/01 = 1/5 - 0/61 + 0/9 = \text{ضریب سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی}$$

یک درصد افزایش در سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی، نرخ مشارکت نیروی کار مردان را به میزان 0/01 درصد افزایش می‌دهد. نتایج می‌دهد که افراد دارای تحصیلات عالی در اغلب گروه‌ها، تمایل بیشتری جهت مشارکت در بازار کار دارند. ضرایب متغیرهای حداقل دستمزد واقعی و نرخ بیکاری، دارای علامت مثبت بوده ولی ضرایب مذکور از نظر آماری معنی‌دار نیستند.

۶-۵- تخمین الگوی نرخ مشارکت نیروی کار در استانها

در این قسمت به تخمین الگوی نرخ مشارکت نیروی کار در استانها می‌پردازیم. برای این منظور از داده‌های آماری سال ۱۳۸۵ استفاده می‌شود و با داده‌های مقطعی و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی به ارائه نتایج می‌پردازیم. در الگوی اول استانی، نرخ مشارکت استانها تابعی از پوشش تحصیلی و سهم افراد دارای آموزش عالی در نظر گرفته شده است:

$$\log(PARTA) = 4.7 - 0.37 \log(PCFA) + 0.069 \log(PGFA)$$
$$(14.1) \quad (-3.7) \quad (1.8)$$
$$R^2 = 0.39 \quad F = 8.8$$

که در آن $PARTA$ نرخ مشارکت نیروی کار در ۳۰ استان کشور، $PCFA$ پوشش تحصیلی، $PGFA$ سهم افراد دارای آموزش عالی می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد استان‌هایی که دارای پوشش تحصیلی بیش‌تری هستند، از نرخ مشارکت نیروی کار کم‌تری برخوردارند که این نتیجه با مبانی نظری و تجارب سایر کشورها انطباق دارد. همچنین با افزایش سهم افراد دارای آموزش عالی، نرخ مشارکت نیروی کار افزایش می‌یابد که این نتیجه نیز مطابق انتظار است.

در الگوی دوم استانی، نرخ مشارکت نیروی کار تابعی از سهم جمعیت مجرد و سهم زنان خانه‌دار در نظر گرفته شده است. نتیجه حاصل از تخمین الگو بصورت زیر است:

$$\log(PARTA) = 6.6 - 0.46 \log(SINGLE) - 0.36 \log(HOUS)$$
$$(9.6) \quad (-4.1) \quad (-2.9)$$
$$R^2 = 0.41 \quad F = 9.7$$

که در آن $SINGLE$ سهم زنان مجرد است. نتایج نشان می‌دهد، استان‌هایی که سهم زنان مجرد بیش‌تری دارند، مشارکت نیروی کار، کم‌تر است. این زنان عمدتاً در حال تحصیل می‌باشند. همچنین با افزایش زنان خانه‌دار ($Hous$) نرخ مشارکت کاهش می‌یابد. زیرا زنان ۲۷ درصد جمعیت غیرفعال را تشکیل می‌دهند.

در الگوی سوم، نرخ مشارکت نیروی کار تابعی از نسبت مهاجرت به جمعیت ($MiGR/POP$) و سهم زنان سرپرست خانوار ($COVER$) می‌باشد. نتیجه حاصل از تخمین الگو بصورت زیر است:

$$\log(PARTA) = 3.5 + 0.04\log(MIGR / POP) + 0.22\log(COVER)$$

(19.5) (1.52) (2.04)

$$R^2 = 0.22 \quad F = 3.7$$

که در آن، با افزایش نسبت مهاجرت به جمعیت هر استان، نرخ مشارکت نیروی کار افزایش می‌یابد. بنابراین استان‌هایی نظیر تهران و خراسان دارای مشارکت نیروی کار بالایی هستند. با افزایش سهم زنان سرپرست خانوار، نرخ مشارکت نیروی کار افزایش می‌یابد و این زنان برای تأمین معیشت خانواده خود، به ناچار وارد بازار کار می‌شوند.

۵-۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این فصل عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت نیروی کار شناسایی و الگوهای مناسب نیز تخمین زده شده است. با توجه به اختلاف میزان مشارکت زنان و مردان در بازار کار، الگوهای متفاوتی برای آن‌ها ارائه شده است. همچنین به دلیل اختلاف نرخ مشارکت نیروی کار مردان و زنان در گروه‌های سنی مختلف، این الگوها در گروه‌های سنی ۱۴-۱۰، ۱۹-۱۵، ۲۴-۲۰، ۲۹-۲۵ و ۳۰ ساله و بیش‌تر ارائه شد. از آن‌جا که بعضی از متغیرهای الگو مانند نرخ مشارکت نیروی کار $I(0)$ و سایر الگوها مانند تولید ناخالص ملی سرانه $I(1)$ هستند، لذا استفاده از روش OLS، رگرسیون کاذب را به همراه خواهد داشت و به همین دلیل از روش ARDL استفاده گردید. متغیرهای الگو شامل نرخ بیکاری، نرخ بیکاری مردان، نرخ بیکاری زنان، پوشش تحصیلی، سطح عمومی قیمت‌ها، سهم افراد دارای تحصیلات عالی، تولید ناخالص داخلی سرانه، حداقل دستمزد واقعی می‌باشد. در دهه اخیر نرخ مشارکت نیروی کار مردان و زنان افزایش یافته و شناسایی عوامل مؤثر بر آن می‌تواند، به اتخاذ سیاست‌های مناسب برای ساماندهی بازار کار منجر شود. خلاصه نتایج به صورت زیر است:

- ۱- پوشش تحصیلی در گروه‌های سنی ۱۴-۱۰ ساله زنان، ۱۹-۱۵ ساله زنان، ۲۴-۲۰ ساله زنان و ۱۴-۱۰ ساله مردان منفی و معنی‌دار می‌باشد. پوشش تحصیلی، سهم جمعیت در حال تحصیل را نسبت به کل جمعیت در گروه‌های سنی نشان می‌دهد. با افزایش مدارس، دانشگاه‌ها و مؤسسات

آموزشی در سطح کشور، افراد بویژه زنان، زمان خود را به تحصیل تخصیص می‌دهند و در این راستا نرخ مشارکت کاهش می‌یابد.

پوشش تحصیلی زنان ۱۰-۱۴ ساله از ۳۲/۹ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۸۹ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این رقم برای زنان ۱۵-۱۹ ساله از ۱۴/۵ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۵۵/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این رقم در زنان ۲۰-۲۴ ساله از ۳/۲ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۲۳/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. پوشش تحصیلی مردان ۱۰-۱۴ ساله از ۵۹/۱ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۹۲/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این رقم برای مردان ۱۵-۱۹ ساله از ۲۷/۷ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۵۷ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته ولی ضریب آن دارای علامت مورد انتظار نیست. پوشش تحصیلی مردان ۲۰-۲۴ ساله از ۱۰/۳ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۹/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته که ضریب آن در الگو از نظر آماری معنی‌دار نیست. در مجموع مشاهده می‌شود که تغییرات پوشش تحصیلی زنان بسیار بزرگ‌تر از تغییر پوشش تحصیلی مردان است و نرخ قبولی دانشجویان زن در دانشگاه‌ها (در حدود ۶۵ درصد) نیز این مطلب را تأیید می‌کند.

۲- سهم جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار مردان و زنان ۲۰-۲۴، ۲۵-۲۹ و ۳۰ ساله و بیش‌تر دارد. اگرچه با افزایش جمعیت درحال تحصیل و پوشش تحصیلی، مشارکت نیروی کار کاهش می‌یابد ولی افراد پس از فارغ‌التحصیل شدن به شدت جویای کار می‌باشند. ضریب متغیر مذکور در کلیه گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۲۵-۲۹ ساله و ۳۰ ساله و بیش‌تر مردان و زنان مثبت و معنی‌دار است. بنابراین با گسترش دانشگاه‌ها، باید منتظر رشد هرچه بیش‌تر عرضه نیروی کار بوده و لذا ایجاد فرصت‌های شغلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر اساس این تحولات، ارتقاء کیفیت آموزشی در دانشگاه‌ها و انطباق هرچه بیش‌تر دانشگاه و بازار کار مهم می‌باشد.

سهم افراد دارای تحصیلات عالی زنان در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله از ۰/۶۸ در سال ۱۳۴۵ به ۶/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. سهم مذکور در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله زنان از ۰/۴۹ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۵/۹ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این سهم در گروه سنی ۳۰ ساله و

بیشتر زنان از ۰/۱۵ در سال ۱۳۴۵ به ۶/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. سهم افراد دارای تحصیلات عالی در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله مردان از ۲ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۵/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. سهم مذکور در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله مردان از ۲/۳ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. سهم مذکور در گروه سنی ۳۰ ساله و بیشتر مردان از ۱/۱ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۹/۱ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.

۳- سطح عمومی قیمت‌ها و رشد آن تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار بعضی از گروه‌های سنی دارد. به عبارت دیگر با افزایش تورم و کاهش قدرت خرید، سرپرست خانوار به تنهایی قادر به تأمین معیشت زندگی خانوار نبوده و لذا همسر و یا فرزندان برای کمک به تأمین معیشت وارد بازار کار می‌شوند.

ضریب این متغیر در گروه‌های سنی ۱۹-۱۵ ساله زنان، ۲۴-۲۰ ساله زنان، ۲۹-۲۵ ساله زنان، ۱۹-۱۵ ساله مردان مثبت و معنی‌دار است. بنابراین با افزایش تورم، فشار بر بازار کار افزایش یافته و عرضه نیروی کار بالا می‌رود و با فرض ثابت ماندن تقاضای نیروی کار، نرخ بیکاری افزایش می‌یابد و لذا شیب منفی منحنی فیلیپس را با تردید مواجه می‌سازد.

۴- نرخ بیکاری، می‌تواند بر اساس مبانی نظری، دارای علامت مثبت یا منفی باشد. در بعضی از گروه‌های سنی زنان، افزایش نرخ بیکاری و نرخ بیکاری مردان، موجب افزایش نرخ مشارکت زنان می‌گردد. زیرا با افزایش بیکاری مردان، که عمدتاً سرپرست خانوار هستند، زنان برای تأمین معیشت خانوار وارد بازار کار می‌شوند. در این حالت اثر عدم تشویق نیروی کار کوچک‌تر از اثر کارگر اضافی است. اثر عدم تشویق بیان می‌کند که با افزایش نرخ بیکاری، امید به پیدا کردن شغل کاهش یافته و در نتیجه نرخ مشارکت کاهش می‌یابد. اثر کارگر اضافی نشان می‌دهد که با بیکار شدن یک عضو خانوار، سایر افراد وارد بازار کار شده و نرخ مشارکت افزایش می‌یابد.

۵- تولید ناخالص داخلی سرانه، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان دارد. افزایش تولید سرانه به معنی ایجاد پتانسیل‌ها و فرصت‌های شغلی بیشتر در اقتصاد بوده و لذا انگیزه نیروی کار را برای مشارکت بیشتر نیروی کار افزایش می‌دهد.

۶- دستمزد واقعی و حداقل دستمزد واقعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۲۰-۲۴ ساله، ۳۰ ساله و بیش‌تر و نرخ مشارکت نیروی کار مردان ۱۰-۱۴ ساله، ۱۵-۱۹ ساله، ۲۵-۲۹ ساله و ۳۰ ساله و بیش‌تر دارد. لذا افزایش حداقل دستمزد اسمی که عمدتاً ناشی از رشد تورم است، می‌تواند نرخ مشارکت و در نتیجه احتمالاً نرخ بیکاری را افزایش داده و تأیید منحنی فیلیپس را با تردید مواجه سازد.

۷- با افزایش سهم زنان سرپرست خانوار، نرخ مشارکت نیروی کار، افزایش می‌یابد و این زنان برای تأمین معیشت خانوار وارد بازار کار می‌شوند.

۸- با افزایش نسبت مهاجران به جمعیت هر استان، نرخ مشارکت نیروی کار افزایش می‌یابد. بنابراین، از آنجا که یکی از انگیزه‌های اصلی مهاجرت، شغل و کسب درآمد است، این نتیجه قابل دفاع است.

۹- با افزایش سهم زنان خانه‌دار، نرخ مشارکت نیروی کار کاهش می‌یابد. زنان خانه‌دار، ۲۷ درصد از کل جمعیت فعال را تشکیل می‌دهند. البته در صورتی که زنان برای کمک به تأمین معیشت خانوار، وارد بازار کار شوند، نرخ مشارکت نیروی کار افزایش می‌یابد.

فصل ششم

خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این تحقیق، وضعیت نرخ مشارکت نیروی کار در طی دوره ۸۵-۱۳۵۵ مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. نرخ مشارکت نیروی کار از نسبت جمعیت فعال به جمعیت ده ساله و بیش‌تر به دست می‌آید. نرخ مشارکت نیروی کار از ۳۵/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۳۹/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این تغییر در نرخ مشارکت، موجب تحولات گسترده‌ای در بازار کار شده است که در این تحقیق مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. لازم به ذکر است که جمعیت فعال از مجموع جمعیت شاغل و بیکار تشکیل یافته است. برای بررسی موضوع، گزارش از شش فصل تشکیل شده که اهم نتایج ارائه می‌گردد:

فصل اول به کلیات اختصاص دارد. کلیات شامل بیان مسئله، اهداف، فرضیات، اهمیت موضوع و تعاریف مفاهیم می‌باشد. موارد مطروحه این فصل نشان می‌دهد که بازار کار یکی از ابعاد مهم اقتصاد کلان بوده و طرف عرضه نیروی کار نیز از مهم‌ترین موضوعات بازار کار می‌باشد. بالا بودن عرضه نیروی کار، نیازمند ایجاد فرصت‌های شغلی بیش‌تر است و لذا توجه به این مسئله بسیار حائز اهمیت می‌باشد. هدف از این مطالعه بررسی و تحلیل روند متغیرهای طرف عرضه نیروی کار، با تأکید بر اطلاعات آماری سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، بوده که در این راستا، نرخ مشارکت به تفکیک سن، جنس، استان، شهری و روستایی بررسی می‌گردد.

فصل دوم به مبانی نظری اختصاص دارد. در این راستا، چند الگوی نظری ارائه شده است.

الگوی اول، الگوی استاندارد عرضه نیروی کار است که براساس حداکثرسازی مطلوبیت یک فرد نسبت به محدودیت‌های بودجه و زمان حاصل می‌شود و نتیجه آن استخراج تابع عرضه نیروی کار می‌باشد. متغیر اصلی تابع عرضه نیروی کار شامل دستمزد واقعی و ویژگی‌های اجتماعی فرد (مانند

تحصیلات، سن و جنس) می‌باشد. الگوی دوم، عرضه نیروی کار خانوار را در نظر می‌گیرد که در آن عرضه نیروی کار یک عضو خانوار متأثر از عرضه نیروی کار سایر اعضای خانوار است. الگوی سوم، الگوی تخصیص زمان است که در آن تابع تولید خانوار و تخصیص زمان بین کار در منزل و کار در بیرون از منزل تقسیم می‌شود که توسط گری بیکر ارائه شد. الگوی چهارم، عرضه نیروی کار در طول زمان است که یک الگوی بین نسلی را ارائه می‌دهد. تحت این شرایط، فرد برای مصرف آینده، در حال حاضر به کار یا تحصیل مشغول می‌شود. همچنین تصمیم برای مصرف و عرضه نیروی کار در یک دوره، براساس قیمت و دستمزد در تمامی دوره‌ها است. الگوی پنجم، ارتباط بین عرضه نیروی کار و بیکاری را بررسی کرده و دو اثر مهم عدم تشویق نیروی کار و اثر کارگر اضافی را مطرح می‌کند. در صورتی که اثر کارگر اضافی بزرگ‌تر از اثر عدم تشویق نیروی کار باشد، ارتباط مستقیم بین نرخ بیکاری و عرضه نیروی کار وجود دارد. در صورتی که اثر عدم تشویق نیروی کار بزرگ‌تر از اثر کارگر اضافی باشد، ارتباط معکوس بین نرخ بیکاری و عرضه نیروی کار وجود دارد. نهایتاً در الگوی نهایی، تأثیر مخارج دولت بر عرضه نیروی کار بررسی می‌شود. مخارج دولت از دو جنبه بر عرضه نیروی کار مؤثر است. در حالت اول، مخارج دولت به ویژه مخارج رفاهی و تأمین اجتماعی، آموزشی و کالاهای عمومی تأثیر منفی بر عرضه نیروی کار دارد. جنبه دوم آن است که مخارج دولت از طریق مالیات‌ها تأمین می‌شود و در این حالت ارتباط بین مالیات و عرضه نیروی کار مطرح می‌شود که علامت آن مبهم است.

فصل سوم، به مروری بر مطالعات اختصاص دارد. در این فصل مروری بر مطالعات تجربی عرضه نیروی کار در سایر کشورها و ایران ارائه شده است. در این مطالعات، از دو دسته اطلاعات آماری استفاده می‌شود. دسته اول اطلاعات سری زمانی کشورها و دسته دوم اطلاعات مقطعی است. در این مطالعات، معمولاً یک الگوی کلی برای عرضه نیروی کار ارائه نشده است و بین عرضه نیروی کار مردان و زنان و همچنین گروه‌های سنی اختلاف قائل می‌شوند. در این مطالعات متغیر دستمزد واقعی، دستمزد اسمی، تولید ناخالص ملی سرانه، پوشش تحصیلی، هزینه‌های دولت، نرخ بیکاری،

نرخ تورم، افراد دارای تحصیلات عالی مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج اغلب مطالعات اختلاف ماهیت عرضه نیروی کار گروه‌های سنی مختلف و مردان و زنان را تأیید می‌کنند. فصل چهارم به بررسی روند نرخ مشارکت نیروی کار پرداخته شده است. خلاصه نتایج به قرار زیر است:

۱- عرضه نیروی کار، متأثر از تغییرات جمعیت در حداقل یک دهه گذشته است لذا متوسط رشد جمعیت در طی دوره ۱۳۵۵-۶۵ (معادل ۳/۹ درصد)، دوره ۱۳۶۵-۷۵ (معادل ۲ درصد) روی عرضه نیروی کار سال‌های اخیر مؤثر بوده است. با توجه به این که آهنگ رشد جمعیت در دوره ۱۳۷۵-۸۵ معادل ۱/۶ درصد بوده و کم‌تر از دهه‌های گذشته آن است لذا انتظار می‌رود که فشار به بازار کار از ناحیه جمعیت در آینده کاهش یابد. جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵ معادل ۷۰۴۹۵۷۸۲ نفر بوده است.

۲- متوسط رشد جمعیت در مناطق شهری به مراتب بزرگ‌تر از متوسط رشد جمعیت در مناطق روستایی است. به طوری که رشد مذکور در دوره ۱۳۶۵-۷۵ در مناطق شهری برابر ۳/۲ درصد و در منطق روستایی ۰/۳ درصد بوده است و در دوره ۱۳۷۵-۸۵ این رشد در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۲/۷ و ۰/۴- درصد بوده است. این تحولات به دلیل مهاجرت جمعیت روستاها به شهرها، خشکسالی و همچنین تبدیل مناطق روستایی به شهری بوده است. در مجموع این نتایج بیانگر، نیاز به ایجاد فرصت‌های شغلی بیش‌تر در مناطق شهری است که این مهاجرت‌ها می‌تواند مسائل اجتماعی را نیز به شدت افزایش دهد.

۳- جمعیت ده ساله و بیش‌تر مبنای محاسبه جمعیت فعال یا عرضه نیروی کار می‌باشد و در سال ۱۳۸۵ معادل ۵۹۵۲۲۷۴۷ نفر بوده است. رشد جمعیت ده ساله و بیش‌تر در طی دوره ۱۳۷۵-۸۵ معادل ۲/۷ درصد بوده که بیش‌تر از رشد جمعیت در همین دوره (۱/۶ درصد) است. دلیل افزایش جمعیت ده ساله و بیش‌تر، رشد جمعیت در دوره‌های ۱۳۵۵-۶۵ و ۱۳۶۵-۷۵ بوده است که اثرات خود را بر بازار کار با یک و دو دهه تأخیر نشان می‌دهد. جمعیت ده ساله و بیش‌تر به جمعیت فعال بالقوه نیز معروف است.

۴- رشد سالانه جمعیت ده ساله و بیش‌تر عمدتاً در گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۲۵-۲۹ ساله، ۴۵-۴۹ ساله و ۵۰-۵۴ ساله بوده است.

۵- جمعیت فعال کشور از ۹۷۹۶۰۵۶ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲۳۴۶۸۶۹۳ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. متوسط رشد عرضه نیروی کار در طی دوره ۷۵-۱۳۶۵ معادل $\frac{2}{3}$ درصد و در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ معادل $\frac{3}{9}$ درصد می‌باشد. رشد $\frac{3}{9}$ درصد عرضه نیروی کار در دوره اخیر، متأثر از تغییرات جمعیت دهه‌های گذشته بوده است.

۶- بالاترین رشد جمعیت فعال مربوط به گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله بوده که معادل ۶ درصد می‌باشد که این مسئله لزوم توجه به جوانان و ایجاد فرصت‌های شغلی را برای آن‌ها مورد تأکید قرار می‌دهد.

۷- رشد سالیانه جمعیت فعال مردان و زنان در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ به ترتیب $\frac{3}{6}$ و $\frac{3}{9}$ درصد است. این مطلب نشان می‌دهد که فشار بر بازار کار از ناحیه زنان بیش‌تر از ناحیه مردان است.

۸- سهم جمعیت فعال زنان معادل $\frac{15}{5}$ درصد و مردان معادل $\frac{84}{5}$ درصد است. این نتیجه نشان می‌دهد که مردان سهم غالب را در بازار کار را از آن خود کرده‌اند. اگرچه این سهم نسبت به سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ افزایش نشان می‌دهد.

۹- رشد جمعیت فعال شهری و روستایی در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ به ترتیب $\frac{5}{1}$ و $\frac{1}{7}$ درصد بوده است. این مطلب فشار بر بازار کار شهری را تأیید می‌کند.

۱۰- در دوره ۸۵-۱۳۷۵ بیش‌ترین رشد جمعیت فعال مربوط به گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۲۵-۲۹ ساله بوده است که اهمیت ایجاد اشتغال را برای جوانان تأیید می‌کند.

۱۱- در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، رشد جمعیت فعال زنان ۲۰-۲۴ ساله معادل ۸ درصد بوده که رقم مذکور برای مردان معادل $\frac{5}{6}$ درصد است. این نتیجه نشان می‌دهد که زنان جوان، حرکت وسیعی را برای ورود به بازار کار آغاز کرده‌اند که این مطلب می‌تواند آغاز یک تحول در بازار کار به نفع زنان باشد. به هر حال حتی اگر زنان آماده برای ورود به بازار کار شوند ولی در کوتاه

مدت شغلی را به دست نیاورند، این آمادگی نکته مثبتی تلقی شده و در نهایت به نفع بازار کار زنان خواهد بود.

۱۲- نرخ بیکاری از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. افزایش بیکاری، علی‌رغم افزایش اشتغال، متأثر از رشد قابل توجه عرضه نیروی کار است.

۱۳- نرخ مشارکت نیروی کار یا سهم جمعیت فعال در سال ۱۳۸۵ معادل ۳۹/۴ درصد بوده و سهم جمعیت غیرفعال معادل ۶۰/۶ درصد می‌باشد، که ۲۷ درصد خانه‌دار، ۲۲ درصد محصل، ۵ درصد دارای درآمد بدون کار می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که سهم جمعیت غیرفعال در ایران بالا بوده و این امر می‌تواند پتانسیل بیکاری در ایران را توضیح دهد. به عبارت دیگر، در صورتی که قسمتی از افراد خانه‌دار و محصل به بازار کار وارد شوند، فشار بر بازار کار به شدت افزایش خواهد یافت.

۱۴- در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، سالانه ۷۴۴۱۴۷ نفر وارد بازار کار شده‌اند که ۵۹۰۴۸۲ نفر به شغل رسیده‌اند.

۱۵- نرخ بیکاری و نرخ مشارکت نیروی کار در استان‌ها، اختلاف قابل توجهی با هم دارند و این مطلب بیانگر عدم توازن منطقه‌ای است.

فصل پنجم به تخمین الگوهای نرخ مشارکت نیروی کار اختصاص دارد. خلاصه نتایج به قرار زیر است:

۱- پوشش تحصیلی در گروه‌های سنی ۱۰-۱۴ ساله زنان، ۱۹-۱۵ ساله زنان، ۲۴-۲۰ ساله زنان و ۱۴-۱۰ ساله مردان منفی و معنی‌دار می‌باشد. پوشش تحصیلی، سهم جمعیت در حال تحصیل را از کل جمعیت در گروه‌های سنی نشان می‌دهد. با افزایش مدارس، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی در سطح کشور، افراد به ویژه زنان، زمان خود را به تحصیل تخصیص می‌دهند و در این راستا نرخ مشارکت کاهش می‌یابد.

پوشش تحصیلی زنان ۱۰-۱۴ ساله از ۳۲/۹ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۸۹ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این رقم برای زنان ۱۹-۱۵ ساله از ۱۴/۵ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۵۵/۶

درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این رقم در زنان ۲۴-۲۰ ساله از ۳/۲ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۲۳/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. پوشش تحصیلی مردان ۱۴-۱۰ ساله از ۵۹/۱ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۹۲/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این رقم برای مردان ۱۹-۱۵ ساله از ۲۷/۷ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۵۷ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته ولی ضریب آن دارای علامت مورد انتظار نیست. پوشش تحصیلی مردان ۲۴-۲۰ ساله از ۱۰/۳ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۹/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته که ضریب آن در الگو از نظر آماری معنی دار نیست. در مجموع مشاهده می شود که تغییرات پوشش تحصیلی زنان بسیار بزرگتر از تغییر پوشش تحصیلی مردان است و نرخ قبولی دانشجویان زن در دانشگاه ها (در حدود ۶۵ درصد) نیز این مطلب را تأیید می کند.

۲- سهم جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی تأثیر مثبت و معنی داری بر نرخ مشارکت نیروی کار مردان و زنان ۲۴-۲۰، ۲۹-۲۵ و ۳۰ ساله و بیشتر دارد. اگرچه با افزایش جمعیت درحال تحصیل و پوشش تحصیلی، مشارکت نیروی کار کاهش می یابد ولی افراد پس از فارغ التحصیل شدن به شدت جویای کار می باشند. ضریب متغیر مذکور در کلیه گروه های سنی ۲۴-۲۰ ساله، ۲۹-۲۵ ساله و ۳۰ ساله و بیشتر مردان و زنان مثبت و معنی دار است. بنابراین با گسترش دانشگاه ها، باید منتظر رشد هرچه بیشتر عرضه نیروی کار بوده و لذا ایجاد فرصت های شغلی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. براساس این تحولات، ارتقاء کیفیت آموزشی در دانشگاه ها و انطباق هرچه بیشتر دانشگاه و بازار کار مهم می باشد.

سهم افراد دارای تحصیلات عالی زنان در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله از ۰/۶۸ در سال ۱۳۴۵ به ۶/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. سهم مذکور در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله زنان از ۰/۴۹ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۵/۹ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این سهم در گروه سنی ۳۰ ساله و بیشتر زنان از ۰/۱۵ در سال ۱۳۴۵ به ۶/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. سهم افراد دارای تحصیلات عالی در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله مردان از ۲ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۵/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. سهم مذکور در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله مردان از

۲/۳ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. سهم مذکور در گروه سنی ۳۰ ساله و بیش تر مردان از ۱/۱ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۹/۱ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.

۳- سطح عمومی قیمت‌ها و رشد آن تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار بعضی از گروه‌های سنی دارد. به عبارت دیگر با افزایش تورم و کاهش قدرت خرید، سرپرست خانوار به تنهایی قادر به تأمین معیشت زندگی خانوار نبوده و لذا همسر و یا فرزندان برای کمک به تأمین معیشت وارد بازار کار می‌شوند.

ضریب این متغیر در گروه‌های سنی ۱۹-۱۵ ساله زنان، ۲۴-۲۰ ساله زنان، ۲۹-۲۵ ساله زنان، ۱۹-۱۵ ساله مردان مثبت و معنی‌دار است. بنابراین با افزایش تورم، فشار بر بازار کار افزایش یافته و عرضه نیروی کار بالا می‌رود و با فرض ثابت ماندن تقاضای نیروی کار، نرخ بیکاری افزایش می‌یابد و لذا شیب منفی منحنی فیلیپس را با تردید مواجه می‌سازد.

۴- نرخ بیکاری، می‌تواند براساس مبانی نظری، دارای علامت مثبت یا منفی باشد. در بعضی از گروه‌های سنی زنان، افزایش نرخ بیکاری و نرخ بیکاری مردان، موجب افزایش نرخ مشارکت زنان می‌گردد. زیرا با افزایش بیکاری مردان، که عمدتاً سرپرست خانوار هستند، زنان برای تأمین معیشت خانوار وارد بازار کار می‌شوند. در این حالت اثر عدم تشویق نیروی کار کوچک‌تر از اثر کارگر اضافی است. اثر عدم تشویق بیان می‌کند که با افزایش نرخ بیکاری، امید به پیدا کردن شغل کاهش یافته و در نتیجه نرخ مشارکت کاهش می‌یابد. اثر کارگر اضافی نشان می‌دهد که با بیکار شدن یک عضو خانوار، سایر افراد وارد بازار کار شده و نرخ مشارکت افزایش می‌یابد.

۵- تولید ناخالص داخلی سرانه، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان دارد. افزایش تولید سرانه به معنی ایجاد پتانسیل‌ها و فرصت‌های شغلی بیش تر در اقتصاد بوده و لذا انگیزه نیروی کار را برای مشارکت بیش تر نیروی کار افزایش می‌دهد.

۶- دستمزد واقعی و حداقل دستمزد واقعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۲۴ - ۲۰ ساله، ۳۰ ساله و بیش تر و نرخ مشارکت نیروی کار مردان ۱۴-۱۰ ساله، ۱۹-۱۵

ساله،

۲۹-۲۵ ساله و ۳۰ ساله و بیش تر دارد. لذا افزایش حداقل دستمزد اسمی که عمدتاً ناشی از رشد تورم است، می تواند نرخ مشارکت و در نتیجه احتمالاً نرخ بیکاری را افزایش داده و تأیید منحنی فیلیپس را با تردید مواجه سازد.

۷- با افزایش سهم زنان سرپرست خانوار، نرخ مشارکت نیروی کار، افزایش می یابد و این زنان برای تأمین معیشت خانوار وارد بازار کار می شوند.

۸- با افزایش نسبت مهاجران به جمعیت هر استان، نرخ مشارکت نیروی کار افزایش می یابد. بنابراین، از آنجا که یکی از انگیزه های اصلی مهاجرت، شغل و کسب درآمد است، این نتیجه قابل دفاع است.

۹- با افزایش سهم زنان خانه دار، نرخ مشارکت نیروی کار کاهش می یابد. زنان خانه دار، ۲۷ درصد از کل جمعیت فعال را تشکیل می دهند. البته در صورتی که زنان برای کمک به تأمین معیشت خانوار، وارد بازار کار شوند، نرخ مشارکت نیروی کار افزایش می یابد.

در مجموع پیشنهادات زیر ارائه می شود:

۱- با توجه به رشد عرضه نیروی کار، پیشنهاد می شود که مطالعه ای در خصوص روش های ایجاد فرصت های شغلی پایدار انجام شود.

۲- تورم تأثیر مهمی بر رشد عرضه نیروی کار دارد لذا پیشنهاد می شود مطالعه ای در خصوص اثرات متغیرهای پولی و مالی بر بازار کار صورت گیرد.

۳- با توجه به عدم تعادل منطقه ای بازار کار پیشنهاد می شود که مطالعه ای در خصوص آمایش سرزمین صورت پذیرد.

منابع

۱. تودارو، مایکل (۱۳۸۶)، اقتصاد توسعه، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی.
۲. شرکت تحقیقات اقتصادی دانش بنیان پیش‌نگر (۱۳۸۷)، طرح جامع اشتغال زنان استان گیلان.
۳. فاضلی، حسین، بررسی ساختار بازار کار (۱۳۸۴)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد.
۴. فرجادی، غلامعلی، آموزش و بازار کار (۱۳۷۸)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۵. فرجادی، غلامعلی. (۱۳۷۷ الف). پروژه نیروی انسانی، آموزش و بازار کار، گزارش ششم، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه. همکار پژوهشگر نعمت فلیحی. (۱۳۷۷ ب) پروژه نیروی انسانی، آموزش و بازار کار، گزارش چهارم. موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه. همکار پژوهشگر علیرضا امینی
۶. فلیحی، نعمت (۱۳۸۲)، برآورد الگوهای عرضه نیروی کار و پیش‌بینی مقادیر آن تا پایان برنامه چهارم توسعه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۷. مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، سال‌های مختلف.
8. Ashenfelter, O. and S. Layard (1986), Handbook of Labor Economics. North-Holland, Vol.1 and Vol.2
9. Ashenfelter, O. (1980), Unemployment as disequilibrium in a model of aggregate Labor Supply, *Econometrica*, 48 (3), pp. 547 – 64.
10. Briscoe, G. and R. Wilson (1992), Forecasting Economic Activity Rates. *International Journal of Forecasting*. Vol.8.
11. Black, D, N, Kolesnikova and L. Taylor, The Labor Supply of Married Women: Why does it differ across U.S. Cities?, <http://research.stlouisfed.com>.
12. Clark, R,L. and R. Anker (1990), Labor Force Participation Rates of Older Persons An International Comparison. *International Labour Review*. Vol.129.
13. Conway, K. S. (1997), Labor Supply, Taxes, and government spending: a microeconomic analysis, *Review of Economics and statistics*, pp. 50 – 64.
14. Doeringer, P.B. and M.J. Piore (1971), *Internal Labor Markets and Manpower Analysis*, Lexington, Massachusetts: D.C. Heath and Co.

15. Ehrenberg R. G. and R.S. Smith (2000), *Modern Labor Economics*, Addison Wesley Longman.
16. Estevao, M., D. (2003), *Active Labor Market Policies increase Employment*, IMF Working Paper, WP/ 03 / 234.
17. Fleisher, B.M. and G. Rhodes (1976), *unemployment and the Labor force participation of Married men and women: Asimulfaneous Model*, *Review of economics and statistics*.
18. Gwartney, J. and R. Stroup (1983), *Labor Supply and tan rates: A Correction of the record*, *American Economic Review*, 73, pp. 446 – 51.
19. Heshmati, A. (1998), “*Labour Demand and Efficiency in Swedish saving Banks*” Department of Economic statistics Stockholm school of Economics, October.
20. Hann, Peter (2004), *Discrete Choice Labor Supply! Conditional Logit VS. random coefficient models*, German Institute for Economic Research.
21. Hann, Peter, Arne Uhlendorff, (2007), *Intertemporal Labor supply and involuntary unemployment*, Institute for the study of Labor (IZA), No. 2888.
22. Khan,s.,& E. Ghani (1989), *Employment Generation in Rural Pakistan with a Special Focus on Rural Industrialization*. *Pakistan Development Review*.
23. Kottis.A,P. (1998), *Shifts Over Time and Regional Variation in Women’s labor Force Participation Rates in Devolping Economy: The case of Grece*. *Journal of Development Economics*.
24. Lee, C. and Schluter G. (1999), *Effect of Trade on the Demand for Skilled and unskilled workers*. *Economic system Reserch*, Vol. (11), No 1.
25. Ncube, M. and A. Heshmati (1998), *A Flexible Adjustment Model of Employment with Application to Zimbabwe’s Manufacturing Industries*. Department of Economic Statistics.
26. Nerlove, M. (1958), “*Distributed Lags and Demand Analysis for Agricultural and other Commodities*”, *Agricultural Handbook 141:us*, Department of Agriculture.
27. U.S.Bureau of Labor Statistics (2000), *Issues in Labor Statistics*.
28. Spargue,A.(1988), *Post War Fertility and Female Labour Force Participation Rates*. *Economic Journal*. Vol. 98.
29. Suryahadi, A., p. chen and R. Tyers, (2001), *openness, technological change and Labor demand in Pre – Crisis Indonisia*, *Asian Economic Journal*.